

## ساعت صفر

قاسم سلیمانی جمعه ۱۳ دی ۹۸ از اتومبیلی که می‌بایست وی را از فرودگاه بغداد به محل اقامت‌اش برساند با همراهان خود از جمله وابستگان حشدالشعبی توسط نیروهای آمریکایی کشته شد. برای دریافتن اینکه زمان و مکان «سردار عارف» لوداده شده، نیازی به هوش فوق‌العاده نیست. در حالی که رهبر جمهوری اسلامی و مقاماتش در بهت و ناباوری کامل به تکرار تهدیدات و گریه و زاری مشغول بودند و با اعلام عزای عمومی و تعطیل مملکت، فرصتی می‌خواهند تا خود را جمع و جور کنند، ایرانیان خسته از این رژیم و زخم‌دیده از سرکوب خونین آنان ماه، در چار دیواری‌ها و جمع‌های خصوصی خود شادی کرده و عراقی‌ها و سوری‌ها در خیابان‌ها شیرینی پخش می‌کردند.

وابستگان و دبستانان جمهوری اسلامی اگر اندکی تعقل می‌داشتند، لحظاتی به تأمل در این دو رفتار کاملاً متضاد از سوی نظام و مردم ایران و منطقه می‌پرداختند!

قاسم سلیمانی به خودی خود، یک پاسدار کم‌سواد و ناآشنا به دانش و پیشرفت‌های جهان مدرن بود که حتی در نظامیگری نیز سررشته‌ای نداشت. او نه یک «ژنرال» و «نظامی» بلکه تروریست و جنایتکاری بود که در پیشبرد اهداف فرقه‌ای خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناخت. رسالت او، آنگونه که برخی می‌خواهند وی را به مخاطبان ساده‌لوح حقنه کنند، قطعاً «ملی» نبود چرا که اسلام سیاسی یا ارتجاع سیاه در این زمینه به ارتجاع سرخ نزدیک است و نه تنها جهان بلکه کائنات را قلمرو خود می‌داند و تعلقات و احساسات و مرزهای ملی برایش بسی تنگ است!

مبارزه وی با «داعش» نیز دروغی بیش نیست! بدون آمریکا و نیروهای محلی، «داعش سنی» که زاییده سیاست‌های جمهوری اسلامی است، همچنان دست در دست «جاعش شیعه» به ترور مردم مشغول می‌بود!

تفاوت سلیمانی با دیگر هم‌قطارانش چیزی جز «دوز بالای ایدئولوژی» نبود! چنانکه در تاریخ سیاست و نظامیگری نخواهید دید که فردی را به دلیل جنایات کور و کشتار و آواره کردن مردم چند کشور و همچنین سازماندهی مزدوران شبه‌نظامی برای قتل و غارت و بالا رفتن از دیوار سفارتخانه و حملات ایدئایی، «متفکر» یا «استراتژیست نظامی» بنامند چه برسد به اینکه ستایش‌اش کنند!

اهمیت این عملیات نه در قاسم سلیمانی بلکه در در پیام‌ها و پیامدهای کشته شدن اوست. این عملیات در مقابله با جمهوری اسلامی و بر بستر نارضایتی‌ها و اعتراضات مردم منطقه از جمله در ایران و عراق و لبنان، اسلام سیاسی را که رژیم ایران سردمدار آن است، یک گام بزرگ به «ساعت صفر» نزدیک کرد!

آیا غرب، اروپا و آمریکا، سرانجام به این خردمندی رسیده‌اند که درک کنند حفظ امنیت و آزادی و رفاه آنها به امنیت و آزادی و رفاه دیگران از جمله در خاورمیانه بستگی دارد و این با «اسلام سیاسی» و حکومت‌های اسلامی از جمله انواع «جمهوری اسلامی» در ایران و عراق و پاکستان و افغانستان و... ممکن نیست!

# تشدید یک جنگ اعلام نشده؟

- جمهوری اسلامی با حمله به منافع آمریکا می‌خواست مانع کاهش نفوذ خود در عراق شود.
- حالا با کشته شدن قاسم سلیمانی، جمهوری اسلامی مهره اصلی سیاست‌های ماجراجویانه خود در خاورمیانه را از دست داده است.
- واکنش جمهوری اسلامی به از دست دادن مهره اصلی‌اش در منطقه چه خواهد بود؟ جنگ یا عقب‌نشینی؟ آیا سلیمانی قربانی حل بحران نظام و آمریکا شد؟!



اتومبیل حامل قاسم سلیمانی پس از انفجار؛ ۱۳ دی ۱۳۹۸ / ۳ ژانویه ۲۰۲۰

سرویس سیاسی کیهان: ایران باز خواهد گشت یا تلاش نیروی «قدس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با کشته شدن قاسم سلیمانی به داخل مرزهای کشور به پرواز درآمده بود، نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد، اتومبیلی را هدف قرار داد که یکی از سرنشینان آن قاسم سلیمانی،

## کشته ندادیم که سازش کنیم!



پیامدهای اعتراضات سراسری آنان ماه در ایران همچنان علیه معترضان ادامه دارد و مقامات جمهوری اسلامی رفتاری پریشان در مواجهه با آنچه دارند که در فاصله بین روزهای ۲۴ تا ۲۹ آذر ۱۳۹۸ در بیش از ۱۰۰ شهر ایران رخ داد.

اعتراضات آنان که جرقه آن با گرانی بنزین زده شد و در نهایت طی ۲۴ ساعت مردم در شهرها و بخش‌های ۲۸ استان ایران به آن پیوستند، بزرگترین اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته را رقم زد.

## کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (انسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد گسره «صور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کانفرانس‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
 Ibx Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## یا هو. حق اوست با نهایت تأثر و تأسف فوت بیژن پیرنیا



از نواده «پیر» نوه حسن پیرنیا «مشیرالدوله» و فرزند اخترالملوک پیرنیا «قراگزلو» و داود پیرنیا ادرسن هفتاد و پنج سالگی در تهران به آگاهی دوستداران می‌رساند. «آقا بیژن» پس از پایان تحصیلات در رشته حقوق به خدمت در بانک مرکزی پرداخت و در پی سی سال خدمت بازنشسته شده و در دهکده «یوش» و سپس در نوشهر در شمال ایران به پرورش گل می‌پرداخت. آقا بیژن نخستین گوینده برنامه کودک در جهان شناخته شده است. مراسم تدفین و خاکسپاری بیژن پیرنیا در بهشت زهرا به انجام رسید و در مقبره خانوادگی و در جوار پدر به خاک سپرده شد.

**خانواده پیرنیا**  
**دار یوش پیرنیا**

● کیهان در گذشت شادروان بیژن پیرنیا را به همه بازماندگان به ویژه آقای دار یوش پیرنیا و خانم منصوره پیرنیا صمیمانه تسلیت می‌گوید.

## کیهان منتشر کرد: سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



## کشته ندادیم که سازش کنیم!

نکرده‌اند. هر چند مهمترین علت چنین سکوتی هراس و فشار و تهدید مقامات امنیتی است اما مروری چون تلمیح خانواده‌ها از سوی مقامات نیز در مواردی کارساز است. در این میان اما خانواده‌هایی چون خانواده پویا بختیاری، نوید بهبودی و مادر ابراهیم کتابدار که سکوت نکرده و به خونخواهی فرزند خود برخاسته‌اند زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی قرار گرفته‌اند.

خانواده پویا بختیاری به صورت فامیلی با بازداشت ۱۱ تن از اعضای خانواده روبرو شدند چرا که قصد داشتند مراسم چهلم پویا را برخلاف فشارهای نیروهای امنیتی برگزار کنند. هر چند پس از دو روز برخی از اعضای خانواده آزاد شدند اما همچنان پدر، مادر، خواهر و دو عموی پویا بختیاری در بازداشت نیروهای وزارت اطلاعات بسر می‌برند.

همچنین مادر ابراهیم کتابدار و پدر نوید بهبودی از جمله والدینی هستند که زیر فشار نیروهای امنیتی به سکوت واداشته می‌شوند. مادر ابراهیم کتابدار دو روز توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد و پدر نوید بهبودی که با فشار نیروهای امنیتی مراسم چهلم فرزندش را برگزار کرد، با پرونده‌سازی وزارت اطلاعات روبرو و به دادسرا احضار شده است.

اینهمه در حالیست که دستگیری معترضان آبان همچنان ادامه دارد. طی روزهای گذشته ده‌ها تن بازداشت شدند که از جمله می‌توان به امیر قاجانی دکتر روانشناس و مشاور خانواده در تهران، حوریه فرج زاده فعال مدنی و خواهر شهرام فرج‌زاده از جانب‌اختگان اعتراضات سال ۸۸ در کرج، ناصر همتی نویسنده و روانشناس در اصفهان، ماهرخ روستا، فراز روشن، کاوه مظفری، جلوه جواهری، فروغ سمیع‌نیا، احمد زاهدی سلمانی و هومان تحریری فعالان مدنی در مراسم چهلم نوید بهبودی اشاره کرد.

همه این فشارها و سرکوب‌های سریالی در حالی فضای کشور را امنیتی و نظامی کرده است که جمهوری اسلامی نتوانسته به هدف خود یعنی خاموشی اعتراضات دست یابد. نبض اعتراضات سراسری مردم ایران می‌تپد و به گفته بسیاری از تحلیلگران جامعه ایران همچنان ملتهب است تا دوباره اعتراضات خود را از سر بگیرد.

رئیس پلیس تهران به وضوح به «۱۶۵ نقطه» سرکوب مردم تنها در شهر تهران



اشاره دارد و بر اساس نتایج نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) ۷۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، اعتراضات آبان را بحق دانسته و ۵۴ درصد مردم تهران بر این باورند که اعتراضات تمام نشده و در آینده ادامه خواهد یافت. از همه مهمتر اینکه در پس تلاش‌های مردم و خانواده‌های جانب‌اختگان، مردم در آرامستان «بهشت سکینه» و بر مزار پویا بختیاری پیام روشن خود را به نظام چنین اعلام کردند: «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم!» همه اینها نشان می‌دهد رویارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی از آبان ماه گذشته وارد مرحله جدیدی شده و بر خلاف کوشش نظام برای عادی و آرام نشان دادن وضعیت جامعه، روزهای سرنوشت‌سازی در انتظار ایران و ایرانیان و نظام جمهوری اسلامی است. **روشنگ آسترکی**

در ایران اما اخیراً یک نماینده مجلس شورای اسلامی گفته است شورای عالی امنیت ملی تعداد کشته‌شدگان در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ را ۱۷۰ نفر اعلام کرده است.

آمار ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی حدود یک درصد رقم ارائه شده از سوی خبرگزاری رویترز است. این‌همه قابل استنادترین گزارش از شمار قربانیان این اعتراضات، گزارش سازمان عفو بین‌الملل است که پس از تحقیقات و اطمینان از اطلاعات کشته‌شدگان آنها را در فهرست آماري خود قرار داده است؛ اما باز هم آمار ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی کمتر

از نصف آمار این سازمان معتبر است. امتناع از ارائه آمار واقعی کشته‌شدگان، زخمی‌شدگان و بازداشت‌شدگان از سوی نظام نشان از آمار بالای کشته‌شدگان و تلاش هماهنگ برای پنهانکاری میزان و حجم سرکوب مردم از سوی نیروهای امنیتی و نظامی دارد. به ویژه آنکه این سرکوب در بیشتر موارد با خشن‌ترین شکل ممکن یعنی شلیک مستقیم به سر و قلب مردم صورت گرفته است. قابل توجه آنکه عدم علاقه به اعلام رسمی آمار کشته‌شدگان به دست نیروهای حکومتی و پاسکاری آن آنقدر واضح است که دولت گفته دادستانی موظف

است این آمار را اعلام کند ولی سخنگوی قوه قضاییه هفته گذشته اعلام کرد که دادستانی مسئول این کار نیست و شورای عالی امنیت ملی باید این آمار را اعلام نماید!

در اعتراضات سراسری آبان چند شهروند نیز ۱۸ سال نیز جان باختند. کشته شدن دانش‌آموزان نیز پنهان کاری مقامات نظام روبرو شده است. وزیر آموزش و پرورش درباره کشته‌شدن دانش‌آموزان در اعتراضات گفته است که «گزارش مستند و دقیقی درباره کشته‌شدگان نداریم».

این در حالیست که پی بردن به آمار دانش‌آموزان کشته‌شده شاید از دیگر افرادی که در این اعتراضات جان باختند ساده‌تر و اتفاقاً از سوی وزارت آموزش و پرورش با گرفتن گزارشی از مدارس شهرهای مختلف کاملاً عملی است. آمار تعداد بازداشت‌شدگان نیز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و آمارهای مختلفی از ۷۰۰۰ تا بیش از ۱۰۰۰۰ زندانی زخمین زده می‌شود.

همچنین از تعداد زخمی‌های این اعتراضات نیز اطلاعاتی در دست نیست. این در حالیست که فعالان

پیامدهای اعتراضات سراسری آبان‌ماه در ایران همچنان علیه معترضان ادامه دارد و مقامات جمهوری اسلامی رفتاری پریشان در مواجهه با آنچه دارند که در فاصله بین روزهای ۲۴ تا ۲۹ آذر ۱۳۹۸ در بیش از ۱۰۰ شهر ایران رخ داد.

اعتراضات آبان که جرقه آن با گرانی بنزین زده شد و در نهایت طی ۲۴ ساعت مردم در شهرها و بخش‌های ۲۸ استان ایران به آن پیوستند، بزرگترین اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته را رقم زد.

این اعتراضات پس از کمتر از دو سال از اعتراضات دی‌ماه و پس از هزاران اعتراض، تجمع و تحصن کوچک بزرگ اصناف و گروه‌های مختلف در حالی رخ داد که جمهوری اسلامی در شکننده‌ترین مقطع عمر خود از نظر سیاسی و اقتصادی بسر می‌برد.

در چنین شرایطی زنگ خطری جدی برای نظام که شاهد شدیدترین شعارها علیه خود و پیام روشن «نخواستن نظام» از سوی مردم است به صدا درآمد.

### سرکوب مردم با ادوات نظامی و جنگی

مقابله با اعتراضات مردم که شامگاه ۲۴ آبان در شهرهای تهران، مشهد، اهواز، سیرجان و شیراز آغاز شد و شعارهایی با محتوای اقتصادی و ناکارآمدی حکومت را در بر داشت با گذشت فقط چند ساعت به بیشتر استان‌های ایران کشیده شد. خشونت مأموران امنیتی و ضدشورش علیه مردم در برخی شهرها چون کرج و تبریز از نخستین ساعات اعتراض آغاز شد.

این خشونت اما از بعد از ظهر روز شنبه ۲۵ آبان بطور سازمانیافته در شهرهای مختلف علیه مردمی آغاز شد که زیر بار چند سال فشار اقتصادی کمر خم کرده و جان‌شان به لب رسیده است. مأموران یگان ویژه و نیروهای امنیتی و حتی لباس شخصی‌ها به اسم بسیج وارد میدان شدند و نه با باتوم و گاز اشک‌آور بلکه با شلیک مستقیم گلوله به سر و سینه‌ی مردم دست به کشتار زدند.

این سرکوب طی روزهای یکشنبه و دوشنبه نیز ادامه پیدا کرد اما چون همزمان با آغاز سرکوب با استفاده از اسلحه و رگبار، اینترنت ایران به صورت سراسری قطع شد، انتشار خبر قتل عام دچار وقفه‌ای چند روزه شد.

حکومت در آبان ۱۳۹۸ با قطع اینترنت و خاموش کردن صدای مردم، کشتاری

## تشدید یک جنگ اعلام نشده؟

- **جمهوری اسلامی با حمله به منافع آمریکایی خواست مانع کاهش نفوذ خود در عراق شود.**
- **حالا با کشته شدن قاسم سلیمانی، جمهوری اسلامی مهره اصلی سیاست‌های ماجراجویانه خود در خاورمیانه را از دست داده است.**
- **واکنش جمهوری اسلامی به از دست دادن مهره اصلی‌اش در منطقه چه خواهد بود؟ جنگ یا عقب‌نشینی؟ آیا سلیمانی قربانی حل بحران نظام و آمریکا شد؟!**

ارتباط می‌تواند نوعی تنش‌زدایی به حساب آید و مورد استقبال غرب و متحدین‌اش در منطقه قرار گیرد. از جانب دیگر مشکل به نظر می‌آید که اسماعیل قاننی، جانشین قاسم سلیمانی، بتواند در کوتاه‌مدت به وضعیت سردرگم کنونی سر و سامان ببخشد. شبکه ارتباطی که قاسم سلیمانی توانسته بود در کشورهای منطقه ایجاد کند تنها سازمانی نبودند و در بسیاری موارد مبتنی بر روابط شخصی فرمانده سپاه قدس با فرماندهان حتماً میانی گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی بود. روابطی که اسماعیل قاننی نخواهد توانست در کوتاه مدت احیا کند. البته جانشین قاسم سلیمانی از «کاریزما»ی او نیز برخوردار نیست و این مسئله را نمی‌توان از نظر دور داشت.

### قاسم سلیمانی را قربانی کردند؟

مسئله دیگری که در این ساعات توجه نیروهای امنیتی و سازمان‌های اطلاعاتی غرب و منطقه را به خود جلب کرده است، لو رفتن اطلاعات سفر قاسم سلیمانی به بغداد است. چه کسانی جزئیات ورود فرمانده سپاه قدس به بغداد را در اختیار نیروهای اطلاعاتی آمریکا قرار دادند؟ آیا این منابع ایرانی بودند یا از درون حشدالشعبی به بیرون درز کرده؟ در هر صورت، چه ایرانی و چه عراقی، نشان از ریزش و «نفوذ» دارد. در یک سال گذشته چند ده نفر از مأمورین امنیتی سپاه و وزارت اطلاعات به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل بازداشت شده‌اند. البته برخی معتقدند که برخی از جناح‌های درون حکومت قاسم سلیمانی را مانعی جدی برای خروج از وضعیت بحرانی کنونی می‌دانستند و در همین راستا ممکن است وی را برای نجات نظام و خروج از موقعیت سخت کنونی قربانی کرده باشند.

کشته شدن قاسم سلیمانی در هر صورت تحولی در منطقه و در روابط جمهوری اسلامی با آمریکا ایجاد خواهد کرد. جنگ اعلام نشده بین

را به نوعی به «دلبستگی مقاومت» واگذار می‌کند. حسام‌الدین آشنا از جمله مشاورین حسن روحانی، آمریکا را متهم به «زیر پا گذاشتن خط قرمز» می‌کند بدون اینکه از عواقب آن چیزی بگوید. محمدجواد ظریف نیز در توییت خود می‌نویسد که «آمریکا مسئول تمامی عواقب این ماجراجویی رذیله‌انگیز است.» او نیز اشاره‌ای به این «عواقب» نمی‌کند. جالب این است که در بیانیه رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز صحبتی از اقدامات تلافی‌جویانه و انتقام‌گیری نمی‌شود، بلکه آمده است که این حمله «بر خلاف نیت و غایت» به باز شدن جبهه‌های جدیدی علیه آمریکا و اسرائیل در منطقه و جهان خواهد انجامید.

بسیاری معتقدند که جمهوری اسلامی در موقعیت کنونی نمی‌خواهد بطور رسمی وارد جنگی حتماً نیابتی با آمریکا بشود، بلکه هرگونه واکنش به کشته شدن قاسم سلیمانی را می‌خواهد به «محور مقاومت» و احتمالاً گروه‌های تروریستی واگذار کند و آنها «جبهه‌های جدید» را علیه آمریکا و اسرائیل بگشایند. جمهوری اسلامی در این روزها در چند جبهه داخلی و خارجی درگیر است و قادر به گشودن جبهه دیگری نیست، به ویژه اگر گشودن چنین جبهه جدیدی محتاج به تمرکز در خارج از مرزها باشد. خیزش آبان و نارضایی در داخل کشور به حدی افزایش یافته و همچنان رو به افزایش است، که توان رهبرش جعفر جمال ابراهیمی ملقب

به ابومهدی المهندس نیز همراه قاسم سلیمانی کشته شد، در حقیقت شاخه عراقی سپاه قدس بود. ابومهدی المهندس قبل از تاسیس «کتاب حزب‌الله» در سال ۲۰۰۷ میلادی، به عنوان مشاور سپاه قدس با قاسم سلیمانی همکاری داشت. دوستی قاسم سلیمانی با فرمانده «کتاب حزب‌الله» به زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق باز می‌گردد. شبه‌نظامیان عراقی به مبارزان



تهران و واشنگتن می‌تواند به درگیری علنی منتهی شود، اما در عین حال ممکن است شبح دائمی این جنگ را دور کرده و علی‌خامنه‌ای را وادار به نوشیدن نه جام بلکه خمرهای از زهر کند. در این صورت می‌توان از موفقیت استراتژی فشارهای حد‌کنتری دونالد ترامپ صحبت کرد که بدون جنگی مستقیم و فراگیر توانست جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کند. از دست رفتن «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی که با خیزش مردم عراق و لبنان به شدت کاهش یافت و حالا با کشته شدن قاسم سلیمانی کامل در حال نابودیست، به بحران درونی نظام نیز دامن خواهد زد و ریزش لایه‌هایی از حکومت را تسهیل خواهد کرد.

سال ۲۰۲۰ میلادی که تازه چند روز پیش آغاز شد، می‌تواند آستانه تحولات مثبتی برای ایران و منطقه باشد.

**احمد رأفت**

**نیمه ی پر لیوان**  
برخی از تحلیلگران غربی کشته شدن قاسم سلیمانی را نیمه‌ی پر لیوان می‌دانند. این تحلیلگران معتقدند که از دست دادن طراح اصلی سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند جمهوری اسلامی را حتماً وادار به عقب‌نشینی کند و راه را برای گشودن باب مذاکره با آمریکا بگشاید. پیام‌هایی که جمعه گذشته بین دو دولت با وساطت سفارت سوئیس در تهران، که حافظ منافع آمریکا در جمهوری اسلامی است، رد و بدل شدند می‌تواند در همین رابطه باشند، اگرچه هنوز اطلاعی از محتوای آنها در دست نیست. نباید فراموش کرد که سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، فعالیت‌های نیروی قدس و دخالت‌ها در کشورهای همسایه که قاسم سلیمانی طراح و مجری آن بود، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های آمریکا، کشورهای اروپایی و همسایگان ایران بوده و هست. هرگونه تغییری در این

پایگاه‌هایشان توسط آمریکا که در واقع پاسخی به حملات ایدایی آنها بود، با حمله به ساختمان سفارت آمریکا در منطقه سبز بغداد واکنش نشان دادند. حمله‌ای که چون قطره‌آبی لیوان صبر دونالد ترامپ را لبریز کرد و به قیمت جان فرمانده سپاه قدس و تنی چند از فرماندهان این سپاه و شبه‌نظامیان عراقی تمام شد.

### تهدید نیم‌بند به انتقام

اگر از بیانیه‌های رسمی و ابراز نظرهای لحظه‌ای مقامات دولتی و سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی بگذریم، پرسشی که در ساعات پس از کشته شدن سلیمانی در بسیاری از پایتخت‌های دنیا مطرح شد، ابعاد و ماهیت واکنش جمهوری اسلامی به از دست دادن مهره اصلی خود در خاورمیانه است. علی‌خامنه‌ای در پیامی به مناسبت کشته شدن قاسم سلیمانی صحبت از «انتقام سخت» کرد. در همین پیام ولی این انتقام

## حمله هوایی سنگین آمریکا به پایگاه‌های حزب‌الله در عراق و سوریه



حمله به مواضع حزب‌الله عراق یک روز بعد از سفر ناگهانی مایک پمپئو به عراق صورت گرفت

● وزارت دفاع آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد این حمله به تلافی حملات اخیر «کتاب حزب‌الله» به پایگاه‌هایی بود که نیروهای ائتلاف در آن مستقر بودند.

● تازه‌ترین خبرها حاکی از آن است که این حملات ۱۹ کشته و ۳۵ زخمی بر جای گذاشته که گفته می‌شود در میان کشته شدگان ۳ فرمانده ایرانی هستند.

● آمریکا پایگاه خود در اردن و عراق را به حالت آماده‌باش در آورده و سفارت ایالات متحده در بغداد تخلیه شده است.

● بابک تقوایی تحلیلگر نظامی به کیهان لندن می‌گوید محاسبات جمهوری اسلامی درباره اینکه آمریکا قصد پاسخگویی به حملات نیروهای وابسته به آن را ندارد اشتباه از آب درآمد.

● ابومهدی مهندس فرمانده حشد الشعبی گفته «پاسخ به حمله آمریکا به مواضع کتاب حزب‌الله بسیار شدید خواهد بود».

پهپادهای آمریکایی، یکشنبه ۲۹ دسامبر (۸ دی‌ماه)، محل استقرار تیپ ۴۵ و ۴۶ حشدالشعبی (گردان‌های حزب‌الله) در غرب استان الانبار در مرز عراق با سوریه را بمباران کردند.

وزارت دفاع آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد این حمله به تلافی حملات اخیر «کتاب حزب‌الله» به پایگاه‌هایی بود که نیروهای ائتلاف در آن مستقر بودند. جاناتان هافمن معاون وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد ۵ موضع «کتاب حزب‌الله» در عراق و سوریه هدف حملات دقیق پدافندی قرار گرفتند. او گفته این حملات «توانایی گروه کتاب حزب‌الله برای حمله به نیروهای ائتلاف در آینده را کاهش می‌دهد».

از مجموع پنج موضع «کتاب حزب‌الله» که هدف قرار گرفته‌اند سه موضع در عراق و دو موضع نیز در سوریه هستند.

شبه‌نظامیان «کتاب حزب‌الله» از شاخه‌های حشدالشعبی توسط سپاه قدس پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌شوند.

ابومهدی مهندس فرمانده

حشدالشعبی تهدید کرده «پاسخ به حمله آمریکا به مواضع کتاب حزب‌الله بسیار شدید خواهد بود».

محاسبات جمهوری اسلامی اشتباه از آب درآمد

بابک تقوایی تحلیلگر نظامی به کیهان لندن می‌گوید «در چند ماه اخیر، بنا بر تصمیم مقامات جمهوری اسلامی به پیشنهاد فرماندهان سپاه قدس، نیروهای نیابتی رژیم اقدام به انجام حملات ایذایی علیه اهداف متعلق به نیروهای ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در عراق کردند. سپاه قدس با دانستن اینکه دولت آمریکا تحت فرمان ترامپ قادر به اعزام نیروی بیشتر به خاورمیانه نیست و قصد پاسخگویی به این حملات را ندارد این اقدامات را تشدید کرد، حتی پس از اولتیماتومی که وزیر خارجه آمریکا پس از حمله راکتی به پایگاه کی-۱ در کرکوک داد. اما محاسبات جمهوری اسلامی درست نبود و این ماجراجویی‌ها با واکنش سنگین از سوی آمریکا روبرو شد».

تقوایی در ادامه به کیهان لندن می‌گوید: «پیام این حمله آن است که آمریکا آماده است حملاتی جهت مقابله به مثل راکت‌پرانی‌های حشدالشعبی انجام دهد با آسیب‌هایی چند برابر بیش از آنچه به کتاب حزب‌الله وارد شد. هدف از این اقدام افزایش هزینه حملات ایذایی تیپ ۴۵ ضد نیروهای آمریکایی هست تا آنها را از تکرار این حملات منصرف کند و یا حداقل شدت‌شان را کاهش دهد. با این حال احتمالاً چنانچه کتاب حزب‌الله حملات راکتی‌اش را ادامه دهد، با نابودی زیرساخت‌ها، ساختمان‌های فرماندهی و کنترل و منابع تسلیحاتی‌اش در سرتاسر عراق مواجه خواهد شد».

در واکنش به این حمله وزیر خارجه اسرائیل گفت «این یک نقطه عطف در برخورد منطقه‌ای با رژیم جمهوری

حمله تازه‌ترین خبرها حاکی از آن است که این حملات ۱۹ کشته و ۳۵ زخمی بر جای گذاشته که گفته می‌شود در میان کشته شدگان ۳ فرمانده ایرانی هستند

آمریکا یک پایگاه هوایی در اردن را به حالت آماده‌باش کامل در آورده است.

## پمپئو: ایرانی‌ها حق دارند برای معترضینی که به دست خامنه‌ای کشته شده‌اند عزاداری کنند



مایک پمپئو

وزیر خارجه آمریکا گفته است: حق مردم ایران است که برای ۱۵۰۰ نفر معترضین مخالف رژیم جمهوری اسلامی که به فرمان علی خامنه‌ای به قتل رسیده‌اند عزاداری کنند.

چند روز پس از کشتار اعتراض‌کنندگان که با اعلام گرانی قیمت بنزین شروع شد و به سرعت به تظاهرات علیه کل نظام و شرایط موجود در ایران تبدیل گشت، برایان هوک مسئول امور ایران در دولت ترامپ گفت: گزارش‌های مستند به ما رسیده که هزار نفر در جریان اعتراضات اخیر در ایران به دست نیروهای انتظامی و امنیتی کشته شده‌اند.

تازه چند روز بعد بود که خبرگزاری رویترز از قول برخی منابع مطلع درون حکومت و نزدیک به خامنه‌ای گزارش داد، در جریان طغیان مردم علیه رژیم ولایت فقیه ۱۵۰۰ نفر جان باخته‌اند. رویترز تأکید کرد که به گفته‌ی این منابع دستور این قتل عام از طرف خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صادر شده است.

مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا اضافه کرد که رژیم جمهوری اسلامی از مردم ایران می‌ترسد. بطوری که در شروع اعتراضات به اعمال خشونت و

قطع اینترنت روی آورد. رژیم جمهوری اسلامی روز پنجشنبه این هفته تعدادی از شرکت‌کنندگان در مراسم چهلم پویا بختیاری را که با شلیک گلوله به سرش کشته شد، در «بهشت سبینه» کرج بازداشت کرده است. همزمان دستگیری‌های دیگری هم در برخی شهرهای ایران صورت گرفته است.

از سوی دیگر روز شنبه روابط عمومی زندان اوین نسبت به خبر برخی رسانه‌ها در مورد ضرب و جرح نرگس محمدی توسط رئیس زندان اوین در اطلاعیه‌ای توضیح داد که خبر کتک خوردن نرگس محمدی از غلامرضا ضیایی رئیس زندان اوین هنگام انتقال به زندان زنجان، درست نیست و نرگس محمدی به دلیل اینکه اهل زنجان است به زندان آن شهر منتقل شد.

نرگس محمدی وکیل دادگستری که به ده سال زندان محکوم شده است، به همراه هفت زندانی دیگر اخیراً در بند زنان اوین در حمایت از خانواده قربانیان اتفاقات اخیر تحصن کردند.

به گزارش منابع حقوق بشری، غلامرضا ضیایی رئیس زندان اوین روز سوم دی ماه به دروغ به نرگس گفت که قرار است امروز با وکیل خود ملاقات داشته

نماینده پارلمان سوئد در گفتگو با نازنین انصاری:

## پارلمان اروپا می‌بایست درباره اعتراضات ایران به تحقیق بپردازد



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

که نخست در کیهان لایف (کیهان) و اکنون برگردان آن به فارسی در لندن به زبان انگلیسی) منتشر شد. اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

پس از تظاهرات آبان ۹۸ در ایران که به شدت سرکوب شد، چارلی ویمرز نماینده پارلمان سوئد و حزب وی به همراه گروه «محافظه‌کاران و فرمیست‌های اروپا» در پارلمان اروپا طرح قطعنامه‌ای را تنظیم کردند که در آن از اتحادیه اروپا خواسته شده تا تحقیقات مستقل درباره اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ انجام دهد.

چارلی ویمرز از معبود سیاستمداران اروپایی است که نسبت به واکنش‌های اتحادیه اروپا درباره اقدامات جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج و کشور از جمله در قبال اعتراضات آبان‌ماه بسیار انتقاد کرده است.

نازنین انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و مدیرمسئول کیهان لندن چندی پیش گفتگویی با چارلی ویمرز داشت

وزیر خارجه اسرائیل با اشاره به بیانیه وزارت دفاع آمریکا در مورد حمله به مواضع کتاب حزب‌الله در عراق و سوریه گفت: این یک نقطه عطف در برخورد منطقه‌ای با رژیم ج.ا.ا در درک نیابتی آن است. اگر رژیم ج.ا.ا در درک قدرت آمریکا دچار اشتباه شود، ضربه هولناکی خواهد خورد.

بر اساس آخرین گزارش‌ها انبار تسلیحاتی حزب‌الله عراق در شهر القائم نیز منهدم شده است. گفته می‌شود جواد تلیب‌بوی سخنگوی عصاب جزو کشته شدگان است.

پارلمان عراق فردا حمله آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد. سید عمار الحکیم از روحانیون تحت نفوذ جمهوری اسلامی گفته «این حمله نقض آشکار و فاحش حاکمیت عراق و نقض توافقات امنیتی دوجانبه است. این حمله را شدیداً محکوم می‌کنیم و واکنش قاطع دولت را خواستاریم.»

برخی منابع عراقی از برخورد ۴ راکت کاتیوشا به پایگاه «التاجی» در شمال بغداد خبر داده‌اند. این پایگاه محل استقرار شماری از نیروهای نظامی آمریکاست. شبکه الحدث از تخلیه کارکنان سفارت آمریکا در بغداد و تشدید تدابیر امنیتی در مراکز دیپلماتیک این کشور در عراق خبر داده است. خبرگزاری آناتولی ترکیه در نخستین گزارش‌ها نوشت در این حملات دست‌کم ۴ نفر کشته و ۴۰ نفر زخمی شده‌اند.

اما تازه‌ترین خبرها حاکی از آن است که این حملات ۱۹ کشته و ۳۵ زخمی بر جای گذاشته که گفته می‌شود در میان کشته شدگان ۳ فرمانده ایرانی هستند

آمریکا یک پایگاه هوایی در اردن را به حالت آماده‌باش کامل در آورده است.

● محمدجواد ظریف: وزیر خارجه روسیه با لاوروف گفتگوی پربراری داشتیم، پیشنهادهای مهمی برای صلح در خلیج فارس ارائه کرده‌اند.

● سرگئی لاوروف: اگر آمریکا و اتحادیه اروپا به توافق بر سر برجام نبرگردند این توافق را باید نابودشده در نظر گرفت.

● مصطفی کواکبیان: در رابطه با FATF کشورهای دوست مانند روسیه، چین حتی ترکیه و عراق هم هشدار داده‌اند که اگر تصویب نشود و نپذیرید، بر می‌خوریم و نمی‌توانیم روابط بانکی داشته باشیم.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۳۰ دسامبر (۹ دی)، با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در مسکو دیدار کرد.

او در توییتی نوشت، «در روسیه با سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه این کشور گفتگوی پربراری داشتیم. برخلاف دیگران که هزاران مایل دورتر از سواحل خود به جنگ‌افروزی دست می‌زنند، ایران و روسیه برای صلح در سوریه با یکدیگر همکاری کرده‌اند و اکنون پیشنهادهای مهمی برای صلح در خلیج فارس ارائه کرده‌اند. مقصد بعدی: چین»

ظریف طبق عادت با لاپوشانی واقعیت‌ها در کنار خنده‌های همیشگی به کلیاتی اشاره کرد که گویا اوضاع خیلی آرام است و او به عنوان وزیر خارجه، کنترل همه چیز را در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی به دست دارد و نظام دارای ابزاری است که می‌تواند در زمین دیپلماسی به خوبی بازی کند و روی معادلات تأثیر هم بگذارد. اما روس‌ها به ظریف هشدار داده‌اند که توافق اتمی در خطر نابودی قرار دارد.

روزنامه تایمز اسرائیل نوشته لاوروف بعد از دیدار با ظریف گفته اگر آمریکا و اتحادیه اروپا به برجام نبرگردند این توافق را باید نابود شده در نظر گرفت. وزیر خارجه روسیه می‌گوید به دلیل خط مشی مخزبی که آمریکا در پیش گرفته برجام که یک دستاورد مهم بین‌المللی است در حال نابودی است.

لاوروف می‌افزاید بعضی همکاران در اتحادیه اروپا نیز بر سر وعده‌هایی که به ایران داده‌اند بطور کامل نمانده‌اند.

با توجه به اظهارات وزیر خارجه روسیه، می‌توان گفت آنچه ظریف درباره ملاقاتش با لاوروف نوشت احتمالاً برای منحرف کردن افکار

## هشدار لاوروف به ظریف: بدون همکاری آمریکا و اروپا توافق اتمی در خطر نابودی قرار دارد



نشست ظریف و لاوروف در مسکو ۳۰ دسامبر

شواهد نشان می‌دهد که سیاست‌های چین و روسیه در قبال رژیم ایران به سرعت رو به تغییر است. در ماه‌های اخیر چینی‌ها فعالیت خود در پروژه‌های نفت و گاز ایران را متوقف کردند و روس‌ها همکاری‌های اتمی خود با جمهوری مصطفی کواکبیان نماینده مجلس عضو کمیسیون امنیت ملی، ۸ دی‌ماه، گفت «در رابطه با FATF کشورهای دوست مانند روسیه، چین حتی ترکیه و عراق هم هشدار داده‌اند که اگر تصویب نشود و نپذیرید، در رابطه با شما به مشکل بر می‌خوریم و نمی‌توانیم روابط بانکی داشته باشیم.» پیش از این نیز شهاب‌الدین بی‌مقدار نماینده مجلس عضو «فراکسیون امید» خبر داد که وزارت خارجه روسیه در نامه‌ای به وزارت خارجه اعلام کرده بدون پیوستن به FATF دیگر نمی‌تواند با ما همکاری کند و قطعاً صادرات و واردات ما با مشکل مواجه می‌شود.

عمومی از واقعیت است زیرا او در مورد هشدار مهم روس‌ها درباره نابودی برجام چیزی نگفته و سکوت کرده و به مسئله فرعی یعنی همکاری ایران و روسیه در سوریه پرداخته است. پیام آنچه لاوروف به ظریف گفت را می‌توان اینطور برداشت کرد که اروپا و آمریکا برای حفظ برجام روی روسیه هیچ حسابی نمی‌تواند باز کند. در این میان، جمهوری اسلامی تلاش کرد با برگزاری رزمایش مشترک با چین و روسیه نشان بدهد که منزوی نیست اما هشدار لاوروف به ظریف بیانگر این است که یک رزمایش سطح پایین نمی‌تواند برای رژیم‌ها که تا گلو در بحران داخلی و خارجی فرورفته نجات‌بخش باشد. آنهم در شرایطی که کمتر از ۲۴ ساعت پس از پایان آن رزمایش با وجود انواع و اقسام تهدیدات و شایخه و شانه کشیدن‌های تبلیغاتی برای آمریکا یکی از بزرگترین تیپ‌های حشدالشعبی مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق پس از حمله جنگنده‌های آمریکایی با خاک یکسان شد و نزدیک ۱۰۰ نفر کشته و زخمی بر جای گذاشت. منابع عربی می‌گویند در این حمله دست‌کم ۴۱ شبه‌نظامی ایرانی کشته شدند.

### دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160  
www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road  
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

## کواکبیا: گفتند ۱۷۰ نفر در آبان ماه کشته شده‌اند؛ نظرسنجی ایسپا: اکثریت مردم تهران معتقدند بنزین دغدغه مردم نیست و اعتراضات تمام نشده!



طبق جدیدترین آمار سازمان‌های حقوق بشری تعداد کشته‌شدگان در اعتراضات آبان‌ماه در ایران طی سه الی چهار روز دست‌کم ۳۰۴ نفر بوده است

● ایسپا گزارش کرده که میزان رضایت ساکنان تهران از وضعیت کشور از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۱۵ درصد در سال جاری کاهش یافته است.

● ۶۰ درصد شهروندان شرکت‌کننده در این نظرسنجی، «شبکه‌های اجتماعی»، «ماهواره»، «مطبوعات»، «دوستان و آشنایان» خود را اولویت‌های کسب اخبار خود اعلام کرده‌اند. علاوه بر این، بیش از ۹۰ درصد آنها، می‌گویند: «به سایر شیوه‌های خبرگیری بجز صداوسیما جمهوری اسلامی دسترسی دارند.»

● ۵۴ درصد مردم تهران بر این باورند که اعتراضات تمام نشده و در آینده ادامه خواهد یافت و ۲۹ درصد دیگر می‌گویند اعتراضات به پایان رسیده! در این نظرسنجی معلوم نیست ۱۷ درصد باقیمانده در این باره چه نظری دارند!

به ما گفتند ۱۷۰ نفر ولی باید این آمار رسمی اعلام شود. روز گذشته، حسین رحیمی رئیس پلیس تهران گفته بود که فقط در تهران نیروهای انتظامی در «۱۶۵ نقطه» به سرکوب و کشتار مردم دست‌زده‌اند. او با استفاده از زبان و روش مرسوم مقامات نظام برای مخدوش کردن واقعیات، مجروحان را به دو دسته «مردم عادی» و «اعتشاشگران» تقسیم کرده و گفت که تعداد زیادی از مردم مجروح شده‌اند.

این در حالیست که سازمان عفو بین‌الملل در آخرین گزارش مستند خود از کشته‌شدگان اعتراضات سراسری آبان‌ماه اعلام کرد که ۳۰۴ تن توسط نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت ایران کشته شده‌اند. همچنین خبرگزاری رویترز اوایل دی‌ماه سال جاری تعداد کشته‌شدگان را به نقل از منابع درون حکومت و نزدیک به علی خامنه‌ای تا ۱۵۰۰ تن اعلام کرد که با تکذیب و واکنش منفی مقامات جمهوری اسلامی مواجه شد و آن را آمار «بی‌ارزش» خواندند. هم‌زمان با تلاش حکومت برای انکار کشتار آبان‌ماه، و تلعل در ارائه آمار کشته‌شدگان و یا اعلام ارقام دروغین و متناقض، روز گذشته با انتشار اولین نتایج نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در داخل

دانشجویان تهران از شهروندان تهران درباره اعتراضات آبان‌ماه، صورت گرفته، معلوم شد که بر اساس این نظرسنجی حکومتی نیز ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان در پایتخت، مردم را در اعتراضات آبان‌ماه «محق» می‌دانند. همچنین، ۵۴ درصد

مصطفی کواکبیا نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید شورای عالی امنیت ملی تعداد کشته‌شدگان در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ را ۱۷۰ نفر اعلام کرده است. این درحالیست که در آخرین گزارش سازمان عفو بین‌الملل تعداد کشته‌شدگان ۳۰۴ تن اعلام شد. در حالی که مقامات مسئول جمهوری اسلامی از جمله حسین رحیمی رئیس پلیس تهران، مصدومیت حتی یک نفر در جریان اعتراضات سراسری آبان‌ماه را تکذیب می‌کنند، مصطفی کواکبیا نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که شورای امنیت ملی آمار کشته‌شدگان اعتراضات را ۱۷۰ تن اعلام کرده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اعلام آمار کشته‌شدگان توسط حکومت اظهار داشت: «قوه قضاییه می‌گوید شورای عالی امنیت ملی باید آمار کشته‌های آبان را بدهد. خب این آمار را بدهد، در کمیسیون امنیت ملی

تکذیب پیگرد دانش‌آموزان غایب در اعتراضات آبان توسط بسیج؛ وزیر آموزش و پرورش:

کار درستی نیست!

وزیر آموزش و پرورش: بازداشت برخی دانش‌آموزان در مدرسه؟! گزارشی در این باره نداریم، مراقبت می‌کنیم که این اتفاق نیفتد.

محسن حاجی میرزایی در جریان اعتراضات سراسری آبان‌ماه نیز، هرگونه بازداشت کشته‌شدن دانش‌آموزان را تکذیب کرد و استفاده از فضای مدارس به عنوان بازداشتگاه را نیازمند راستی آزمایی دانسته بود.

در حالی که منابع حقوق بشری از تجاوز و آزار و اذیت جنسی دست‌کم سه دانش‌آموز در بازداشتگاه‌ها خبر می‌دهند، وزیر آموزش و پرورش وضعیت دانش‌آموزان و آموزگاران بازداشت‌شده را «حل» شده اعلام کرد و شناسایی و

بازداشت دانش‌آموزان شرکت‌کننده در اعتراضات سراسری آبان‌ماه در مدارس، گفته است: «گزارشی در این باره نداریم و قطعاً کار درستی نیست. هیچکسی اجازه ندارد به این دلایل وارد محیط آموزشی شود. قطعاً مراقبت می‌کنیم که این اتفاق نیفتد.»

این در حالیست که کانال تلگرامی معلمان عدالتخواه ۲۵ آذرماه در گزارشی بنا بر اطلاع منابع آگاه نوشت که اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «به کمک بسیج دانش‌آموزی»

مردم تهران بر این باورند که اعتراضات تمام نشده و در آینده ادامه خواهد یافت و ۲۹ درصد دیگر می‌گویند اعتراضات به پایان رسیده! در این نظرسنجی ۱۷ درصد باقیمانده معلوم نیست در این باره چه نظری دارند! بر اساس نظرسنجی ایسپا، ۷۱ درصد مردم تهران عملکرد صداوسیما جمهوری اسلامی در پوشش «بی‌طرفانه»ی اعتراضات سراسری آبان‌ماه را «به میزان کم و خیلی کم» توصیف کرده‌اند. ۶۰ درصد شهروندان شرکت‌کننده در این نظرسنجی، «شبکه‌های اجتماعی»، «ماهواره»، «مطبوعات»، «دوستان و آشنایان» خود را اولویت‌های کسب اخبار خود اعلام کرده‌اند. علاوه بر این، بیش از ۹۰ درصد آنها، می‌گویند: «به سایر شیوه‌های خبرگیری بجز صداوسیما جمهوری اسلامی دسترسی دارند.»

این در حالیست که به تازگی صدا و سیما جمهوری اسلامی ادعا کرده بود که ۸۱ درصد مخاطب دارد!

در این میان، ۶ درصد از شهروندان تهران «گرانی بنزین» را نگرانی اصلی خود بیان کردند و «نزديک به ۸۵ درصد از آنها، که اکثریت را شکل می‌دهد، نگران مشکلات کلان اقتصادی، بیکاری و ناامیدی از آینده بودند.»

ایسپا گزارشی کرده که میزان رضایت مردم تهران از وضعیت کشور از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۱۵ درصد در سال جاری کاهش یافته است. اضافه بر این، فقط ۱۶ درصد از ساکنان تهران به آینده امید دارند و ۵۲ درصد از ناامیدی و بدتر شدن شرایط در آینده خبر داده‌اند.

و «با کمک آموزش و پرورش در حال تهیه فهرست دانش‌آموزانی است که در روزهای قیام در مدرسه نبودند.» معلمان عدالتخواه همچنین اسامی ۱۹ نفر از کودکان جانبخته در جریان اعتراضات آبان‌ماه را منتشر کردند که ۱۳ تا ۱۸ سال داشتند.

به نوشته‌ی معلمان عدالتخواه، از میان صدها بازداشتی، ده‌ها دانش‌آموز و کودک هنوز در بازداشت هستند و تعدادی از آنان به کانون اصلاح و تربیت تربیت کودکان منتقل شده‌اند. بیشتر در نیم آذرماه، کانون صنفی معلمان ایران در بیانیه‌ای نسبت به وضعیت دانش‌آموزان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات آبان‌ماه ابراز نگرانی کرده و نوشته بود که این دانش‌آموزان مورد «ضرب و شتم و هتاک و خشونت غیرقابل وصف» قرار گرفته‌اند و «وضعیت مشخصی ندارند و غم‌انگیزتر اخبار رسیده از دانش‌آموزان نوجوانی که کشته شده‌اند.»

محسن حاجی میرزایی در جریان اعتراضات سراسری آبان‌ماه نیز، هرگونه بازداشت و کشته‌شدن را تکذیب و استفاده از فضای مدارس به عنوان بازداشتگاه را نیازمند راستی‌آزمایی دانسته بود. سازمان عفو بین‌المللی ۲۵ آذرماه در گزارشی خود اعلام کرد که دست‌کم ۱۲ نوجوان در میان کشته‌شدگان بوده‌اند که شامل «محمد داستاخواه، ۱۵ ساله» است که «در مسیر بازگشت از مدرسه به خانه، در حالی که از کنار جمعیت معترض در شیراز رد می‌شد، بر اثر اصابت گلوله به قلباش کشته شد و علیرضا نوری، ۱۷ ساله، که در شهریار در استان تهران کشته شده است.»

## درخواست گروهی از ایرانیان مقیم آمریکا برای اخراج حسین موسویان؛ نیویورک پست: تدریس در پرینستون با دستان آلوده به خون



حسین موسویان عضو پیشین تیم مذاکرات اتمی ایران که در حال حاضر به عنوان پژوهشگر در دانشگاه پرینستون آمریکا فعالیت می‌کند از متهمان دست داشتن در «ترور میکونوس» است

مفیدیم نظرات خود را می‌نویسد و از منافع رژیم ایران دفاع می‌کند و به انتقاد از سیاست خارجی دولت ترامپ می‌پردازد با این حال با آسایش در آمریکا زندگی می‌کند.

نویسندگان با شرح سوابق موسویان از دادستان کل آمریکا پرسیده‌اند «آیا او متعلق به اینجاست؟» در ادامه‌ی گزارش نیویورک پست آمده، اکنون که دونالد ترامپ از توافق اتمی خارج شده «هیچ معنایی» ندارد که موسویان در خاک آمریکا بماند و به همین دلیل در این نامه از ویلیام بار درخواست شده که حضور این فرد در آمریکا مورد بررسی قرار گیرد.

در این نامه آمده «حضور موسویان در خاک آمریکا هیچ هدفی ندارد مگر پیشبرد ایدئولوژی و منافع دشمنان آمریکا و همچنین تفرقه‌افکنی و هراس‌افکنی در جامعه ایرانیان مقیم آمریکا. حضور موسویان در خاک آمریکا تنها برای تبلیغ ایدئولوژی و

● گروهی از ایرانیان مقیم آمریکا در نامه به دادستان کل این کشور نوشته‌اند حضور موسویان در خاک آمریکا تنها برای تبلیغ ایدئولوژی و منافع سرسخت‌ترین دشمن آمریکا و کاشتن بذر هراس و تفرقه‌افکنی در میان جامعه ایرانیان آمریکایی است.

● به گزارش کیهان لندن، رضا بهروز، پیتیر کهن‌لو، احمد باطبی و رویا حکاکیان از امضاکنندگان این نامه‌اند.

گروهی از ایرانیان ساکن آمریکا در نامه‌ای به ویلیام بار دادستان کل ایالات متحده خواستار اخراج حسین موسویان دیپلمات سابق جمهوری اسلامی ایران شدند.

رضا بهروز و پیتیر کهن‌لو در گزارشی مشترک با عنوان «تدریس در پرینستون با دستان آلوده به خون» که یکم ژانویه ۲۰۲۰ (۱۲ دی‌ماه) در «نیویورک پست» منتشر شد به بررسی سوابق موسویان پرداخته و جزئیاتی از این نامه را تشریح کرده‌اند. حسین موسویان در زمان ترور فحیح مخالفان جمهوری اسلامی در رستوران میکونوس در برلین، سفیر رژیم ایران در آلمان بود.

در این گزارش آمده «موسویان در دوران باراک اوباما عضو ثابت تیم‌های مختلفی بود که توسط اتاق فکرهای واشنگتن تشکیل می‌شدند. او مصاحبه‌های بسیاری می‌کرد که در شبکه‌های خبری پخش می‌شد و مدام با دفاع از رژیم ایران دستورات ملاها را اجرا می‌کرد. حتی امروز هم

حالیست که در زمان کسب درآمدهای میلیاردی از نفت نیز جمهوری اسلامی هیچ «کارهای بسیاری» برای مردم نه توانست و نه انجام داد!

روحانی به خیالپردازی با استفاده از جملات شرطی ادامه داد و گفت: «علاوه بر این ۱۰۰ میلیارد دلار می‌توانستیم اعتبار بگیریم اما یک توطئه‌ای شکل گرفت که ابهت ما را بشکنند تا تسلیم شویم که این کار در برابر ملت ایران شدنی نیست و آنها باید به ملت ایران برگردند.»

روحانی افزود: «توطئه‌ای علیه ما طراحی شده تا ابهت و عظمت‌مان را بشکنند و ما را تسلیم کند و ما در برابر آنها خاضع شویم؛ این کار در برابر ملت ایران شدنی نیست و آنها باید از این راه غلط و نادرستی که شروع کرده‌اند باز گردند.»

رئیس‌جمهوری اسلامی همچنین عنوان کرد: «هر زمان که آنها از این راه غلط خود بازگردند ما آماده هستیم؛ هرگاه آنها به نقطه‌ای که از آن توطئه جدید را آغاز کرده‌اند، برگردند ما آماده هستیم. آنها می‌گویند که ما آماده مذاکره هستیم. بسم‌الله، اهلا و سهلا ما نیز آماده مذاکره هستیم. اما به شرط آنکه سر نقطه اول بازگردیم و تعهدات و آنچه را که شکانده‌اید را به نقطه اول بازگردانید و بگویید راه‌مان اشتباه بوده است و اگر به زبان نیز نمی‌گویید در عمل بگویید که کار ما اشتباه بوده، ما آماده هستیم با شما حرف بزیم.»

● مصباح یزدی در سخنرانی روز «نهم دی» به «افتخار» سرکوب خونین جنبش سبز و شهروندان معترض در سال ۸۸: آیا مذاکره با کسانی که همواره در پی نابودی ما هستند احمقانه نیست؟

در شرایطی که تنش‌ها بین جمهوری اسلامی و آمریکا شدت گرفته است، حسن روحانی بار دیگر به مذاکره با آمریکا چراغ سبز نشان داد و خواستار برداشته شدن تحریم‌ها شد بدون آنکه معلوم باشد که آیا خودش از علی خامنه‌ای چراغ سبز و مجوز گرفته یا نه.

به گزارش ایسنا حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، چهارشنبه ۱۱ دی‌ماه، در مراسم بهره‌برداری از طرح‌های صنعت آب استان اردبیل با اشاره به اینکه «ما در شرایط سخت و تحریم هستیم» مخاطبان را به «اگر» حواله داد و گفت، «اگر توطئه آمریکا و دشمنان با مردم نبود، درآمد نفت ما در دو سال گذشته ۱۰۰ میلیارد دلار بود که با این پول‌ها کارهای بسیاری می‌توان کرد.» البته این ادعا در

## حسن روحانی به آمریکا: بسم‌الله، اهلا و سهلا، آماده مذاکره هستیم به شرط آنکه سر نقطه اول بازگردیم!

نظر گرفت. در شرایطی که روحانی همچنان امیدوار است بدون هیچ تغییری در رویکرد جمهوری اسلامی واشنگتن تحریم‌ها را متوقف کند و «سر نقطه اول» پای میز مذاکره بنشیند، براین هوک مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در واکنش به آتش‌افروزی‌های رژیم ایران در عراق و حمله به سفارت ایالات متحده در بغداد گفته است که به زودی تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی اعلام خواهد شد و آمریکا نه فقط در عراق بلکه هر جا که منافع‌اش در معرض تهدید قرار بگیرد، اقدام به پاسخگویی خواهد کرد. شبکه خبری CNBC نیز دوشنبه به نقل از یک مقام وزارت خارجه آمریکا نوشت «تحریم‌های بیشتری در راه است، و مشکلات و چالش‌های اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۰ مضاعف خواهد شد.»

این مقام وزارت خارجه ایالات متحده که خواست نامش فاش شود گفته اقتصاد ایران دچار رکود است و ما شاهد هستیم که ایران در معرض انزوا بیشتر دیپلماتیک قرار می‌گیرد. در جریان سخنرانی‌هایی که داخل ایران به مناسبت روز «نهم دی» به «افتخار» سرکوب خونین جنبش سبز و شهروندان معترض در سال ۸۸ برگزار شد، آیت‌الله مصباح یزدی رئیس «مؤسسه آموزشی و پژوهشی خمینی» با تأکید بر اینکه برای رسیدن به پیروزی باید از دشمنان و بیگانگان قطع امید کنیم، گفت: «آیا مذاکره با کسانی که همواره در پی نابودی ما هستند احمقانه نیست؟ آیا در خفا پیغام مذاکره فرستادن برای دشمنان و امید بستن به کسانی که می‌خواهند ما را نابود کنند حماقت نیست؟ نخستین وظیفه ما در مواجهه با امتحانات الهی آن است که به درگاه خداوند متعال تمسک جست، به پروردگار عالم توکل کرده و از دشمنان قطع امید کنیم.»

حالیست که در زمان کسب درآمدهای میلیاردی از نفت نیز جمهوری اسلامی هیچ «کارهای بسیاری» برای مردم نه توانست و نه انجام داد!

روحانی به خیالپردازی با استفاده از جملات شرطی ادامه داد و گفت: «علاوه بر این ۱۰۰ میلیارد دلار می‌توانستیم اعتبار بگیریم اما یک توطئه‌ای شکل گرفت که ابهت ما را بشکنند تا تسلیم شویم که این کار در برابر ملت ایران شدنی نیست و آنها باید از این راه غلط و نادرستی که شروع کرده‌اند باز گردند.»

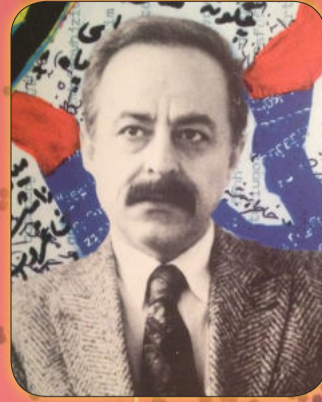
روحانی افزود: «توطئه‌ای علیه ما طراحی شده تا ابهت و عظمت‌مان را بشکنند و ما را تسلیم کند و ما در برابر آنها خاضع شویم؛ این کار در برابر ملت ایران شدنی نیست و آنها باید از این راه غلط و نادرستی که شروع کرده‌اند باز گردند.»

رئیس‌جمهوری اسلامی همچنین عنوان کرد: «هر زمان که آنها از این راه غلط خود بازگردند ما آماده هستیم؛ هرگاه آنها به نقطه‌ای که از آن توطئه جدید را آغاز کرده‌اند، برگردند ما آماده هستیم. آنها می‌گویند که ما آماده مذاکره هستیم. بسم‌الله، اهلا و سهلا ما نیز آماده مذاکره هستیم. اما به شرط آنکه سر نقطه اول بازگردیم و تعهدات و آنچه را که شکانده‌اید را به نقطه اول بازگردانید و بگویید راه‌مان اشتباه بوده است و اگر به زبان نیز نمی‌گویید در عمل بگویید که کار ما اشتباه بوده، ما آماده هستیم با شما حرف بزیم و اگر حرفی دارید بشنویم و ما نیز اگر سخنی داریم شما باید آن را بشنوید.»

این اظهارات روحانی پس از آن صورت گرفته که محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در سفر به مسکو و چین هشدارهایی در مورد وخیم شدن وضعیت برجام شنید. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه دوشنبه ۹ دی بعد از دیدار با ظریف گفت اگر آمریکا و اتحادیه اروپا به برجام برنگردند این توافق را باید نابود شده در

سال نو میلادی

عقر به های ساعت  
روی زمان تازه است  
معنی روزگار من  
جان و جهان تازه است



(رضا مقصدی)

کیست درین کرانه‌ها  
نام ترا سرود کرد؟  
چیست که سینه‌ی ترا  
از تپش ستاره‌ها  
شعر سپید رود کرد؟

سال خمیده، درگذشت  
سال خجسته، سر رسید  
عقر به های ساعت  
سوی پرند، پر کشید

شهلا ریاحی بازیگر و اولین کارگردان زن سینمای ایران در گذشت



این بازیگر پیشکسوت سینمای ایران به دلیل ابتلا به بیماری الزایمر در اوایل دهه هشتاد خورشیدی کم کار شد و فقط در فیلم سینمایی «هنگ عنبر ۲» به کارگردانی سامان مقدم بازی کرد. از او همزمان با آغاز اکران فیلم سینمایی «شیفت شب» به کارگردانی نیکی کریمی در هشتم آذر سال ۱۳۹۴ به عنوان نخستین کارگردان زن سینما تجلیل شد.

شهلا ریاحی سینمای حرفه‌ای را در سال ۱۳۳۰ با فیلم «خواب‌های طلایی» به کارگردانی معزالدیوان فکری آغاز کرد و پس از حضور بر صحنه تئاتر و درخشش در این عرصه به خواست همسرش وارد سینما شد و از ۱۳۳۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۴۰ با بازی در چندین فیلم به شهرت رسید.

شهلا ریاحی بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر که بیش از شش دهه در این عرصه فعال بود، شامگاه روز سه‌شنبه ۱۰ دی‌ماه در سن ۹۳ سالگی در تهران از دنیا رفت. ریاحی با بازی در سریال تلویزیونی «در خانه» به کارگردانی مسعود رسام به مخاطب کودک و نوجوان در دهه ۶۰ معرفی شد. به تأیید عباس عظیمی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت، شهلا ریاحی بازیگر پیشکسوت سینما، تلویزیون و تئاتر ایران شامگاه دیروز در سن ۹۳ سالگی درگذشت. ریاحی بیش از ۱۶ سال از بیماری الزایمر رنج می‌برد و تحت مراقبت ویژه پزشکی قرار داشت.

ریاحی با بازی در سریال تلویزیونی «در خانه» به کارگردانی مسعود رسام به مخاطب کودک و نوجوان در دهه ۶۰ معرفی شد.

شهلا ریاحی (با اسم اصلی قدرت‌زمان وفادوست) در ۱۷ بهمن ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد. او تحصیلات خود را تا مقطع سیکل ادامه داد و در ۱۷ سالگی بنا به خواست

و راهنمایی همسرش اسماعیل ریاحی به صحنه تئاتر تهران راه یافت. در نخستین بازی‌اش که برگرفته از نمایشنامه‌ای با عنوان «سیاست هارون‌الرشید» بود، نقش اول را به‌گونه‌ای ایفا کرد که با استقبال بسیاری مواجه شد و بازی در این اثر باعث شد بعدها به عنوان یک بازیگر سرشناس مورد توجه قرار گیرد. او سینمای حرفه‌ای را در سال ۱۳۳۰ با فیلم «خواب‌های طلایی» به کارگردانی معزالدیوان فکری آغاز کرد و پس از حضور بر صحنه تئاتر و درخشش در این عرصه به خواست همسرش وارد سینما شد و از ۱۳۳۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۴۰ با بازی در فیلم‌هایی چون «دزد عشق» (اسماعیل کوشان، ۱۳۳۱)، «عشق بزرگ» (جعفری، ۱۳۴۱)، «عروس دهکده» (ناصر ملک‌مطیعی، ۱۳۴۱) و «جاده مرگ» (اسماعیل ریاحی، ۱۳۴۲) به شهرت رسید.

ریاحی در سال ۱۳۳۵ فیلم «هرجان» را کارگردانی کرد و به این ترتیب نام اولین زن کارگردان سینمای ایران را به خود اختصاص داد. وی گوینده رادیو و تلویزیون و مجری برنامه‌های کودک تلویزیون بود. شهلا ریاحی هنرپیشه صدا و دوبلو نیز بود و فیلم‌های زیاد ایرانی و خارجی از جمله فیلم‌های معروفی

چون «دلجان آتش» و «بربادرفته» را دوبله کرد. وی در کنار بزرگانی همچون حسین عرفانی، منوچهر نوذری، احمد رسول زاده، ولی‌الله مؤمنی، نصرالله مدقالچی به کار دوبله پرداخت.

شهلا ریاحی همچنین در فیلم‌های «درشکه‌چی» و «خانه‌خراب» به کارگردانی نصرت کریمی ایفای نقش کرد. او طی سال‌های ابتدایی انقلاب کم کار شد و بیشتر به عنوان گوینده در رادیو مشغول فعالیت بود. اما در دهه هفتاد خورشیدی در بیش از ۲۰ فیلم و سریال تلویزیونی از جمله «دلشدگان»، «دو فیلم با یک بلیط»، «دلوران کوچه دلگشا»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «گلنار»، «مرگ پلنگ»، «چشم عقاب»، «قرار از جهنم»، «تحفه هند»، «روپای نیمه‌شب تابستان» و «بچه‌های طلاق» بازی کرد.

این بازیگر پیشکسوت سینمای ایران به دلیل ابتلا به بیماری الزایمر در اوایل دهه هشتاد خورشیدی کم کار شد و فقط در فیلم سینمایی «هنگ عنبر ۲» به کارگردانی سامان مقدم بازی کرد. از او همزمان با آغاز اکران فیلم سینمایی «شیفت شب» به کارگردانی نیکی کریمی در هشتم آذر سال ۱۳۹۴ به عنوان نخستین کارگردان زن سینما تجلیل شد.

پرویز صیاد:

وظیفه ما در خارج کشور کمک به انعکاس صدای ناقوس مرگ ولایت تزویر و خلافت دروغ است. همین و بس!



چه بسیار کتاب و مقاله و فیلم مستند تا کنون منتشر شده در یافتن و تجزیه تحلیل انگیزه‌های تخم و ترکه‌ی اعراب که رویای رجعت به خلفای بنی امیه داشتند!

مافیای چپ که در صدد بود ایرانستان را به صورت یکی از اقمار شوروی سابق در آورد!

وطن‌فروشان از تبار سلمان فارسی! لات و لوت‌های میدان امین السلطان! روی هر کدامشان کلیک کنی می‌رسی به ملغمه‌ای که جمهوری اسلامی نامیده می‌شود!

بعد از به پا خاستن مردم در دی ۹۶ و آبان ۹۸ و سرکوب وحشیانه آنها فکر می‌کنید حرکت ایران را در کدام سو می‌بینید؟

جوانانی که در خیابان‌ها بدون توسل به «الله اکبر» فریاد حقیقی سر داده‌اند، به حقوقی که تا کنون از ایشان و خانواده‌شان سلب شده دیر یا زود دست خواهند یافت.

تا کی این رژیم سفاک می‌تواند حقیقتی را با گلوله پاسخ دهد؟

هزاران دلیل می‌توان از درون این ملت یافت که نشان می‌دهد: نیکی، شهامت، فرزندی و عدالت‌خواهی قدرت قاهره این مردم است.

یقین بدانیم که این صفات انسانی در میان سربازان و جوانانی که از ناگزیری به صفوف نیروهای امنیتی یا نظامی حکومت پیوسته‌اند هم می‌تواند وجود داشته باشد. بسیاری از آنها واقف‌اند که آینده و سرنوشت مشترکی دارند با این مردمان عاصی و حق‌طلبان کارد به استخوان رسیده. تردید نکنیم که دیر یا زود آنها هم به صفوف این حق‌طلبان می‌پیوندند و همقطاران خود را از اعمال خشونت و شلیک گلوله به سوی مردمان بی‌سلاح باز می‌دارند.

در این میان نقش ایرانیان خارج از کشور و به ویژه هنرمندان را برای کمک به اعتلای مبارزه در داخل ایران چگونه می‌بینید؟

چندی پیش در رابطه با حوادث اخیر جایی گفتم که با وجود دشواری‌های ایجاد شده در امر خیررسانی، به دلیل قطع اینترنت از جانب حکومت، گزارش‌های صوتی و تصویری بسیاری از سرکوب‌های وحشیانه به خارج راه پیدا کرد.

اما از بخت بد ما ایرانی‌ها، همه جا سیاست‌بازان فاسدی که تا کنون با چپاولگران حاکم در جمهوری اسلامی داد و ستد سیاسی-اقتصادی داشته‌اند، اکثراً واکنش مناسب در برابر این فجایع آشکار نشان نداده و نمی‌دهند. و همین‌جاست که مسؤلیت پیگیری به عهده‌ی ما ایرانی‌های دور از سرزمین مادری می‌افتد تا اگر هنوز مهر وطن با ماست یا خود را همدرد با مردم زادگاه خویش می‌دانیم، بکوشیم تا دولتمردانی را که هنوز به مراودات کثیف با جمهوری اسلامی لوده نشده‌اند به واکنش مناسب علیه فجاج اخیر واداریم.

فراموش نکنیم که به استناد اینهمه گزارش صوتی و تصویری که به همت مبارزان جان بر کف دست نهاده از داخل ایران به خارج راه یافته است، ناقوس مرگ ولایت تزویر و خلافت دروغ به صدا درآمده است. وظیفه ما کمک به انعکاس این صداست. همین و بس!

پس از آنکه در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمندان ایرانی در هر دو داخل کشور معدودی که خطر مقاومت را به جان می‌خرند، اگر سر به سلامت ببرند، فعالیت‌شان ناگزیر به کم‌کاری یا بیکاری می‌انجامد، اما غیر کردن یا تداوم کار خویش را خواسته یا ناخواسته در مامشات با نظام حاکم می‌بینند. به ویژه در سینما-صنعتی که در آن کارفرما و تولیدکننده‌ی اصلی ارکان وابسته به حکومت‌اند- نتیجه کار فیلمساز خرده‌گیر یا حتی معترض هم در نهایت آبی است که به آسیاب تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی ریخته می‌شود.

و اما در خارج... همان سال‌های اول، ترس از تروریسم اسلامی با فتوای قتل سلمان رشدی عالمگیر شد. نه تنها مخالفان ایرانی خمینی، بلکه در سطح جهانی منتقدان اسلام افراطی نیز به وادی واهمه‌های بی‌نام و نشان کشتانیده شدند.

فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی سواً فقدان امکانات مالی یا حمایت دولتی به دلیل یا به بهانه‌ی ترس از واکنش حکومت نسبت به بستگانی که در ایران پشت سر گذاشته بودند به ورطه محافظه‌کاری افتاد و در مواردی کاملاً به ابتذال کشید.

آیا به نظر شما رژیم‌های فاشیست و شبه‌فاشیست بر وظایف سیاسی و اجتماعی هنر و هنرمند می‌افزایند؟

در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمند از داخل به خارج یکطرفه بود. هر چه در داخل تولید می‌شد راه همواری به خارج داشت اما چنین راهی برای کارورزان هنر و فرهنگ برون‌مرزی به ایران هموار نبود. به خصوص کارهایی که پیش از پیدایش اینترنت و شبکه‌های مجازی در راستای مبارزه با فاشیسم مذهبی حاکم در ایران انجام می‌شد از خارج راهی به داخل نمی‌یافت. سواً سختگیری‌های حکومت، سنجگان فرهنگی در داخل کشور هم کمکی به گشایش این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این راه یکطرفه نمی‌کردند.

حضور هنرمند نام‌اشنا و محبوب در لندن در چند هفته اخیر فرصتی به کیهان لندن داد که در مورد دیدگاه‌های فرهنگی و هنری و سیاسی وی به گفتگو بنشینیم.

آقای صیاد، از این موضوع شروع کنیم که شما قبل از انقلاب با تهیه و بازیگری در فیلم‌های سرگرم‌کننده و پولساز، تهیه کارهای هنری، جدی و سنگین را میسر می‌کردید. تماشاچیان هم شما را به عنوان شخصیت صمد دوست داشتند و هم از فیلم «در امتداد شب» به شدت استقبال می‌کردند و هم اینکه به شما به عنوان کارگردان «بن‌بست» و بازیگر و تهیه‌کننده «در غربت» از سهراب شهید ثالث، ارادت داشتند و احترام می‌گذاشتند. این تنوع فعالیت را چگونه توانستید تلفیق کنید؟

همکاری من با سینمای متفاوت پیش از انقلاب بجز چند مورد به عنوان بازیگر یا فیلمنامه‌نویس شروع شد اما چون تهیه‌کنندگان سینمای رایج آن دوره که غیردولتی بودند ریسک سرمایه‌گذاری در آن فیلم‌ها را نمی‌پذیرفتند من از پخش‌کننده‌ی فیلم‌های «صمد» برای تولید فیلم‌های متفاوت وام می‌گرفتم. فیلم‌ها ساخته می‌شدند اما چون سینمای مناسب برای نمایش‌شان وجود نداشت غالباً با زبان مواجه می‌شدند و طبعاً زبان حاصله را باید فروش فوق‌العاده فیلم‌های صمد جبران می‌کرد.

جایگاه مسائل سیاسی و اجتماعی در هنر از نظر شما چیست؟

به مسائل سیاسی و اجتماعی در میان هنرها یکسان نیست. هنرهای بیانی مانند تئاتر و سینما از آنجا که با مخاطب و تماشاگر رو رو هستند و تولیدشان نیز به سرمایه متکی است، بیش از هنرهای دیگر متکی به اقبال مردم و شرایط اجتماعی‌اند. برای نمونه عده‌ی کثیری باید به تماشای فیلمی بنشینند تا امکان برگشت سرمایه‌ای که برای آن هزینه شده در آن فراهم شود.

به هر حال نقش مسائل سیاسی-اجتماعی در شکل‌گیری این هنر و تأثیر متقابل آن بر جامعه به مراتب بیش از سایر هنرهاست!

به دنبال روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، چه نکاتی در رابطه بین سیاست و مسائل اجتماعی از یکسو و سینما و تئاتر

در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمندان از داخل به خارج یکطرفه بود. هر چه در داخل تولید می‌شد راه همواری به خارج داشت اما چنین راهی برای کارورزان هنر و فرهنگ برون‌مرزی به ایران هموار نبود. به خصوص کارهایی که پیش از پیدایش اینترنت و شبکه‌های مجازی در راستای مبارزه با فاشیسم مذهبی حاکم در ایران انجام می‌شد از خارج راهی به داخل نمی‌یافت. سواً سختگیری‌های حکومت، نخبگان فرهنگی در داخل کشور هم کمکی به گشایش این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این تبعید ناخواسته، ظن قوی در ایران بر آنست که همه ما در خارج خوش می‌گذرانیم و دغدغه‌ای برای وطن و مردمانمان نداریم!

به نظر شما چه چیزی باعث شد که ایرانیان دست به خودکشی سیاسی در ۴۰ سال پیش بزنند؟

چه بگویم در پاسخ این سؤال!

پس از آنکه در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمندان از داخل به خارج یکطرفه بود. هر چه در داخل تولید می‌شد راه همواری به خارج داشت اما چنین راهی برای کارورزان هنر و فرهنگ برون‌مرزی به ایران هموار نبود. به خصوص کارهایی که پیش از پیدایش اینترنت و شبکه‌های مجازی در راستای مبارزه با فاشیسم مذهبی حاکم در ایران انجام می‌شد از خارج راهی به داخل نمی‌یافت. سواً سختگیری‌های حکومت، نخبگان فرهنگی در داخل کشور هم کمکی به گشایش این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این تبعید ناخواسته، ظن قوی در ایران بر آنست که همه ما در خارج خوش می‌گذرانیم و دغدغه‌ای برای وطن و مردمانمان نداریم!

به نظر شما چه چیزی باعث شد که ایرانیان دست به خودکشی سیاسی در ۴۰ سال پیش بزنند؟

چه بگویم در پاسخ این سؤال!

پس از آنکه در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمندان از داخل به خارج یکطرفه بود. هر چه در داخل تولید می‌شد راه همواری به خارج داشت اما چنین راهی برای کارورزان هنر و فرهنگ برون‌مرزی به ایران هموار نبود. به خصوص کارهایی که پیش از پیدایش اینترنت و شبکه‌های مجازی در راستای مبارزه با فاشیسم مذهبی حاکم در ایران انجام می‌شد از خارج راهی به داخل نمی‌یافت. سواً سختگیری‌های حکومت، نخبگان فرهنگی در داخل کشور هم کمکی به گشایش این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این تبعید ناخواسته، ظن قوی در ایران بر آنست که همه ما در خارج خوش می‌گذرانیم و دغدغه‌ای برای وطن و مردمانمان نداریم!

به نظر شما چه چیزی باعث شد که ایرانیان دست به خودکشی سیاسی در ۴۰ سال پیش بزنند؟

چه بگویم در پاسخ این سؤال!

پس از آنکه در سال‌های بعد از انقلاب رابطه کار هنری و هنرمندان از داخل به خارج یکطرفه بود. هر چه در داخل تولید می‌شد راه همواری به خارج داشت اما چنین راهی برای کارورزان هنر و فرهنگ برون‌مرزی به ایران هموار نبود. به خصوص کارهایی که پیش از پیدایش اینترنت و شبکه‌های مجازی در راستای مبارزه با فاشیسم مذهبی حاکم در ایران انجام می‌شد از خارج راهی به داخل نمی‌یافت. سواً سختگیری‌های حکومت، نخبگان فرهنگی در داخل کشور هم کمکی به گشایش این راه یکطرفه نمی‌کردند. به همین دلیل با وجود مبارزات و کوشش‌های فرهنگی ایرانیان خارج کشور در این تبعید ناخواسته، ظن قوی در ایران بر آنست که همه ما در خارج خوش می‌گذرانیم و دغدغه‌ای برای وطن و مردمانمان نداریم!

# قاسم سلیمانی کشته شد: مردم عراق جشن شادی برپا کردند، علی خامنه‌ای تهدید کرد انتقام می‌گیریم!



خاطره عبدالرضا انصاری در درازای نزدیک به سه دهه دوران سازندگی و سرافرازی ایران که روشنگر بسیاری از رویدادهای آن زمان است و اکنون نوشته تحریر در آمده آموزنده و چشمگیر و خواندنی است.

جمشید آموزگار

سیاسی و اداری امکان پذیر است. در این چارچوب، شاه همواره نقشی موثر و در صورت لزوم تعیین کننده ایفا می کند، اما بیشتر در قوام بخشیدن به نیازمندی های سیاسی و ایجاد شرایط برای انجام کارها، تا برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات شاه در آن مورد خاص بازدارنده و یا منحرف کننده باشد. ما که به انجام برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران دست زده بودیم، می‌اندیشیدیم که چگونه یافته های این برنامه را، به ویژه در زمینه فراگرد عمران و توسعه ایران، در معرض دید و نقد عموم قرار دهیم، بی آنکه به اصلت و امانتی که ویژه تاریخ شفاهی است خدشه وارد کنیم. در سال ۱۹۹۱، طی مصاحبه‌ای که من با آقای عبدالرضا انصاری انجام می دادم، به ویژه آن جا که درباره سازمان آب و برق خوزستان گفتگو بود، هر دو به این نتیجه رسیدیم که یکی از راه های موثر ارائه این مطالب، با حفظ امانت گفته، این است که گویندگان خود در تدوین نوشته مشارکت کنند. طبیعتاً، از آن پس، سازمان آب و برق خوزستان به عنوان اولین نامزد برنامه «مجموعه توسعه و عمران ایران» در مرکز بحث های ما قرار گرفت. این مجلد، که داستان سازمان آب و برق خوزستان را نیز که زیر عنوان عمران خوزستان در سال ۱۹۹۴ چاپ شد در بر دارد، با دیگر کتاب هایی که تا کنون در چارچوب مجموعه توسعه و عمران ایران منتشر شده از این نظر متفاوت است که تجربه زندگی یکی از مجرب ترین و آگاه ترین مدیران و سیاستمداران ایران را در رابطه با چند برنامه و سازمان در بر می گیرد. دلیل عمده انتشار خاطرات عبدالرضا انصاری از سوی بنیاد مطالعات ایران گستره و ژرفای بینشی است که خواننده از لابلای تجربه ها و گفته ها لمس می کند. مقولاتی که انصاری به زبانی ساده بیان می کند خواننده را نه تنها به دست اندرکاران سیاست و اقتصاد ایران در دوران پادشاهی محمدرضا شاه آشنا می کند، بلکه او را در متن مسائل اساسی آغازین توسعه، به ویژه کمبود یا نبود منابع انسانی در تجلی سازمانی، فناوری، و فرهنگی آن، قرار می دهد. عبدالرضا انصاری در سال ۱۳۰۴ شمسی در خانواده‌ای نظامی متولد شد. دوران آموزش ابتدائی و متوسطه را در دبستان و دبیرستان های شرف، فیروز بهرام، و البرز گذراند. از دانشکده کشاورزی و دانشکده حقوق دانشگاه تهران لیسانس گرفت. سپس در وزارت تازه تأسیس کار استخدام شد و پس از مدتی برای ادامه تحصیلات عالی به دانشگاه های یوتا و کالیفرنیا، شعبه لوس آنجلس، رفت و در سال ۱۳۳۰، هم زمان با آغاز مبارزه مردم ایران برای ملی کردن صنعت نفت، به ایران بازگشت. در ایران انصاری در پی اتفاقی که خود به شپرنی در این گفتگو بیان می کند در اداره اصل چهار، که تازه در ایران گشوده شده بود، مشغول شد. او به ایجاز شیوه سازمان یابی و نیز هدف های اصل چهار را تشریح و نتایج فعالیت های آموزشی و عمرانی این سازمان را در روستاها و شهرهای ایران توضیح می کند.

ادامه دارد

طی ماه‌های اخیر را سازماندهی کرده بود. ابومهدی المهندس برای استقبال از قاسم سلیمانی به فرودگاه بغداد رفته بود که هر دو در حمله‌ی نیروهای آمریکایی کشته شدند. سناتور لیندزی گراهام با استقبال از خبر کشته شدن قاسم سلیمانی نوشت او یکی از بی‌رحم و شرورترین اعضای رژیم آیت‌الله خامنه‌ای است. او به خون آمریکایی‌ها آغشته بود. او تهدید کرد، «اگر ایران به حمله به منافع آمریکا در عراق ادامه دهد مراکز نفتی ایران را هدف قرار خواهد داد.» گفته شد شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل جلسه داد.

ایرج مسجدی سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق به شبکه خبر گفته است در حال انجام هماهنگی‌های لازم برای انتقال اجساد کشته‌شدگان به ایران است. بعد از تأیید خبر کشته شدن سلیمانی در وزارت خارجه جمهوری اسلامی جلسه اضطراری تشکیل شد گزارش‌ها حاکیست نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه به حالت آماده‌باش درآمدند. با تأیید خبر کشته شدن سلیمانی و ابومهدی المهندس مردم عراق در ساعات بامدادی روز در خیابان‌ها جشن شادی برپا کردند. العربیه گزارش داد قیس الخزعلی رهبر گروه شبه‌نظامی «عصاب اهل حق» و هادی العامری فرمانده «سپاه بدر» وابسته به رژیم ایران در منطقه الجادریه بغداد پایتخت عراق بازداشت شدند. این دو مسئول حمله به سفارت آمریکا در بغداد بودند.

گروهی می‌گویند منابع اطلاعاتی در عراق مسیر تردد سلیمانی را لو دادند و برخی می‌گویند از تهران به آمریکایی‌ها برای ترور او گرا داده شد. احتمال درگیری‌های شدید در منطقه به شدت افزایش پیدا کرده و اکنون باید منتظر واکنش جمهوری اسلامی ایران را مسئول حمله به سفارت‌اش در بغداد می‌دانند اما در حالی که رسانه‌های حکومتی در ایران بابت حمله به سفارت هم تشویق و هم شادی کرده‌اند اما علی خامنه‌ای این مسئله را رد کرده بود و خطاب به دونالد ترامپ گفت «غلط می‌کنید حمله را از چشم ما می‌بینید.» ۲۴ ساعت بعد از این ادعا سلیمانی سر از بغداد در آورده بود که برای همیشه پرونده‌اش بسته شد.

هزار میلیاردی به ملت ایران و منافع ملی ما زد. او یکی از فرماندهان اصلی یک حکومت دینی بود که از تجاع محض است، حکومتی که در قساوت و شقاوت و وقاحت یکی از سرامدان ایران و جهان است، و کشتار آبان‌ماه یکبار دیگر بر همگان آشکار ساخت که جمهوری اسلامی حکومت جنایتکاران است. قتل سلیمانی یک نقطه عطف بسیار خطرناک در روابط جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان او است که می‌تواند با سرنوشته ملت و تمامیت ارضی کشور بازی کند. پیام آن بسیار گویا و روشن است: دوران آن بازی‌های مودیانه تروریستی و رجزخوانی‌های ملایان در ایران به پایان رسیده است و جمهوری اسلامی «کاره‌ای» باشد در امان نخواهد بود.



ابومهدی المهندس و قاسم سلیمانی با شبه نظامیان در عراق

اسلامی نیز گفته «بی‌تردید انتقام شهادت سردار سلیمانی از آمریکای جنایتکار گرفته خواهد شد.» آذرخش کبود (بلو لایتینگ) نام عملیاتی بود که سلیمانی و همراهانش در آن شکار شدند. «آذرخش کبود» نام یک بازی کامپیوتری است که در آن باید «زنرال دریکو» با حمله هوایی کشته می‌شد. محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز گفته، «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تمامی ظرفیت‌های سیاسی، حقوقی و بین‌المللی خود را برای اجرای تصمیمات شورای عالی امنیت ملی برای پاسخگو کردن رژیم جنایتکار و تروریست آمریکا در خصوص این جنایت آشکار به کار خواهد بست.» در اولین اقدام سفیر سوئیس در تهران به عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد. منابع امنیتی عراق اعلام کردند که جسد قاسم سلیمانی تنها توانستند از روی دست و انگشترش شناسایی کنند.

واکنش دونالد ترامپ به کشته شدن سلیمانی توییتهایی با پرچم آمریکا بود. وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای به تشریح دلایل شکار قاسم سلیمانی پرداخت و نوشت او در توسعه نقشه علیه دیپلمات‌ها و پرسنل آمریکایی در عراق و منطقه نقش فعالی داشت. سلیمانی و سپاه قدس مسئول مرگ صدها آمریکایی و نیروهای ائتلاف بودند و باعث زخمی شدن هزاران نفر شدند. او حمله به پایگاه‌های ائتلاف در عراق

## پایان یک دوران؛ در حاشیه قتل حاج قاسم سلیمانی



جغفری صحراوردی (افسران عالی رتبه «سپاه قدس»، قاتلان عبدالرحمان قاسملو و یاران در وین) تا فرماندهی علی وکیلی راد و محمد آزادی (افسران عالی‌رتبه واحد قدس، قاتلان شاپور بختیار و سروش کتبی) و... وظیفه اصلی و اساسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دفاع از انقلاب بنیادگرا و ارتجاعی اسلامی و ارزش‌های شرعی آن بود و هست و سپاه هر جا لازم دید با کشتار مخالفان و دگراندیشان از حکومت دینی و حاکمان جنایتکار آن «پاسداری» کرد. واحد خارج از کشور آن، «واحد قدس»، هم مخالفان ایرانی نظام را در بیرون مرز از میان برد و هم با تشکیل واحدهای شبه‌نظامی «زادپخش» شیعیان، از یکسو ایران را

در پی کشته شدن قاسم سلیمانی رهبر جمهوری اسلامی سه روز عزای عمومی اعلام کرد و تهدید کرد که انتقام او را خواهد گرفت. محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حسام‌الدین آشنا مشاور رسانه‌ای دولت و محمدباقر قالیباف شهردار پیشین تهران و امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی می‌گویند انتقام سلیمانی را می‌گیریم.

سناتور لیندزی گراهام: اگر ایران به حمله به منافع آمریکا در عراق ادامه دهد مراکز نفتی ایران را هدف قرار خواهد داد. ایرج مسجدی سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق به شبکه خبر گفته است در حال انجام هماهنگی‌های لازم برای انتقال اجساد کشته‌شدگان به ایران است. وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای گفت سلیمانی و سپاه قدس مسئول مرگ صدها آمریکایی و نیروهای ائتلاف بودند و باعث زخمی شدن هزاران نفر شدند.

منابع امنیتی عراق اعلام کردند که جسد قاسم سلیمانی تنها توانستند از روی دست و انگشترش شناسایی کنند.

قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بامداد جمعه ۱۳ دی‌ماه ۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰)، با حمله‌ای سوی هلی‌کوپترهای آمریکایی حوالی فرودگاه بغداد کشته شد. ابومهدی المهندس و قاسم سلیمانی در این عملیات که نام آن «آذرخش کبود» (بلو لایتینگ) بود ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و

قتل سلیمانی یک نقطه عطف بسیار خطرناک در روابط جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان او است که می‌تواند با سرنوشته ملت و تمامیت ارضی کشور بازی کند. پیام آن بسیار گویا و روشن است: دوران آن بازی‌های مودیانه تروریستی و رجزخوانی‌های ملایان در ایران به پایان رسیده است و جمهوری اسلامی «کاره‌ای» باشد در امان نخواهد بود.

باید همت کرد و این نظام جهل و خسونت را برچید تا به این ماجراجویی‌های چهل ساله درونی و بیرونی پایان داده شود زیرا تا این نظام گرفتاری‌های کمرشکن و ویرانگر بیرون نخواهد آمد.

پرویز دستمالچی - حاج قاسم سلیمانی، بی‌شک، یکی از جنایتکاران اصلی حکومت دینی ایران است که در مقام فرمانده «واحد قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هم عاملی اصلی در سرکوب هزاران نفر از مخالفان و دگراندیشان در ایران بوده و هم فرمانده (امر) «واحدی» که مستقیم در قتل افراد اپوزیسیون ایران در خارج از کشور دست داشته است، از فرماندهی سردار حاج غفوری در جزی (مصطفی مدیر کنونی) و محمد



## زنان شاخص

### شهره نیک پور (۱۳۳۶ - ایران)



شهره نیک پور در سال ۱۹۷۵ دختر شایسته ایران شد. او همچنین در سال ۱۹۷۵/۱۳۵۴ در مسابقات دختر شایسته نوجوانان جهان برنده این مسابقات شد. مسابقات دختر شایسته نوجوانان جهان در آن سال در شهر اورنجستاد مرکز جزیره آروبا در جنوب دریای کارائیب، برگزار شد. انتخاب دختر شایسته ایران، از ابتکارهای مجله «زن روز» وابسته به مؤسسه مطبوعاتی-انتشاراتی کیهان بود که از سال ۱۳۴۴ آغاز شد. طی ۱۳ سال برگزاری مراسم دختر شایسته ایران، ۱۳ دختر برگزیده در هر سال به مسابقه انتخاب دختر شایسته جهان فرستاده شدند و از میان آنان الهه عضدی و شهره نیکپور، عنوان دختر شایسته جهان را به دست آوردند. جوایز شهره نیک پور پس از بردن مسابقات دختر شایسته ایران عبارت بود از یک تور مسافرتی آمریکای لاتین، دو هزار دلار پول نقد، انگشتر لعل، و یک ساعت طلا. شرکت ایران کالا سیستماتیک نیز یک دستگاره خودرو مزدا ۸۰۸ به او داد که عکس شهره نیک پور با ماشین خود بر روی جلد مجله زن روز به چاپ رسید. مسابقات دختر شایسته نوجوان میان قاره‌ای که اکنون مسابقات دختر شایسته میان قاره‌ای نامیده می‌شود، در جزیره آروبا برگزار شد و در مسابقه سال ۱۹۷۵ تعداد ۲۹ دختر از ۲۹ کشور جهان شرکت کردند. در این مسابقات شهره نیک پور از ایران مقام اول، ماری اینگرید سنتنو کارنیو از ونزوئلا مقام دوم و تینا مونیم از هند مقام سوم را به دست آوردند.



## زن روز



بیا یک شب که برفی سخت می بارد سپیدی تا افق ها می رود همراه تاریکی خدا از لطف می پوشد تن لخت درختان را میان جامه ای دیبا، سپید و دلکش و زیبا و دنیا بر تن خود می کشد رخت عروسان را من و تودر کنار هم جدا از شهر و عوای انسان ها .... بنوشیم از لبان هم شراب بوسه شیرین زبان دیده بگشاییم و در دنیای خاموشی برای سال د بگر توشه گیریم از نگاه هم بیا یک شب که برفی سخت می بارد دوباره چون دو اهو بیابانی شبی را تا سحرگاهان به کنج خلوتی گرم از وجود هم به پا سازیم جشن سالگرد عشق دیرین را

هما میر افشار



### استعداد ریاضی

#### برابر در مغز دختران و پسران

در سال ۱۹۹۲، عروسک‌های سخنگوی Teen Talk Barbie وارد بازار شدند. یکی از جملات جنجالی این عروسک‌ها این بود: "کلاس ریاضی سخت است." اگر چه تولید و پخش این عروسک‌ها با واکنش شدید عموم مردم روبرو شد، اما این فرض اساسی هم چنان ادامه دارد و این باور نادرست را تبلیغ می‌کند که زنان به دلیل نقص‌های زیست‌شناختی، استعداد ریاضی برابر با پسران را ندارند و در زمینه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضی (به این چهار حوزه STEM گفته می‌شود) شکوفا نمی‌شوند. جسیکا کانتون (Jessica Cantlon) در دانشگاه کارنگی ملون، رهبری یک تیم تحقیقاتی را به عهده گرفت. این تیم به طور جامعی، پیشرفت مغزی کودکان پسر و دختر را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که تفاوت جنسیتی در عملکرد مغز یا توانایی ریاضی وجود ندارد. در واقع دختران و پسران از نظر استعداد ریاضی برابر هستند. نتایج این تحقیق ۸ نوامبر، در مجله Science of Learning منتشر شده و قابل دسترسی است. تیم تحقیقاتی از MRI عملکردی (functional MRI)، برای اندازه‌گیری فعالیت مغز در ۱۰۴ کودک خردسال (۳ تا ۱۰ ساله؛ ۵۵ دختر) استفاده کردند. این اندازه‌گیری زمانی که کودکان در حال تماشای فیلم آموزشی مرتبط با مباحث پایه ریاضی مثل شمارش اعداد و جمع زدن بودند، صورت گرفت. محققان اسکن مغزی دختران و پسران را برای ارزیابی میزان شباهت مغزی آن‌ها به یکدیگر مقایسه کردند. علاوه بر آن، با مقایسه اسکن مغزی کودکان با گروهی از بزرگسالان (۶۳ بزرگسال؛ ۲۵ زن) که همان فیلم آموزشی را مشاهده کرده بودند، بلوغ مغزی نیز مورد بررسی قرار گرفت.

آترواسکلروز ایجاد می‌شود. زمانی که مغز خون کافی دریافت نکند، سلول‌های مغزی می‌میرند. سکتته مغزی به طور ناگهانی اتفاق می‌افتد و در برخی موارد سبب بی‌حسی صورت می‌شود. علاوه بر بی‌حسی صورت در سکتته مغزی، فرد ممکن است علائم زیر را نیز تجربه کند:

- ۱. گیجی ، اختلال بینایی ، اختلال در حرکت ، سردرد ناگهانی و شدید .
- ۲. بی‌حسی یا بی‌حرکتی در صورت ، سرگرد ، قرمزی پوست ، کپیر .
- ۳. فلج بل (Bell's palsy) فلج بل نوعی فلج موقت صورت است که ممکن است به دلیل آسیب یا ضربه به اعصاب صورت، رخ داده باشد. علائم این بیماری به طور ناگهانی ظاهر می‌شود. علائم این فلج در افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است، با این حال علائم شایع آن شامل موارد زیر است:

#### خواص زعفران

## خواص و مضرات زعفران

بودند نسبت به آن‌هایی که پلاسیبو (دارونما) دریافت کرده بودند، شاهد افزایش میل جنسی و کاهش اصطکاک واژن بودند.

### کاهش علائم سندروم پیش از قاعدگی (PMS)

زعفران می‌تواند باعث کاهش علائم سندروم پیش از قاعدگی (PMS) شود.

نویسندگان مطالعه‌ای مروری در سال ۲۰۱۵ اثرات زعفران را بر روی علائم PMS مورد بررسی قرار دادند. خانم‌های ۲۰ تا ۴۵ ساله‌ای که روزانه ۳۰ میلی‌گرم زعفران مصرف کرده بودند در مقایسه با خانم‌هایی که پلاسیبو (دارونما) دریافت کرده بودند، علائم کمتری را نشان می‌دادند.

به علاوه، خانم‌هایی که بوی زعفران را به مدت ۲۰ دقیقه استشراق کرده بودند، دارای مقدار کمتری از هورمون استرس کورتیزول در بدن خود بودند؛ این فرآیند نیز می‌تواند منجر به کاهش علائم PMS شود.

### بهبود کاهش وزن

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد زعفران می‌تواند باعث کمک به کاهش وزن و سرکوب اشتها شود. مطالعه‌ای در مجله‌ی Journal of Cardiovascular and Thoracic Research نشان داد مصرف عصاره زعفران به افراد مبتلا به بیماری شریان کرونری کمک می‌کند تا شاخص توده بدنی (BMI)، توده چربی و سایز دور کمر خود را کاهش دهند. همچنین افرادی که از این مکمل استفاده کرده بودند، اشتهای کم‌تری نسبت به گروه پلاسیبو (دارونما) داشتند.

### عوارض زعفران

به طور کلی، مصرف زعفران خطرات کمی به دنبال دارد. آشنیزی کردن با زعفران، راهی عالی برای افزودن آن به رژیم غذایی است که خطر مصرف بیش از حد این ادویه را نیز در بر ندارد.

مصرف حداکثر ۱.۵ گرم زعفران در روز، معمولاً بی‌خطر است؛ ولی مصرف بیش از حد آن می‌تواند سمی باشد. محققان دوز ۵ گرم در روز را سمی در نظر می‌گیرند.

دوزهای خیلی بالا برای گروه‌های خاصی از افراد خطرناک‌تر است. برای مثال، نویسندگان مطالعه‌ای خاطر نشان می‌کنند که خانم‌های حامله نباید روزانه بیش از ۵ گرم زعفران مصرف کنند؛ زیرا می‌تواند اثرات تحریک کننده روی رحم داشته باشد.

واکنش‌های حساسیتی نیز ممکن است رخ دهد. هر فردی که پس از مصرف زعفران دچار علائم واکنش حساسیتی شود، باید به پزشک مراجعه کند.

است که به لحاظ تئوری، زعفران می‌تواند باعث بهبود علائم آلزایمر شود؛ زیرا هم دارای اثرات تقویت حافظه و هم دارای خواص آنتی‌اکسیدانی و ضدالتهابی است. افراد مبتلا به آلزایمر خفیف تا متوسط که به مدت ۲۲ هفته زعفران مصرف می‌کردند نسبت به افرادی که داروی دونیزیل را دریافت می‌کردند، شاهد بهبود قابل توجه وضعیت شناختی بودند و همچنین اثرات جانبی کم‌تری را تجربه کردند.

### بهبود حالات روانی

هم‌چنین شواهد روزافزونی وجود دارد که نشان می‌دهد زعفران باعث کمک به بهبود حالات روانی می‌شود و می‌تواند درمانی اضافی برای افسردگی باشد. مطالعه‌ای در مجله‌ی Journal of Behavioral and Brain Science نشان می‌دهد که عصاره زعفران باعث افزایش سطح دوپامین



Freepik

در مغز می‌شود؛ بدون آن که سطح سایر هورمون‌های مغزی، از جمله سروتونین را تغییر دهد. مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد که مصرف روزانه ۳۰ میلی‌گرم زعفران می‌تواند اثراتی مشابه داروهای ایمی‌پرامین و فلوکستین ایجاد کند؛ این داروها برای درمان افسردگی خفیف تا متوسط به کار می‌روند.

### ارتقای میل جنسی

زعفران می‌تواند باعث افزایش میل و عملکرد جنسی در آقایان و خانم‌ها شود. محققان اثرات زعفران را بر مشکلات ناباروری مردان مورد بررسی قرار دادند و خاطر نشان کردند که زعفران اثرات مثبتی روی اختلال نعوظ و میل جنسی آقایان دارد؛ ولی پایداری زیستی مایع منی را تغییر نمی‌دهد. اثرات زعفران قدیمی‌تر در سال ۲۰۱۲ اثرات زعفران را بر روی خانم‌هایی مورد بررسی قرار داد که بر اثر مصرف داروی ضدافسردگی فلوکستین، دچار اختلالات جنسی شده بودند. خانم‌هایی که به مدت ۴ هفته روزانه ۳۰ میلی‌گرم زعفران مصرف کرده

خواص زعفران عبارت‌اند از: فراهم کردن آنتی‌اکسیدان‌ها بیشتر ادعاهایی که در مورد خواص زعفران می‌شود، مربوط به مقادیر بالای آنتی‌اکسیدان‌های خاص موجود در زعفران است. بر اساس مطالعه‌ای مروری در سال ۲۰۱۵، اصلی‌ترین آنتی‌اکسیدان‌های فعال زعفران عبارت‌اند از: Crocin ، Picrocrocin ، Safranin

سایر ترکیبات زعفران شامل crocetin و kaempferol است. این آنتی‌اکسیدان‌ها باعث کمک به مبارزه علیه استرس اکسیداتیو و رادیکال‌های آزاد می‌شود. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۵ خاطر نشان می‌کند که به نظر می‌رسد ترکیبات موجود در زعفران، از جمله crocin، باعث کاهش التهاب و استرس اکسیداتیو در مغز می‌شود که می‌تواند اثرات سودمندی در بر داشته باشد. مطالعه‌ای در مجله‌ی Antioxidants، خاطر نشان کرده



Pexels

به آسیب سیستم عصبی مرکزی فرد می‌شود و در نتیجه علائم قابل پیش‌بینی و وسیعی از جمله بی‌حسی صورت را به دنبال دارد. **برخی علائم شایع ام اس:** بی‌حسی و گزگز صورت، بدن، دست‌ها و پاها، خستگی مفرط یا fatigue، ضعف عمومی، سرگیجه و سنگینی سر، اختلالات جنسی، درد و خارش، اختلال در راه رفتن، اسپاسم (spasticity) یا همان سفتی و انقباض غیر ارادی عضلات اندام‌ها، اختلال بینایی، بی‌اختیاری ادرار یا مدفوع، اختلال در تفکر و پردازش اطلاعات.

بیماری ام اس یک بیماری مزمن است. امروزه درمان‌های متعددی برای این وضعیت پیشنهاد شده است و افراد باید به مدت طولانی تحت این درمان‌ها قرار بگیرند. این درمان‌ها در قالب قرص‌ها، تزریقات و تزریق پیوسته دارو (infusion) هستند و پزشک بر اساس وضعیت بیماری هر شخص، پلن درمانی خاصی برای هر فرد در نظر می‌گیرد.

## ۵ علت شایع بی‌حسی صورت

بی‌حسی صورت می‌تواند نشانه‌ای از یک وضعیت غیر طبیعی در بدن باشد. بی‌حسی (numbness) به معنای فقدان احساس یا از دست دادن احساس است. بی‌حسی صورت می‌تواند نشانه‌ای از یک وضعیت غیر طبیعی در بدن، مانند میگرن یا آلرژی باشد.

بی‌حسی در هر قسمت از بدن معمولاً در نتیجه آسیب به اعصاب یا اختلال در عملکرد آن اعصاب ایجاد می‌شود.

اختلال عملکرد اعصاب گاهی به خاطر بیماری زمینه‌ای یا یک واکنش آلرژیک است، با این وجود این عارضه ممکن است تنها پاسخ بدن به سرمای شدید باشد.

در این مقاله ۵ علت بی‌حسی صورت و راه‌های درمان آن و زمان مراجعه به پزشک، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### علل بی‌حسی صورت

**۱. میگرن**  
میگرن نوعی سردرد شدید با علائم همراه دیگر است. افراد ممکن است در مرحله سردرد یا یکی دیگر از مراحل میگرن، به بی‌حسی صورت دچار شوند.

میگرن چهار مرحله دارد: مرحله پیش‌درآمد میگرن (prodrome): این مرحله شامل علائم هشدار دهنده و زودرس میگرن از جمله ولع غذا خوردن، تغییرات خلقی توجیه نشده، خمیازه‌های غیر قابل کنترل، احتیاس مایع در بدن و افزایش ادرار است.

مرحله هاله بینایی (aura): در این مرحله افراد ممکن است جرقه‌های نورانی یا خطوط زیگزاگی را در محدوده بینایی خود مشاهده کنند.

مرحله سردرد (headache): سردرد میگرنی معمولاً یکطرفه است و به طور معمول با حرکت فرد، این درد تشدید می‌یابد. در این مرحله افراد ممکن است درد ضربان دار یا احساس نبض زدن در سر را تجربه کنند.

مرحله نهایی (postdrome): در این حالت افراد تا یک روز پس از سردرد میگرنی، دچار خستگی، ضعف و گیجی هستند.

دیجی حملات میگرنی، رعایت نکات زیر می‌تواند مفید باشد:

استراحت با چشمان بسته در یک محیط تاریک، نوشیدن آب فراوان، قرار دادن پارچه خنک یا بسته یخ روی پیشانی، بی‌حسی صورت در میگرن، معمولاً پس از گذشت دوره حملات میگرنی، برطرف می‌شود.

### ۲. آلرژی‌ها

واکنش‌های آلرژیک زمانی اتفاق می‌افتند که سیستم ایمنی بدن به مواد آلرژن یا آلرژی‌زا واکنش نشان می‌دهد. آلرژن‌ها مواد خارجی هستند

پرش عضلانی (twitches)، ضعف عضلات صورت، ناتوانی در احساس یا حرکت نیمه‌ای از صورت، افتادگی پلک و گوشه‌ی دهان، تغییر در حس چشایی، احساس درد و ناراحتی در اطراف فک و پشت گوش، احساس وز وز در یک یا هر دو گوش، سردرد، افزایش حساسیت به صدا، مشکلات گفتاری، سرگیجه، اختلال در خوردن و آشامیدن.

علاوه بر علائم گفته شده، افراد مبتلا به فلج بل، ممکن است بی‌حسی صورت را هم تجربه کنند.

### ۴. سکتته مغزی

سکتته مغزی انواع مختلفی دارد، اما فارغ از نوع سکتته مغزی، این عارضه باید به سرعت تحت درمان و اقدامات پزشکی قرار گیرد. سکتته مغزی هموارژیک یا خونریزی دهنده، زمانی اتفاق می‌افتد که یک رگ تغذیه کننده مغز پاره شود. از طرف دیگر، سکتته مغزی ایسکمیک یا انسدادی معمولاً در نتیجه انسداد رگ‌های مغزی یا لخته خون و یا تنگ شدن این عروق به خاطر پلاک‌های



## مردان شاخص



### رضا سوخته‌سرایي

(۱۳۲۹ - دارکلاته فند رسک)

دارنده بازوبند پهلوانی سال ۱۳۵۴ رضا سوخته‌سرایي کشتي‌گیر بازنشسته ایرانی است که توانایی شرکت در هر دو رشته آزاد و فرنگی را داشت. وی سومین ورزش‌کار موفق ایرانی در تاریخ بازی‌های آسیایی با ۳ مدال طلا و یک مدال نقره پس از اسکندر فیلابی و احسان حدادی با ۴ مدال طلا است.

سوخته‌سرایي یکی از بهترین کشتي‌گیران دسته فوق سنگین تاریخ کشتي ایران به‌شمار می‌رود، با این‌که رشته تخصصی او کشتي آزاد بود اما در کشتي فرنگی نیز سابقه قهرمانی بازی‌های آسیایی را دارد. اوچ دوران ورزش قهرمانی او در دهه ۱۳۶۰ بود که ایران کمتر در رقابت‌های بین‌المللی حاضر می‌شد و سوخته‌سرایي به همین دلیل رقابت‌های قهرمانی جهان متعدد در دهه ۱۹۸۰ و پرچم‌دار کاروان ورزشی ایران در ۳ دوره بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بود که در هر سه دوره نیز به مدال طلا رسید.



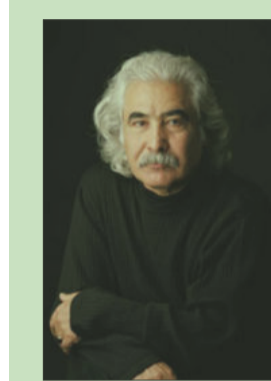
### جدیدترین عوامل ژنتیکی الزایمر

دانشمندان طی تحقیقات جدید خود، به عوامل ژنتیکی الزایمر پی برده‌اند. آنها همچنین به مکانیسم‌های جدید بیولوژیکی که منجر به این بیماری عصبی می‌شوند نیز دست یافته‌اند. در حال حاضر حدود ۵.۷ میلیون نفر در آمریکا مبتلا به الزایمر هستند. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده در مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری (CDC)، در سال ۲۰۶۰ این رقم به ۱۳.۹ میلیون نفر نیز خواهد رسید. ژن‌ها نقش مهمی در ابتلای فرد به الزایمر ایفا می‌کنند و عوامل ژنتیکی الزایمر در بروز بیماری نقش مهمی دارند. محققان تخمین می‌زنند ۶۰ تا ۸۰ درصد بیماری زمینه‌ای ارثی دارند. بنابراین شناسایی ژن‌هایی که افراد را در معرض خطر الزایمر قرار می‌دهند یک تلاش علمی بسیار مهم است. محققان تاکنون، طی مطالعات، بیش از ۲۰ ژن مرتبط با این بیماری را کشف کرده‌اند. لذا دانشمندان دانشگاه‌های مختلف به دنبال شناسایی بیشتر عوامل ژنتیکی الزایمر هستند. طی مطالعات گسترده ژنومی دکتر پستوما از دانشگاه در آمستردام و همکارانش بر روی بیش از ۴۵۵ هزار نفر از اروپایی‌ها، در برخی از آن‌ها قبلاً الزایمر تشخیص داده شده بود و برخی نیز پدر و مادرشان سابقه ابتلا به الزایمر داشتند. در نتیجه این بررسی‌ها محققان به ۲۹ لوکوس ژنتیکی مرتبط با الزایمر در ژنوم پی بردند که ۹ مورد از این لوکوس‌ها جدید هستند. این ژن‌های تازه شناخته شده، مکانیسم‌های بیولوژیکی احتمالی موثر بر الزایمر را توجیه می‌کنند. به عنوان مثال، دانشمندان استفاده از تغییراتی را در ژن‌های یافت‌ها و سلول‌هایی که گل گاوزبان جراحی خواهد نقش مهمی در سیستم ایمنی ایفا یک گیاه علفی می‌کنند، یافته‌اند.

به طول ۷۰ - ۴۰ سانتی متر است. این گیاه در مزارع و گاهی زمین‌های بایر می‌روید. منشأ اولیه آن دمشق بوده است. گل گاوزبان دارای طبیعت گرم و اثر نشاط آور و آرامش بخش است. دم کرده گل گاوزبان به همراه کمی لیمو عمانی، یک دمنوش مناسب برای مقابله با سرماخوردگی است. از تجزیه شیمیایی گیاه گل گاوزبان مهم‌ترین ماده‌ای که به دست می‌آید نیترات دو پتاس می‌باشد و بیشتر خواص آن مربوط به این ماده است. گل گاو زبان گیاهی طبعی است که تقریباً تمامی اجزای



### مرد روز



ایرج جنتی عطایی

تو شکوه دمیدن نوری که نشسته به سینه‌ی آب تو صدای شکفتن روزی، که رسیده ز قله‌ی خواب تو گذشتی از باران‌ها، از بیکران‌ها تو رسیدی از آن سوی دریا گل و عشق و ترانه رسید گل‌بخ - از نسیم تو پژمرد دل غنچه به سینه تپید تو بمان، تو بمان، تو بمان ای همیشه بهار ای شکوه سبزه زار.

## درمان زخم پای دیابتی و مراقبت‌های آن

هردوی آن‌ها ممکن است همراه با عوارضی باشند: «زخم و اولکر روی پاها که بهبود نمی‌یابد»، «عفونت‌های پوست و استخوان و آبسه»، «گانگرن (زمانی که عفونت موجب مرگ بافت‌ها می‌شود)» «تغییر شکل پاها» پای شارکوت، زمانی که شکل پاها با تغییر شکل استخوان‌ها، تغییر می‌کند، و یا ممکن است انگشتان پا برگردد و حتی بشکند.

گاهی پزشک می‌تواند عوارضی مثل عفونت را بازگرداند. با این حال، بعضی عوارض مانند گانگرن دائمی هستند و بازگردانده نمی‌شوند. هم‌چنین ممکن است پزشک در صورت مشاهده گانگرن، تصمیم به قطع عضو بگیرد.

### چه زمان پزشک را ببینیم؟

افراد دیابتی به طور منظم باید تحت نظر پزشک باشند. با این حال هر کسی متوجه تغییرات زیر در خود شد، باید سریعاً به پزشک مراجعه کند:

افراد دیابتی در معرض مشکلات پا قرار دارند. این مشکلات به علت بالا بودن طولانی‌مدت غلظت قند در خون ایجاد می‌شوند. نوروپاتی دیابتی و بیماری‌های عروق محیطی دو مشکل اصلی برای پا در بیماران دیابتی هستند که هر دو می‌توانند بسیاری جدی باشند.

### مشکلات پا در دیابتی‌ها

دو مشکل اصلی در رابطه با پای افراد دیابتی ایجاد می‌شود:

### نوروپاتی دیابتی

در طول زمان، دیابت به اعصاب آسیب می‌رساند و در نتیجه موجب بی‌حس شدن پاها در این افراد می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود که فرد تحریک، درد و عفونت را در پای خود به سختی احساس کند. هنگامی که پای آن‌ها را لمس می‌کنید، واکنشی نشان نمی‌دهند. این بی‌حس بودن می‌تواند خطر بریدگی، درد و تاول را افزایش دهد. اگر فردی درمانی برای عفونت دریافت نکند، می‌تواند زخم‌ها گانگرن پیشرفت کند. اگر در فردی گانگرن پیشرفت کند، ممکن است اجباراً عضو را قطع کنند.

### بیماری عروق محیطی

دیابت می‌تواند در عروق خونی تغییراتی ایجاد کند. در این بیماری، چربی در عروق رسوب کرده و رگ‌های درون قلب و مغز را مسدود می‌کنند. هم‌چنین در عروق نواحی انتهایی بدن مثل دست‌ها و پاها نیز ممکن است این اتفاق رخ دهد و در نتیجه جریان خون آن‌ها کاهش یابد. این کاهش جریان خون می‌تواند موجب درد، عفونت و زخم‌هایی شود که دیر بهبود می‌یابند. اگر در یک فرد عفونت شدت یابد، ممکن است پزشک مجبور به قطع عضو شود.

### علائم:

علائم پای دیابتی در هر فرد با افراد دیگر متفاوت است و ممکن است به مسائل خاصی که برای آن فرد در آن زمان اتفاق افتاده است بستگی داشته باشد. با این وجود علائم آن می‌تواند موارد زیر باشد:

«بی‌حسی»، «لمس شدن یا حس غلغلک»، «زخم‌های بدون درد»، «رنگ‌پریدگی و تغییرات دما»، «رگه رگه‌های قرمز»، «خارش دردناک»، «رنگ جوراب شدن»

اگر عفونت به وجود آید، فرد ممکن است علائم زیر را تجربه کند:

«تب»، «سردی»، «قند خون غیرقابل کنترل»، «لرز»، «قرمزی» هر فردی که دیابت دارد، اگر علائم عفونت را مشاهده کرد، به خصوص اگر روی پا باشد، باید اورژانسی تحت درمان قرار گیرد.

### عوارض:

نوروپاتی دیابتی و بیماری عروق محیطی، بیماری‌های جدی هستند که پزشک باید به طور مرتب از نزدیک آن را تحت نظر داشته باشد.

## خواص و مضرات گل گاوزبان

یک نوشیدنی مناسب برای بهبود حال بیمار است. گل گاوزبان در درمان سرفه‌های مزمن، وقفه‌های تنفسی و آسم‌های خفیف نیز موثر است. در درمان سرفه‌های خشک می‌توان گیاه گل گاوزبان را با بابونه، سنبل‌الطیب، شقایق مخلوط نموده و دم کرده حاصل از این چند گیاه را روزی ۳-۲ بار بنوشید. طرز تهیه دم کرده گل گاوزبان و لیمو عمانی:

مواد لازم: گل گاوزبان: ۳ قاشق غذاخوری لیمو عمانی: ۲ عدد عسل: ۲ قاشق مرباخوری در هر لیوان آب جوش: ۴ لیوان

### طرز تهیه:

لیمو عمانی‌ها را سوراخ کرده و یا از وسط نصف کنید، به همراه گل گاوزبان و آب جوش در قوری چینی بریزید و اجازه دهید روی حرارت ملایم به مدت ۳۰ دقیقه دم بکشد. سپس دم کرده را در یک لیوان و یا فنجان بزرگ بریزید عسل را بیفزایید و هم بزیند تا کاملاً حل شود، حال به آرامی میل کنید.

### مضرات گل گاوزبان

مصرف این گیاه در دوز زیاد یا دراز مدت، به دلیل داشتن مواد شیمیایی خطرناکی به نام الکلوتید های پیرولیزیدینی (PAS) می‌تواند باعث بروز سرطان کبد و یا آسیب به این عضو حیاتی شود. به دلیل داشتن الکلوتید های پیرولیزیدینی (PAS) زنان باردار باید حد الامکان از مصرف این گیاه خودداری کنند، زیرا این ماده شیمیایی ممکن است باعث خطرناک از طریق شیر مادر به نوزاد وجود دارد.

مصرف روغن گل گاوزبان ممکن است باعث افزایش و طولانی شدن مدت زمان خونریزی شود، به همین دلیل استفاده از آن بر روی زخم‌ها باید بسیار با احتیاط انجام شود. مصرف گل گاوزبان ممکن است در بعضی از افراد باعث بروز بیماری های کبدی شود.

افرادى که بر روی آنها عمل جراحی انجام شده است، در صورت مصرف گل گاوزبان، احتمال خونریزی در آن‌ها افزایش می‌یابد، به همین جهت حداقل تا ۲ هفته پس از جراحی باید از مصرف این گیاه خودداری کنند، زیرا این گیاه تا حدی خون را رقیق می‌کند.



wikipedia

و در بعضی از کشورها آن را داخل سالاد می‌ریزند.

### دم کرده گل گاوزبان

در معالجه تب‌های دانه‌ای مانند سرخک، آبله مرغان مصرف دم کرده آن با لیمو عمانی اثر شفا بخشی دارد. این دم کرده در درمان درد های ناشی از سنگ کلیه و دفع سنگ مثانه نیز بسیار مفید است. اگر دچار آلرژی‌های فصلی می‌باشید توصیه به مصرف دم کرده گل گاوزبان است. دم کرده گل گاوزبان برای درمان جوش‌های دهان، آفت دهانی بسیار نافذ است. گاهی اوقات سرفه‌های فصل سرما را هیچ قرص و شربتى درمان نمی‌کند، اما تجویز یک جوشانده سنتی مانند گل گاوزبان به صورت مرجمی قوی عمل خواهد کرد. دم کرده گل گاوزبان به همراه کمی لیمو عمانی، یک دمنوش مناسب برای مقابله با سرماخوردگی است. این دمنوش به شرط ترش نبودن به خصوص در ابتدای شروع علائم سرماخوردگی،



منظور جلوگیری از تغییر شکل پاها تجویز کنند. هم‌چنین از پوشیدن جوراب‌های خیلی تنگ که می‌توانند جریان خون پا را دچار مشکل کنند، خودداری کنید.

جریان خون جاری به پاهاى خود را افزایش دهید. هنگام نشستن پاهاى خود را بالا ببرید، انگشتان پا را به طور مرتب خم کنید و ورزش دهید. این عمل می‌تواند جریان خون سالم‌تری را به سوی پاها روانه کند.

ناخن‌های خود را با دقت کوتاه کنید. ناخن‌های خود را صاف و کوتاه نگه دارید. کناره‌های ناخن‌های گرد می‌تواند مکان مناسبی برای ایجاد عفونت باشد.

پای خود را در معرض دماهای خیلی سرد یا خیلی گرم قرار ندهید؛ زیرا ممکن است منجر به آسیب شود.

معاینات منظم پاها را انجام دهید. معاینات منظم توسط پزشک برای جلوگیری از عفونت، قطع عضو و ناهنجاری‌های شدید، مهم است. قند خون خود را کنترل کنید. سیگار نکشید.

### خواص درمانی گل گاوزبان

برای گل گاو زبان فواید زیادی نام برده‌اند، مهم‌ترین آن‌ها که به اثبات رسیده و تقریباً تمامی اطبا از گذشته تا حال بر آن توافق دارند، عبارت است از:

تقویت کننده اعصاب و روان و حواس پنجگانه و نشاط آور است. تصفیه کننده خون است. آرام کننده اعصاب است. عرق آور است. ادرار آور است. کلیه‌ها را تقویت می‌کند. سرماخوردگی را برطرف می‌کند. برگ تازه گل گاو زبان برای درمان جوش‌های چرکین دهان اطفال، برفک، سستی بیخ دندان و رفع حرارت دهان موثر است. عرق گل گاوزبان برای امراض

## علیرضا فیروزجا نابغه شطرنج ایران از این پس برای فرانسه بازی می کند



علیرضا فیروزجا عضو باشگاه شطرنج شهر شارتر فرانسه

● علیرضا فیروزجا که در فرانسه زندگی می کند اعلام کرد از این پس با پرچم فرانسه در مسابقات شطرنج بازی خواهد کرد.

● ژان پیر ژرژ شهردار شهر «شارتر» فرانسه: فیروزجا یک شطرنج باز استثنایی است. من تمامی بازی هایش را از طریق اینترنت دنبال کرده ام. او به ندرت مطابق با توصیه های کامپیوتر بازی می کند. هیچگاه بازی مساوی را نمی پذیرد و حاضر به خطر کردن است.

در مسابقات مختلف شرکت کند. فیروزجا درباره کشور آینده اش گفته است: «با توجه به اینکه هم اکنون در فرانسه هستم و در این کشور زندگی می کنم، برای فرانسه بازی خواهم کرد.»

به این ترتیب یک نابغه شطرنج که سرمایه فکری و ورزشی بود مانند هزاران هزار دانایی و توانایی دیگر ایرانیان از کف کشور رفت.

خبرگزاری تسنیم نوشت درخواست تغییر تابعیت از سوی علیرضا فیروزجا شطرنج باز نوجوان ایرانی، مهمترین خبر غیرفوتبالی در ورزش ایران طی چند روز اخیر بوده است. فیروزجا که متولد ۱۳۸۲ است، اینک در صدر رده بندی شطرنج بازان رده ۱۶ سال جهان و در رتبه دوم شطرنج جوانان جهان قرار دارد.

شده است.»

ژان پیر ژرژ می گوید: «فیروزجا یک شطرنج باز استثنایی است. من تمامی بازی هایش را از طریق اینترنت دنبال کرده ام. او به ندرت مطابق با توصیه های کامپیوتر بازی می کند. هیچگاه بازی مساوی را نمی پذیرد و حاضر به خطر کردن است.» وی در مورد آینده این جوان شانزده ساله می گوید: «هیچکس نمی تواند پیش بینی کند. شاید تا دو سال دیگر همه را بزند و به شخصیتی تبدیل شود که مثلا با پله در دنیای فوتبال قابل مقایسه باشد.»

پیش از این پرهام مقصدولو و محمدامین طباطبایی دو عضو تیم ملی شطرنج ایران با وجود فشار فدراسیون شطرنج قبول نکردند که از بازی با حریفان اسرائیلی انصراف دهند. فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که به دنبال این رفتار خودسرانه هیچ شرکت کننده ای را به مسابقات جهانی شطرنج شارتر آوردم. علیرضا فیروزجا که در ۱۴ سالگی به عنوان استاد بزرگ شطرنج دست یافت، از چند ماه قبل در شهر شارتر فرانسه مستقر

علیرضا فیروزجا شطرنج باز ۱۶ ساله ایرانی بعد از کسب رتبه دوم جهانی در مسابقات قهرمانی شطرنج سریع اعلام کرد که قصد دارد از این پس برای کشور فرانسه بازی کند.

روز یکشنبه ۸ دی، خبرگزاری ایسنا با انتشار خبر کسب مدال نقره توسط علیرضا فیروزجا در مسابقات سریع شطرنج قهرمانی جهان، از قول او نوشت: «قدردان زحماتی که در ایران برایم کشیده شده هستم.»

رقابت های شطرنج سریع قهرمانی جهان در شهر مسکو برگزار شد که با قهرمانی شطرنج باز نروژی به پایان رسید و فیروزجا در مقام دوم قرار گرفت. این شطرنج باز هفته گذشته درخواست تغییر تابعیت خود را به فدراسیون جمهوری اسلامی ایران ارسال کرده بود. بلافاصله پس از این درخواست، وبسایت فدراسیون جهانی شطرنج نشان پرچم ایران را از مقابل نام علیرضا فیروزجا حذف کرد اما پرچم جدیدی بجای آن نگذاشت. قرار بود که وی موقتا زیر پرچم فدراسیون جهانی شطرنج (FIDE)

## مجیدی پیشنهاد سرمربیگری استقلال را نپذیرفت



فرهاد مجیدی

● وقتی این سمت را قبول می کنم که هواداران بخواهند.

نکته یاد گرفته باشم، این است که ورزشکار هویت حرفه ای خود را از باشگاه و هوادارانش می گیرد. استقلال تا ابد خانه من است و با طرفدارانش احساس مشترک دارم و در هر مسیری همراهشان خواهم بود.

او ادامه داد: در دو هفته اخیر، من نیز مانند آنها روزهای بدی را گذراندم. در ضمن از باشگاه استقلال که مرا برای این کار انتخاب کرد

بعد از آنکه مسئولان باشگاه استقلال (تاج) تامین شرایط یازده گانه استراماچونی سرمربی پرتغالی این تیم را برای ادامه کار غیرممکن دانستند، احتمال انتخاب فرهاد مجیدی برای جانشینی سرمربی ایتالیایی قوت گرفت.

عده ای احتمال انتخاب فرهاد مجیدی را به عنوان سرمربی جدید باشگاه زیاد می دانستند. شماری نیز بعید می دیدند که وی در شرایط کنونی این سمت را بپذیرد و هنگامی که یکشنبه شب مجیدی به این پیشنهاد نه گفت، معلوم شد حدس گروه دوم درست بوده است.

فرهاد مجیدی وقتی به این پیشنهاد پاسخ منفی داد که همه چیز برای آغاز کار او برای هدایت تیم استقلال کاملا آماده بود. ولی در آخر وقت روز یکشنبه، وی با انتشار متنی در صفحه اینستاگرامش از عدم قبول این مقام خبر داد و نوشت: در ورزش اگر یک



تعداد زیادی از زنان در این تجمعات شرکت کردند

## استراماچونی نامزد بهترین مربی «اودینزه» در ده سال گذشته



آندره آ استراماچونی

● سرمربی ایتالیایی دستمزد خود را بالا خواهد برد؟

باشگاه استقلال (تاج) که با اطمینان از قبول سرمربیگری این تیم از سوی فرهاد مجیدی، قید ادامه گفتگو و تامین شرایط یازده گانه استراماچونی سرمربی ایتالیایی خود را زده بود، بعد از خودداری مجیدی از قبول این پست دوباره مذاکره با استراماچونی را از سر گرفت و هم اکنون نمایندگان استقلال سعی دارند به نوعی با سرمربی ایتالیایی به توافق برسند.

در همین حال رسانه های ایتالیایی خبر دادند که استراماچونی نامزد دریافت عنوان بهترین مربی دهه گذشته باشگاه «اودینزه» شده است.

این باشگاه روز سه شنبه اسامی چهار کاندیدای دریافت عنوان بهترین سرمربی ده سال اخیرش را اعلام نمود که نام آندره آ استراماچونی نیز در بین آنها دیده می شود. او بعد از ترک باشگاه اینترمیلان به اودینزه از لیگ برتر ایتالیا پیوست. وبسایت توتو اودینزه نوشته است: در کارنامه سرمربی سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ اودینزه ۱۲ برد، یازده تساوی و ۱۸ شکست در ۴۱ مسابقه دیده می شود. در کنار نام استراماچونی، نام فرانچسکو گویدولین از نامزدهای سرمربیگری تیم آرسنال نیز به چشم می خورد که سه فصل متوالی با اودینزه در مسابقات قهرمانی اروپا حضور داشته است. یوئیچی دل تری و ایگور تودوره دو کاندیدای دیگر کسب این عنوان هستند.

نیامدن او از شرایط یازده گانه اش وجود دارد.

نزدیک به سه هفته از کشمکش باشگاه استقلال و استراماچونی می گذرد. طولانی شدن این ماجرا بر نقل و انتقالات نیم فصل استقلال، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته است.

به هر حال به دنبال پاسخ منفی فرهاد مجیدی به پیشنهاد باشگاه، مسئولان استقلال بار دیگر به سراغ وکیل استراماچونی رفتند و او را تشویق کردند تا شرایط بازگشت خود به ایران را آسانتر کند.

رحمان رضایی، خلیل زاده و علی خطیر نمایندگان استقلال در مذاکرات طولانی با وکیل استراماچونی سعی کردند یازده شرط مربی ایتالیایی را تا آنجا که ممکن است تعدیل کنند اما وی هنوز به پیشنهاد استقلالی ها جواب قانع کننده نداده است.

استراماچونی در مدت کوتاه سرمربیگری استقلال، نتایج خوبی به دست آورد و در بین هواداران این تیم محبوبیت فراوانی کسب کرد. البته او نیز مانند دیگر مربیان خارجی در ایران با مشکل دریافت دستمزد روبرو شد. مشکلاتی که نتیجه تحریم های سنگین آمریکا و برخی دیگر کشورهاست. بطوری که کارلوس کیروش سرمربی پیشین پرتغالی تیم ملی هنوز نتوانسته بخشی از طلب خود را از فدراسیون فوتبال ایران دریافت کند.

نتایج مذاکرات نمایندگان استقلال (تاج) در رم با استراماچونی هنوز اعلام نشده است. استراماچونی گفته به محض رسیدن به توافق، راهی ایران خواهد شد. با حضور این مربی در فهرست بهترین سرمربیان ده سال گذشته تیم دسته اول، احتمال کوتاه

## دخالت نیروی های امنیتی در تجمع اعتراضی هواداران «استقلال»؛ شعار علیه بی کفایتی مسئولان و وزیر ورزش



تجمع هواداران تاج علیه وزیر ورزش و مسئولان باشگاه

● ایسنا نوشته حضور نیروهای امنیتی مقابل ساختمان باشگاه باعث شد که هواداران معترض مجبور شوند به کوچه های اطراف بروند و آنجا شعار بدهند.

● طرفداران تیم استقلال (تاج) همچنان خواستار بازگشت استراماچونی به این تیم هستند.

● فرهاد مجیدی قید سرمربیگری آبی پوشان را زد و پیشنهاد مدیران باشگاه را قبول نکرد.

● علی خطیر از مسئولان پیشین باشگاه مامور مذاکره مجدد با استراماچونی شده و قرار است با وکیل او در قطر دیدار کند.

● پلیس ضدشورش از تجمع هواداران مقابل ساختمان این باشگاه قدیمی ایران که در دوران جمهوری اسلامی به فلاکت افتاده جلوگیری کرد.

گروهی از هواداران تیم استقلال (تاج)، روز شنبه ۷ دی ماه، در اعتراض به کناره گیری آندره آ استراماچونی سرمربی ایتالیایی این تیم و سوء مدیریت در مقابل وزارت ورزش و دفتر باشگاه دست به اعتراض زدند.

هواداران استقلال (تاج) با پلاکاردهایی که در دست داشتند علیه مسئولان باشگاه و محمود سلطانی فر وزیر ورزش شعار می دادند که نیروی انتظامی مانع آنها شد و اجازه نداد که مقابل باشگاه تجمع کنند.

ولی هواداران استقلال در گوشه های دیگر از خیابان تجمع کرده و شعار دادند، «مدیر بی کفایت، نمی خوایم، نمی خواهیم»، «وزیر بی کفایت، نمی خواهیم، نمی خواهیم» و «عدالت، عدالت کجایی!» آنها خواستار استعفای اعضای هیات مدیره باشگاه از جمله خلیل زاده و منزوی هستند.

گروهی دیگر از هواداران استقلال (تاج) نیز در مقابل ساختمان وزارت ورزش حوالی پل مدیریت تجمع

کردند و علیه وزیر ورزش شعار دادند. آخرین گزارش ها حاکیست میرشاد ماجدی از اعضای هیأت مدیره باشگاه و یکی از مخالفان استراماچونی استعفا داده است.

اسماعیل خلیل زاده سرپرست این باشگاه علی خطیر معاون اسبق استقلال را مامور مذاکره مجدد با وکیل استراماچونی کرده تا شرایط بازگشت او به جمع آبی پوشان فراهم شود. فرهاد مجیدی که اعلام شد برای در دست گرفتن سکان هدایت تیم بعد از استراماچونی با مسئولان باشگاه قرارداد داخلی امضا کرده از همکاری با استقلال انصراف داد و قید نشستن روی نیمکت این باشگاه قدیمی ایران را که در دوران جمهوری اسلامی به فلاکت افتاده زد.

هواداران تیم استقلال (تاج) گرچه با برخورد بد نیروی انتظامی مواجه شدند اما تا ظهر شنبه همانجا مانده و شعار دادند و استراماچونی را با سرودهای دستجمعی تشویق کردند.

علی خطیر درباره اینکه از سوی باشگاه استقلال مامور مذاکره با استراماچونی شده است، به رادیو تهران گفت: «بعد از اتفاقی که برای استراماچونی افتاد، تحلیل نادرستی ایجاد شد که وی به خاطر پول رفته است. من می دانستم که مشکل اساسی استراماچونی پول نیست. بعد از آن سفارت ایران در ایتالیا، وزارت ورزش و مسئولان باشگاه تلاش کردند استراماچونی را با پرداخت مبلغ مد نظر برگردانند. خوشبختانه آن پول هم به حسابش واریز شد. چون قراردادش در هشتم دسامبر فسخ شده

بود، باید قرارداد جدید بسته می شد که بندهای جدیدی به آن اضافه می شد تا اتفاقات گذشته تکرار نشود و یکسری مسائل مثل پرداختی به بازیکنان هم در آن دیده می شد.»

وی با بیان اینکه روز یکشنبه مذاکره ای با وکیل استراماچونی در قطر خواهد داشت، ادامه داد: «قرار شد با وکیل استراماچونی روی یکسری موارد کار کنیم. اگر بشود استراماچونی یک مقدار شرایط را تلطیف کند و با شرایط خوب او را روی نیمکت داشته باشیم.» البته بعضی رسانه ها نوشته اند این جلسه قرار است در رم ایتالیا برگزار شود.

گروهی از هواداران استقلال در تجمع امروز مقابل وزارت ورزش شعار دادند: «تا استرا نباشه، هر روز همین بساطه» و «سلطانی فر حیا کن استقلال رو رها کن.»

این اعتراض بازتاب زیادی در رسانه ها پیدا کرد به ویژه آنکه با فراخوان قبلی در شبکه های اجتماعی برگزار شده بود. خبرگزاری ایسنا گزارش داد که هواداران استقلال از چند روز پیش برنامه ریزی کرده بودند که ساعت ۱۱ روز شنبه مقابل ساختمان باشگاه تجمع کنند و به اوضاع مدیریتی این باشگاه اعتراض کنند.

بر اساس این گزارش حدود ۶۰۰ هوادار مقابل ساختمان باشگاه استقلال (تاج) آمدند اما حضور نیروهای امنیتی در مقابل ساختمان باشگاه باعث شد که هواداران معترض مجبور شوند به کوچه های اطراف بروند و آنجا شعار علیه مسئولان بی کفایت بدهند.



## تأملات بهنگام؛ در باب «اصل حاکمیت قانون»



قدرتمندان و توانگران یک سرزمین را تنها در محدوده قانون به رسمیت می‌شناسد.

بنا بر اساس «اصل حاکمیت قانون»، همه صاحبان قدرت و کارگزاران دولت، حقوقی برابر با دیگر شهروندان دارند و موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها، هیچ حقی فراتر از باقی شهروندان کشور به آنها نمی‌بخشد. روابط میان حکومت و شهروندان، تنها به وسیله قانون تعریف می‌شود و اراده هیچ صاحب قدرتی فراتر از چنین قانونی، نافذ نیست.

آنچه از این مختصر حاصل می‌شود،



حاکمیت قانون در جوامعی که احکام شریعت در آنها حاکم است یا حاکمان آنها مشروعیت خود را به هذیان‌های آخرالزمانی، ماوراءالطبیعی و آلهی می‌پیوند زده‌اند، ممکن نیست و با هیچ چسب و سربشی هم نمی‌توان این اصل زمینی و انسانی را به «احکام الهی» پیوند زد.

این است که حاکمیت قانون در جوامعی که احکام شریعت در آنها حاکم است یا حاکمان آنها مشروعیت خود را به هذیان‌های آخرالزمانی، ماوراءالطبیعی و آلهی می‌پیوند زده‌اند، ممکن نیست و با هیچ چسب و سربشی هم نمی‌توان این اصل زمینی و انسانی را به «احکام الهی» پیوند زد. دوپست و چهل و چهار سال پیش، در چنین ایامی، در روزهای نخست ژانویه سال ۱۷۷۶ میلادی، توماس پین (Thomas Paine) اندیشمند انگلیسی - آمریکایی، رساله ارجمند «عقل سلیم» (Common Sense) را منتشر کرد که در کوتاه مدتی، به اثرگذارترین متن هواداران انقلاب آمریکا علیه استبداد بریتانیا بدل شد. او در قسمتی مشهور از این رساله، در باب «حاکمیت قانون» چنین می‌نویسد: «... در آمریکا، قانون، پادشاه است. زیرا همانگونه که در حکومت‌های مطلقه، [اراده] سلطان [استبداد] قانون است، بایستی که در کشورهای آزاد، قانون، پادشاه باشد و نه هیچ اسطمان دیگری» (۱).

تفاوت میان ما و آنها، هنوز در همان «یک کلمه» است.

«... in America, the law...» is king. For as in absolute governments the King is law, so in free countries the law ought to be king; and «there ought to be no other

● از آنجا که هنوز هستند یاهوسرایانی که بنا به صغارت خودخواسته یا شبادی، به ترویج مهملات متناقضی از قماش «قوانین الهی»، «حقایق ازلی» و «روشنفکری دینی» می‌پردازند و می‌کوشند تا «اصل حاکمیت قانون» را همساز با این ترکیبات متناقض توجیه کنند، بد نیست که چند سطر، مختصر و مفید به مفهوم «اصل حاکمیت قانون» اشاره شود تا تعارض آن با عبارات و اصطلاحات مهممل و متناقض این کاسبان دکان «الاهیات جدید» روشن شود.

یوسف مصدقی - میان همه دستاوردهای اندیشه مدرنیته در جوامع غربی، اجرایی شدن «اصل حاکمیت قانون» (The Principle of Rule of Law) درخشان‌ترین اثر را در بلوغ این جوامع داشته است. اهمیت این اصل چنان است که طی دو قرن اخیر، همه نظریه‌پردازان حقوق اساسی در عالم غرب، بدون استثناء، از این اصل به عنوان اساس و تکیه‌گاه اداره یک جامعه باثبات و پیشرفته نام برده‌اند و جملگی از این

اصل به عنوان بنیان حقوق اساسی جوامع دموکراتیک، یاد کرده‌اند.

در ایران بلازده‌ی ما نیز از حدود صد و پنجاه سال پیش، بودند اندیشمندان اهل دردی که کلید راهی از زندان استبداد و صغارت را در «حاکمیت قانون» دانسته و هر کدام به فراخور وسع و توان خود به روشنگری در این باب پرداخته بودند. مشهورترین این جماعت، میرزا یوسف‌خان تبریزی ملقب به مستشارالدوله بود که در اواخر عهد ناصری، منصب قنصلی ایران در تغلیس و شارژ دافری (کارداری) سفارت ناصرالدین‌شاهی را در پاریس به عهده داشت. او که در تغلیس مصاحب و رفیق میرزا فتحعلی آخوندزاده و در اروپا معاشر میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله بود، تحت تأثیر این دو انسان روشن‌اندیش، به طریق آزادپخواهی گرایید و آثاری چند در مذمت استبداد و نقد علل سیه‌روزی ایرانیان نوشت.

این آثار، در نهایت موجب گرفتاری و اسارت مستشارالدوله در زندان خوفناک عمارت رکنیه قزوین شد و بر او رفت، آنچه رفت. مشهورترین اثر میرزا یوسف، رساله «یک کلمه» است که مراد از آن واژه ارجمند «قانون» به عنوان باطل‌السرحد استبداد و مهم‌ترین عامل پیشرفت جوامع بشری است. شوربخانه صد و چند ده سال پس از مرگ مستشارالدوله، آخوندزاده و ملک‌خان، ملت ایران، از پس دو انقلاب، تجربه نابودی هزاران نفوس

## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۵۱)

احمد احرار

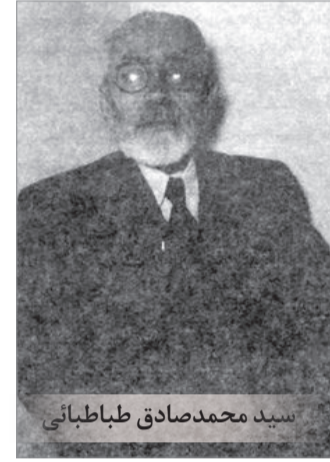
ناز نشر

(کیهان لندن شماره ۱۳۳۲)

در مشکلات خارجی از قبیل قضیه تجارتي بین روس و ایران و مسأله نفت شمال و یاس از ایجاد یک اکثریت ثابت در مجلس از کار کناره‌جویی می‌کند! البته عمر دولت جدید بیش از یک ماه بود و به چهار ماه کشید اما در تمام این مدت، کشمکش‌های سیاسی در داخل و خارج مجلس فرصت نفس کشیدن و حل و عقد مسائل اساسی را به دولت نمی‌داد.

در برنامه، یا به‌اصطلاح آن روز (پروگرام) دولت مستوفی، چنین آمده بود: «حوائج مملکت و اصول ضروریه و اقداماتی که باید از طرف دولت بشود، به‌هرکس معلوم است. پروگرام‌های دولت‌های سابق از برای اداره کردن مملکت بسیار خوب است و هیأت دولت حالیه نیز در واقع همان پروگرام‌ها را تعقیب خواهد کرد و لکن باید معلوم شود که دولت چه اقداماتی می‌کند و از برای اصلاح مملکت چه در نظر دارد. به این علت دولت این پروگرام را به‌عرض مجلس می‌رساند و تقاضای مساعدت از آقایان نمایندگان ملت در انجام آن می‌شود و این هیأت امیدوار است که با مساعدت مجلس شورای ملی این مسائل را انجام دهد: ۱- حفظ مناسبات با دول متحابه و بستن معاهدات و قراردادهای پستی و تجارتي و غیره. ۲- تسهیل وسایل تسریع در انتخابات دوره آتی. ۳- پیشنهادهای لایحه قانون سربازگیری و اصلاح امور قشونی و اسلحه و غیره

فعالیتهای هیأت مؤتلفه در مجلس و خارج مجلس موجب آن شد تا تقاضاهای افراد منفعطلب اکثریت نیز از دولت زیاد شود و چون هیچ دولتی نمی‌تواند به تقاضاهای پی‌درپی گروهی ترتیب اثر دهد، به‌تدریج از افراد اکثریت به اقلیت پیوستند و این عمل را با نوشتن کاغذی و به امضای افراد رسانیدن انجام دادند و در امضا گرفتن از افراد ناراضی تدابیری به‌کار بردند. بنابراین قوام‌السلطنه روز پنجشنبه پنجم دلو مستوفی گردید و اکثریت او به ۳۵ نفر تنزل یافت و همان روز برحسب نظر دادن اکثریت به آقای مستوفی‌الممالک از طرف شاه تشکیل دولت به مشارالیه تکلیف شد...»



سید محمدصادق طباطبائی

بیست روز طول کشید تا مستوفی‌الممالک موفق به تشکیل کابینه شد (۲۶ بهمن ۱۳۰۱) و وزرای

عمر دومین کابینه قوام در پنجم بهمن ماه ۱۳۰۱ به آخر رسید. این بار نیز سلیمان میرزا سقوط کابینه را کارگردانی کرد و اقلیت مجلس را بر اکثریت فائق ساخت. عبدالله مستوفی می‌نویسد: «در آن روزها هم مثل این روزها گریه راه رضای خدا موش نمی‌گرفت و مردم کشور ما از روی ایمان و عقیده طرفدار کسی نمی‌شدند. البته اکثریتی که افراد آن به امید رسیدن خود یا رساندن کس و کار و دوستان خود به جاه و مال، دور لیدری جمع می‌شدند خیلی طرف‌اطمینان نبودند، و لیدر چنین اکثریتی اگر می‌خواست اکثریتش اوراق نشده و از هم نپاشد، باید همیشه مواظب خواهش‌ها و برآورده شدن تقاضاهای افراد باشد که افرادش را نرپوده اکثریتش را به اقلیت مبدل نکنند. مدرس که لیدر اکثریت و طرفدار قوام‌السلطنه بود، چون خود به این طرفداری ایمان داشت و از روی عقیده به او گرویده بود، باقی افراد اکثریت را هم همینطور می‌پنداشت و چندان در بند برآورده شدن تقاضاهای آنها نبود. به‌همین جهت لیدرهای اقلیت - سلیمان میرزا و سید محمدصادق طباطبائی - می‌توانستند ضعیف‌النفس‌های اکثریت را به وعده و نوید روده به قول مدرس، اکثریتش را اقلیت کنند. چنان که کابینه اول قوام‌السلطنه هم که به پشتیبانی اکثریت مدرس روی کار آمده بود به همین علت اوراق شد و «واحد یومت» دکتر مصدق و



حسن مستوفی در پنجمین دوره نخست‌وزیری خود

۴- سعی در انجام گذراندن امتیاز نفت شمال و تهیه مقدمات راه‌آهن و کوشش در ایجاد نظام امور اقتصادی و استخدام متخصصین برای فواید عامه. ۵- تدارک بودجه، اصلاح ادارات مالیه و تهیه پرداخت حقوق معوقه ادارات و مرتب کردن بانک ایران. ۶- اهتمام در امر حفظ‌الصحه عمومی ۷- تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی و قانون تجارت و ثبت اسناد و محاکمه وزرا و هیأت منصفه (مطبوعاتی). ۸- مساعدت با مستشارهای مالیه (دکتر میلسپو و همکاران آمریکایی او). ۹- توسعه معارف در کلیه نقاط مملکت. دولت مستوفی حتی مجال پرداختن به مواد اصلی این «پروگرام» را پیدا نکرد. از همان ساعت اول که برنامه دولت به بحث گذارده شد، مجلس به هم ریخت و تشنج از داخل جلسه به صحن مجلس و از آنجا به کوچه و خیابان سرایت کرد. کشمکش چنان بود که کار به زد و خورد و کلا و سیلی زدن و کیل اقلیت به گوش و کیل اکثریت کشید. بهار، که خود شاهد صحنه بوده است می‌نویسد: «در موقع تنفس، یکی از افراد اکثریت که از نطق ناطقین اقلیت (مخالف دولت) به‌شدت اوقاتش تلخ شده بود... در ضمن اعتراض به یکی از ناطقین اقلیت، دشنامی به حکومت سابق و هواداران او داد. عضو اقلیت هم سیلی سختی به او نواخت زیرا این عضو با آن که تازه در صف اقلیت قرار گرفته بود اما نظر به آن که از وکلای دوره قدیم بود درس خود را روان داشت و می‌دانست که فرد عضو اکثریت حق ندارد عوض دفاع از دولت خود، به دولت قدیم دشنام بدهد یا بهتان بزند...»

ادامه دارد»

خود را معرفی کرد: رئیس‌الوزرا و وزیر داخله: مستوفی‌الممالک وزیر جنگ: سردار سپه وزیر معارف: حاجی محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه: ممتازالملک وزیر خارجه: ذکاءالملک وزیر مالیه: نصرالملک درباره مستوفی و دولت جدید، روزنامه «نوبهار» نوشت: «آقای مستوفی‌الممالک یک مرد سیاسی صاحب‌فکر و تقوایی هستند ولی افکار ایشان بیشتر فلسفی و کلی است و به افکار تند یکی فیلسوف و شاعر بزرگواری شبیه‌تر است تا یک رجل سیاسی. این است که ایشان در چهار دفعه زمامداری خود امتحانات یکنواخت و مشابهی نداده‌اند. گاهی رشادت شدید بروز داده‌اند و گاهی بی‌اعتنایی زیاد. گاهی تردید رای فوق‌العاده، گاهی محافظه و ملاحظه‌کاری و گاهی هم خشونت و شدت. و خلاصه، آنچه بطور قطع می‌توان درباره ایشان پیش‌بینی کرد (در عین این که ایشان به یک معما شبیه‌ترند تا یک قاعده ریاضی ساده) این است که در کلیات زیادتر از حد لزوم توجه دارند و غالباً در مواقع سختی و اشکال‌های سیاست خارجی جا خالی می‌کنند و در همان حال ممکن است در یک پیش‌آمد سیاست داخلی به حد کفایت رشادت به‌خرج بدهند و از گرده یکی دو کار کوچک که قبل از تشکیل کابینه از ایشان دیده‌ایم تصور می‌کنیم دارای سیاست (عمل) هم شده و بدان معتقد شده باشند!...»

سختگیری‌های او بخصوص در مسأله اتهام غنصفرخان، باعث تفرقه آن گردید ولی بعد از کابینه مشیرالدوله، مدرس باز عده خود را جمع‌آوری کرده اظهار تمایل به قوام‌السلطنه نمود و بار دیگر او را به‌ریاست وزراء رساند و در این هشت‌ماهه هم او را نگهداشت. ولی در این وقت به‌واسطه تمایل سردار سپه به حزب سوسیالیست، طبعاً ناراضی‌ها و آش اقلیت متمایل شدند و مجدداً کابینه بی‌پشتیبان ماند... «بهار» نیز بر همین عقیده است و در تاریخ مختصر احزاب سیاسی می‌نویسد: «سقوط قوام - اگر از بند و بست احمدشاه با سردار سپه و نتیدن حزب سوسیالیست به احمدشاه و ضعف روحی مشارالیه بگذریم - چند ماده اصلی داشته است. رئیس دولت نتوانست روابط خارجی خود را با روسها و انگلیس‌ها به حالت خوشی نگاه‌دارد و علت حقیقی این موضوع مزدوج، یکی قضایای اختلافات مربوط به امر تجارت بین روس و ایران بود، دیگر مسأله ترانزیت و حل نشدن قضیه دو تجارتخانه سانتروسایوز و وینشتورک (از تجارتخانه‌های روس که به‌میل خود با تجار معامله می‌کردند و اسباب فتنای اقتصادی ایران شده بودند) و دیگر، مسأله ماهیگیری بحر خزر که دولت اصرار داشت بر طبق قرارداد مصوبه رفتار شود و مسکو رضا نمی‌داد. قسمت دوم مربوط به مسأله نفت شمال و پاره‌ای انتظارات سره‌ای بود که کدورت هر دو طرف همسایگان و عملیات شدید آنان به ضدیت با دولت را موجب شد.



## در زندان حکومت اسلامی

احمدی: در رابطه با زندانی شدن لطفا بفرمایید شما چگونه و به چه علت زندانی شدید؟

طاهری: در رابطه با یورش سرتاسری به حزب توده در ۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ بود که من را به عنوان توده‌ای بازداشت و زندانی کردند.

لطفا درباره چگونگی بازداشت و بردن شما به زندان توضیح بفرمایید.

من در روز ۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ در منزل خودم بودم و سخت مریض و با تب بالا در بستر بیماری. صبح آن روز خبردار شدیم که به منزل پسرم انوشه رفتند و او را بازداشت کردند. با مطلع شدن از این جریان، سه پسرم خسرو، سیامک و بابک از منزلمان بیرون رفتند و دیگر از آن لحظه تا یک سال و نیم بعد نمی‌دانستم سرنوشتشان چه شده است. وقتی در آن روز، آن سه پسرم خانه را ترک می‌کردند، من توان حرکت نداشتم و تنها توانستم با تن خسته‌ام و با چشمانم آنان را بدرقه کنم که از در خانه بیرون رفتند. تب شدید ناشی از آنفلوآنزا بی‌رمق کرده بود. ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز عده‌ای ریختند به منزلمان. در همان حالت بیماری از آنان پرسیدم به چه دلیل و با کدام حکم و مجوزی وارد خانه‌ام شده‌اید؟ یکی از آنان گفت «ما خودمان حکمیم! در جوابش گفتم، عجب! در عمرم چنین کلمه‌ای را نشنیده‌ام که کسانی وارد منزل آدم بشوند و بگویند، ما «خودمان حکمیم». دیدم در دست یکی از آنها، نامه‌ای است که نشانم داد و مضمون کلی آن این بود که آقای طاهری را برای دادن توضیحات به دادسرا بیاورید.

شروع کردند به گشتن خانه. اعلامیه‌های زیادی بود که بچه‌ها در رابطه با اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲) تهیه کرده بودند و در طبقه سوم منزلمان بود. این پاسدارها کلید طبقه سوم را از من گرفته بودند، آنجا را هم گشتند. بعد رفتند روی صندوقی که متعلق به همسرم بود. در صندوق را باز کردند و گشتند. ۲۵ هزار تومان پول، که روی پاکت آن نوشته شده بود، امانتی که باید برای پسر عمویی به اصفهان بفرستم، آن پول را هم از درون صندوق برداشتند و ضبط کردند. به آنها اعتراض کردم، چرا روی صندوق خانم رفتید، مگر شما مسلمان نیستید؟ آن بسته پول هم امانت است که رویش هم نوشته شده، مگر داشتن پول هم جرم است؟ یا لحن شدیدی به آنها اعتراض کردم. واقعا خیلی ناراحت شده بودم. سردسته‌شان رفت و با جایی تماس گرفت. بعد از تلفن و صحبت‌هایی که با آن طرف خط داشت، متن آن صورت برداری که از کتابها و اعلامیه‌ها و پول گرفته بود، خط زد و بعد معذرت خواست و گفت، اینجا را امضا کنید که هیچگونه خسارتی وارد نشده. من دیدم که نوشته‌ای در آن بوده و همه را خط زده، امضا کردم. بعد گفت، لطفا لباستان را بپوشید و برویم. خانم هم گفت، ایشان مریض است و می‌بینید که چقدر حالش بد است و تب بالا دارد. گفت، چند تا سؤال از شما می‌خواهیم بکنیم، فوراً بر می‌گردد، خیالتون راحت باشد.

حدود ۲ - ۳ هزار تومان پول با خودم برداشتم و با سختی لباس پوشیدم. ساعت حدود ۴ بعد از ظهر بود که من را سوار ماشین کردند و یک نفر هم از قبل توی آن ماشین بود.

توی ماشین که نشستید، چشمهایتان را بستند؟

هم چشمهایم را بستند و هم یک چیزی را انداختند روی سرم و گفتند، سرتو خم کن به پایین. به سرعت حرکت کردند. از مسیر حرکت تا حدودی حدس زدم که مرا به عشرت آباد باید آورده باشند. بعد از چند ساعت، آمدند و از من عکس گرفتند و انگشت نگاری کردند. مجدداً من را سوار ماشین کردند و باز هم با چشمان بسته. ماشین حرکت کرد و بعد به مقصد که رسیدند، با همان چشمهای بسته پیاده‌ام کردند. بعدها فهمیدم که این محل، زندان کمیته مشترک است که در زمان

## خاطرات و تلخ

## خاطرات رضا طاهری در گفتگو با حمید احمدی (۱)

## طاهری: من در خط امام قرار داشتم ولی به مسجد نمی‌رفتم

## احمدی: کیانوری حتی در زمانی که هزاران زندانی سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه قرار داشتند خمینی را یک شخصیت روشن بین و ضد استبداد معرفی می‌کرد

مجموعه ۵۵ خاطرات که تا کنون گردآوری کرده‌ام - سه نسل از فعالان سیاسی و فرهنگی ایوبیسیون ایران در قرن بیستم - که به چاپ می‌رسد. راوی متولد سمنان در سال ۱۳۰۲ و از اوایل دهه ۱۳۲۰ از مسئولین جنبش دهقانی در گرمسار و روستاهای اطراف آن بوده است.

زمینه‌شنایی و سپس گفتگوی من با آقای رضا طاهری برای ضبط خاطراتشان توسط فرزند ایشان آقای دکتر عباس طاهری در برلین فراهم آمد. این گفتگو طی ۹ جلسه از تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۰ تا ۲۰ مهر همان سال در ۱۵ ساعت فیلم ویدیویی ضبط گردیده است. آقای طاهری در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۸۵ در تهران درگذشت.

از این کتاب، ما بخشی را که مربوط به بگیر و ببند توده‌ایها در سال ۱۳۶۲ و ادامه ماجرا تا کشتار بزرگ سال ۱۳۶۷ می‌شود برای صفحه «خاطرات و تاریخ» برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند. یادآور می‌شویم که حمید احمدی خود یکی از قربانیان این بگیر و ببند بود و اگر موفق به فرار نمی‌شد، او نیز سرنوشتی چون در یادار افضل‌ی پیدا می‌کرد.

چگونه شما را به عنوان توده‌ای شناسایی کرده بودند؟

مدتی طبقه سوم منزل ما، محل تشکیل حوزه‌های حزبی و فعالیت چند تاز پسرانم بود. حتی روزبه پسر کوچک من که هنوز سالهای اول دبیرستان بود یک صندوق حزب توده ایران درست کرده بود. هر مهمانی که منزل ما می‌آمد، اعانه جمع می‌کرد. چندین بار در روزنامه (مردم) ارگان حزب هم نوشتند که کمک روزبه به صندوق حزب توده. این فعالیت کوچکترین فرزندم بود. اصولاً ما به عنوان خانواده توده‌ای برای بعضی از آدمهای آن محل شناخته شده بودیم. دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در بین عوامل و خبرنگارهایشان در محله‌ها اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند و احتمالاً این گونه اطلاعات را در جدولی تنظیم کرده باشند. مثلاً وقتی من در خط امام و دفاع از انقلاب قرار داشتم ولی مسجد نمی‌رفتم و حتی با دار و دسته‌شان در مسجد درگیری هم پیدا کرده بودم که می‌گفتند، این تعاونی توده‌ای‌ها است، در واقع به این شکل و از این طریق به نحوی در لیست آنها به عنوان توده‌ای شناخته شده بودم.

واقعیت این است، آقای کیانوری از آیت‌الله خمینی با طرح مسأله به اصطلاح پنج مؤلفه «خط امام» برای توجیه سیاست خود - در قبال جمهوری اسلامی - تصویری ساخته بود که از بس آن را تکرار کرد، خود او هم غرق در این الگوی خودساخته خود شده بود. به عنوان نمونه در شهریور ۱۳۶۰ که هزاران نفر زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاههای جمهوری اسلامی زیر شکنجه‌های وحشتناک بودند و سه ماه پیش از آن خمینی گفته بود، اگر ۳۵ میلیون (جمعیت آن روز ایران) بگویند آری، من می‌گویم نه. (این سخن خمینی در رابطه با پیشنهاد آقای بنی صدر رئیس جمهور وقت برای برگزاری رفراندوم بوده است)، کیانوری حتی در آن مقطع زمانی، خمینی را یک شخصیت روشن‌بین و ضد استبداد معرفی می‌کرد.

آقای کیانوری در درون کمیته مرکزی حزب یک سیستم دیکتاتوری مطلق و تکروی به وجود آورده بود که در تاریخ کمیته مرکزی حزب توده سابقه نداشته است. او تحت عنوان سیاست اتحاد و انتقاد در قبال جمهوری اسلامی آنقدر کفه اتحاد را سنگین کرد و آن را به بدنه حزب سرایت داد که عملاً بدنه حزب توده خود را بخشی از حاکمیت می‌پنداشت.

شفاهی که وی زحمت تدوین و انتشار آن را برعهده گرفته، کوشش ارزنده‌ای است در جهت این مقصود. رضا طاهری که در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۸۵ در تهران درگذشت، یکی از فعالان توده‌ای بود. او تقریباً تمام زندگی خود را وقف آرمانی کرد که بدان عقیده داشت. رنجهای زیادی در طول بیش از نیم قرن فعالیت حزبی متحمل گشت که درباره آنها با حمید احمدی گفتگو کرده است.

بیشترین رنجها را رضا طاهری در دوران پس از انقلاب تحمل کرد، زمانی که به گمان او و آرمانخواهانی مثل او با یک رویداد انقلابی، تاریخ ایران به نفع طبقه رنجبر و زحمتکش ورق خورده و آرزوی دیرینه طرفداران حکومت خلقی تحقق پذیر شده بود.

در این دوره است که رضا طاهری و فرزندان طعم زندانهای انقلاب را می‌چشند و پسر جوانی «انوشه» در کشتار بزرگ سال ۶۷ قربانی سر پرشور و خوی آرمانجوی خود می‌شود. در مقدمه کتاب، دکتر حمید احمدی می‌نویسد:

«کتابی که در دست دارید، خاطرات آقای رضا طاهری است. این کتاب، ششمین کتاب خاطرات است از

رژیم ملایان خواستار آن است که «هولوکاست» در معرض بازبینی قرار گیرد و حقیقت امر آشکار شود که چنین حادثه‌ای در دوران تسلط نازی‌ها بر آلمان صورت گرفته یا داستانی است ساخته و پرداخته صهیونیسم بین‌المللی به قول آنان. تحقیق و بررسی درباره هر رویداد تاریخی کاری است پسندیده اما هزینه آن را هم باید در نظر گرفت. هزینه سنگین اثبات بی‌پایه بودن «هولوکاست» را به چه دلیل باید ملت ایران بپردازد که کمترین ارتباطی با قضیه نداشته است؟

در ایران اگر مرجعی برای این گونه تحقیقات وجود پیدا کرد پیش از آن که به پرونده کشتار یهودیان در دوران حکومت هیتلر بپردازد باید پرونده کشتارهای دوران خمینی را بگشاید و در معرض افشاجاری قرار دهد همان گونه که خروشچف پرونده جنایات دوره استالین را در برابر کنگره بیستم حزب کمونیست گشود.

چنین روزی سرانجام فرا خواهد رسید تا آن زمان، کاری که می‌توان کرد گردآوری مدارک و ضبط و ثبت شهادت شاهدان این جنایات است. کتاب تازه ناخدا دکتر حمید احمدی (گذر از کوههای سرهر - خاطرات رضا طاهری) ششمین کتاب از مجموعه تاریخ

شاه به کمیته مشترک ضد خرابکاری معروف بود. تب شدید و شاید به ۴۰ درجه می‌رسید، لرز هم داشتم تا صبح خوابم نبرد.

آن شب برایم شب وحشتناکی بود. یک پسر را به زندان بردند و چهار پسر دیگرم در شرایط زندگی مخفی که نگران سرنوشتشان بودم امنتور پدرم از چهارمین فرزندش من هستم که در آن زمان به عنوان جراح مغز و پی در ماموریت جبهه جنگ در بیمارستان پایگاه نیروی هوایی وحدتی در دزفول بسر می‌بردم. من شبانگاه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ از دستگیری پدر و برادرم اطلاع یافتم. روز ۸ اردیبهشت عازم تهران شدم و تا زمان خروج از کشور در ۲۵ خرداد ۱۳۶۲ زندگی مخفی داشتم. توضیح از دکتر عباس طاهری [نیاز به دستشویی پیدا کردم. یکی از این زندانیان آمد و با چشم بند به سختی از جایم بلند شدم. به من گفت، سر روزنامه را بگیر! من گرفتم و بدین ترتیب به دستشویی رفتم.

## چرا این کار را کرد؟

- از نظر آنها چون من توده‌ای و کمونیست بودم یعنی کافر و به تعبیر آنها از اسلام یک آدم نجس هستم و به بدن آدم نجس نباید دست بزنند. یک سر روزنامه دست او و سر دیگر آن را من گرفتم و بدین ترتیب به دستشویی رفتم. هر وقت دستشویی می‌خواستیم برویم باید اجازه می‌گرفتم. صبح‌ها ساعت ۶ رادسته جمعی به دستشویی می‌بردند و به ردیف با چشم بند، هر یک از ما دست راست خود را روی شانه نفر جلو می‌گذاشت و نفر اول صف توسط روزنامه‌ای که یک طرف آن دست او و طرف دیگر آن دست پاسدار زندانبان بود، می‌گرفت و سته جمعی به طرف دستشویی می‌رفتم.

## در این اطاق چند نفر بودید؟

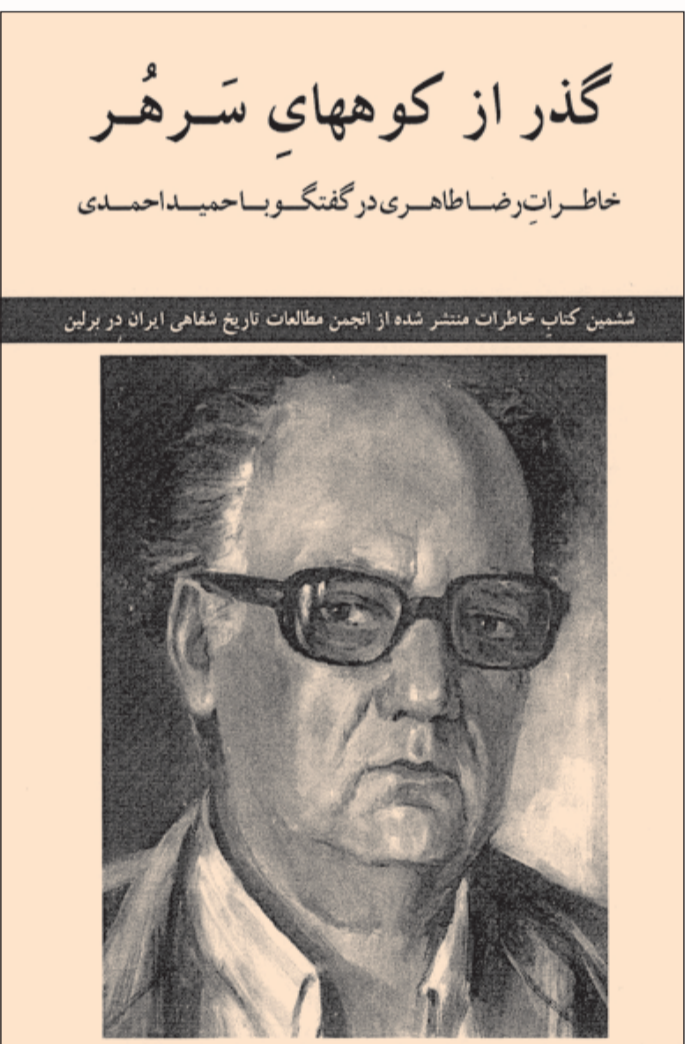
- حق صحبت کردن نداشتم و به همه کسانی که در آن اطاق بودیم چشم بند زده بودند. بنابراین، نه می‌توانستیم با یکدیگر حرف بزنیم و نه همدیگر را ببینیم. بعدها فهمیدم که ۹ نفر در این اطاق هستیم. فقط یک بار توانستم از زیر چشم بند تفرشی را در این اطاق بشناسم.

غذا به چه شکلی داده می‌شد و می‌خوردید؟

- یک پتو روی سرم می‌انداختند و سر به دیوار می‌نشستم. هر وقت غذا می‌آوردند اجازه داشتم زیر پتو چشم بند را باز کنم تا غذا را ببینم و بتوانم بخورم. می‌گفتند هر وقت غذا تمام شد، دستت را از زیر پتو بلند می‌کنی تا ما بباییم و ظرف غذا را ببریم.

بازجویی از شما چگونه انجام می‌شد؟

- دقیقاً به خاطر ندارم که فردای آن روز بود و یا یکی دو روز بعد. آمدند



## گذر از کوههای سرهر

خاطرات رضا طاهری در گفتگو با حمید احمدی

ششمین کتاب خاطرات منتشر شده از این مطالعات تاریخ شفاهی ایران در برلین



## این خانم کی بود؟

- در آن موقع فقط می‌توانستم حدس بزنم که صدای خانمی مسن بود و از اینکه به او گفت، خودت همه چیز را بهتر می‌دانی، می‌توانست خانم مریم فیروز همسر کیانوری باشد. بعداً برای من معلوم شد که او بوده است. بعد از آن، آن حاجی گفت: «هویت و تمام مسئولیت‌های خودتونو در حزب بنویسید و فکر نکنید که می‌توانید چیزی رو جا بگذارید، ما همه چیز رو می‌دونیم.»

من شروع کردم به شرح زندگیم و تا کید به همه فعالیت‌هایی که در طول این چند سال بعد از انقلاب داشتم که جز خدمت به مردم و انقلاب نبود. درباره ایجاد تعاونی‌ها نوشتم. درباره دراختیار قرار دادن بسیاری از امکانات مالی و تجربی خودم به طور رایگان در خدمت انقلاب و بعد هم در دوران جنگ که آن همه خدمت کردم یعنی همه آن مطالبی که در گفتگو با جنابعالی درباره مسایل بعد از انقلاب مطرح کردم، مطالبی به عنوان واقعیت‌های زندگیم که هم مستند بود و هم قابل اثبات برای مقامات حکومت اسلامی. مثلاً شش ماه به طور رایگان و داوطلبانه در نخست وزیری با آقای سمیعی همکاری کردم و رفتم آنجا نشستم تا بتوانیم با اجرای طرح تولید و توزیع مرغ و تخم مرغ، نیاز مردم را در آن روزهای جنگ تامین کنیم. سازماندهی ۱۶۰۰ مرغ فروشی در تهران و تاسیس ۵۰ کشتارگاه مرغ

در همین راستا بود که اعضای علنی حزب در وجه غالب در محیط کار و یا در پیرامون زندگی‌شان به عنوان توده‌ای شناخته شده بودند. او هیچ طرح سیاسی برای مقطع احتمالی یورش به حزب در نظر نگرفته بود. در اینجا، صحبت من در چارچوب همان الگوی نظری - سیاسی اتخاذ شده آن زمان کیانوری است.

والا از نقطه نظر نظری و نقد تفکر ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیکی، از پایه آن تفکر سیاسی و تشکیلاتی هیچوقت نمی‌توانست به یک ساختار و نظم دمکراتیک - چه در حوزه تشکیلات سیاسی خارج از حکومت و چه در یک نظام حکومتی - بیانجامد. حتی به فرض اینکه خط سیاسی - فکری کیانوری روزی به قدر سیاسی می‌رسید، فقط یک دیکتاتوری دیگر در پوشش کمونیسم اردوگاهی و استالینیسم جانشین دیکتاتوری وحشتناک مذهبی می‌شده است که امروز ما داریم. صادقانه تاریخ را نگاه می‌کنیم و چهره چنین بینی را به مثابه خودآگاهی انتقادی مورد بحث و گفتگو قرار می‌دهیم. البته این مسأله تنها مربوط به حزب توده ایران نمی‌شود، بلکه شامل همه جریان‌های سیاسی - ایدئولوژیک می‌شود. خواه غیرمذهبی باشد و خواه مذهبی. واقعیت این است، همه احزاب، سازمانها، گروهها و جریانهای سیاسی ایران - غیرمذهبی و مذهبی - در دوران انقلاب بهمین و سالیهای پس از آن حامل بینش ایدئولوژیک - سیاسی بودند. شاید به سختی بتوان در آن دوران موردی را استثنا کرد که سازمان سیاسی‌ای اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن را به عنوان پایه‌هایی برای یک نظام دمکراسی قبول می‌داشت. تراژدی مسلط شدن حاکمیت خمینیسم در ایران از این زاویه قابل تامل است.

نظر شما درست است. علاوه بر آن، دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی از مدتها قبل تشکیلات حزب توده و رفت و آمدها و ارتباطات و حرکت این حزب را زیر نظر داشت. به خاطر دارم، روزی آقای ترابی وکیل دادگستری به من تلفن زد تا دیداری با او در دفتر و کالتش داشته باشم.

این همان آقای ترابی است که در دوران کودکی‌اش به پدرش اصرار کرد که او را به مدرسه بفرستد؟ - بله. در جریان انتخابات دوره اول مجلس برای نمایندگی او از گرمسار فعالیت کردیم ولی فضای سیاسی و روانی محل در این دوره برای حزب توده در مقایسه با سالهای دهه ۱۳۲۰ و تا قبل از کودتای ۱۳۳۲ کاملاً متفاوت بود و در این زمان شناسی وجود نداشت. در حالی که دکتر یغمایی در ۳۰ سال پیش از گرمسار نماینده مجلس شده بود. وقتی موقع این انتخابات با آقای عمویی در این باره یعنی وضعیت مشکل تبلیغات برای حزب در گرمسار صحبت می‌کردیم، می‌گفت، باید با نرمش عمل شود. اما، واقعیت این بود که چنین زمینه‌ای وجود نداشت تا یک نفر از حزب توده بتواند وارد مجلس شود.

به هر حال، آقای ترابی به من تلفن زد این زمان مربوط می‌شود به بین دو یورش به حزب توده (۱۷ بهمن ۱۳۶۱ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲). وقتی به دیدار رفتم، گفت: «چند وقت است متوجه شده که از ساختمان روبروی دفتر و کالتش، محل او را با دوربین تحت نظر و کنترل دارند.»

حالا که صحبت آقای ترابی پیش آمد، یاد می‌آید وقتی مسأله طرح تصویب «قانون یا مقررات قصاص» پیش آمد، این آقای ترابی در کنار آیت‌الله بهشتی رئیس دیوانعالی کشور نشسته بود و عکس او هم در آن جمع مقامات قضایی کشور در کنار آیت‌الله بهشتی در روزنامه چاپ شد. او به نوعی از موضع غیرانتقادی نسبت به مقوله قصاص و یا به عبارتی یکی به میخ زدن و یکی به نعل زدن دفاع می‌کرد. یعنی در واقع از او به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کرده بودند. نمی‌دانم آیا ارزیابی من درست است. چون الان ۲۰ سال از آن زمان می‌گذرد؟

نظر شما کاملاً درست است. اقتضاح کرده بودند.

دنباله دارد

## خامنه‌ای و اردوغان دو متخاصم متحد



خودکامگان قرن ۲۱ سفلگانی مانند خامنه‌ای و اردوغان هستند

که دعواها، گرفتاری‌ها، مشکلات، کشمکش‌ها و توطئه‌ها بین دو قطب عثمانی- ایرانی هرگز متوقف نشد. اکنون اما پس از قرن‌ها بار دیگر این روح و نفس فرقه‌ای یا مذهبی در این دو کشور رشد کرده است. خامنه‌ای و اردوغان نه تاریخ را می‌خوانند و نه به جغرافیای قدیم سرزمین‌های خود می‌اندیشند این دو نمی‌خواهند از شکست‌های گذشته، مشکلات و انقلاب‌هایی که باعث متلاشی شدن دو امپراتوری گذشته کشورهاشان شد، درس عبرت بگیرند.

هنگامی که شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۱ مذهب ایران را بطور رسمی از اسلام سنی به اسلام شیعه تغییر داد، خصومت بین دو کشور علنی شد. این دشمنی زمانی بیشتر آشکار شد که صفویان مناطق غربی ایران، آذربایجان، ارمنستان و سایر قسمت‌ها را از قلمرو تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی خارج کردند. مناطقی که در واقع جزو قلمرو ایران بودند اما با تاسیس دولت عثمانی توسط عثمان اول در سال ۱۲۹۹ تحت حاکمیت دولت وی قرار گرفتند.

از زمان سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و پایان اشغال کشورهای عربی و اسلامی، دولت‌های ایران و ترکیه همیشه با هم اختلاف‌های داشتند اما این اختلاف‌ها چندان برجسته نبود و دلیل آن رویکرد دو کشور به مدرنیته کردن خود بود اما با روی کار آمدن حکومت اسلامگرایان در دو کشور کینه‌های مذهبی و تاریخی بار دیگر سر بر آورده و عمیق‌تر شده است.

از این روایت مختصر تاریخی می‌توان گفت که علی خامنه‌ای ولی فقیه خلاق اسلامی در ایران و رجب طیب اردوغان سلطان عثمانی جدید

هر دو باز هم بر اساس همان اختلافات قومی- مذهبی و منافع از جمله نفوذ در منطقه با هم اختلافات زیادی دارند. عملکرد خامنه‌ای و رقیب‌اش رجب طیب اردوغان در منطقه نشان می‌دهد که این دو وارثان وفادار و حقیقی آن تاریخ خونریز هستند. این شخصیت‌های توسعه‌طلب برای بازگرداندن چرخه زمان به عقب و احیای امپراتوری اجدادشان هستند بنابراین هر یک از آنها می‌خواهد دیگری را به نحوی نابود و از صحنه موهوم مسلمانان جهان باشد. هر یک از آنها نیز به دنبال نفوذ و سیطره بر کشورهای عربی منطقه مانند سوریه، عراق، لبنان، مصر، لیبی، یمن و فلسطین است تا آنها را به امپراتوری خیالی خود ضمیمه کند.

اردوغان و خامنه‌ای نبردهای نیابتی خونینی در سوریه علیه همدیگر به راه انداختند. این جنگ نیابتی بر هزینه از طریق گروه‌های مسلح وابسته و مأموران و جاسوسان آنها به خشونت‌بارترین درگیری‌ها منطقه تبدیل شد. تا قبل از جریان همه‌پرسی استقلال کردستان عراق که تهران و آنکارا را با هم نزدیک کرد، اردوغان و وزیران او بارها «حشد الشعبی» و دیگر شبه‌نظامیان شیعه وابسته به جمهوری اسلامی ایران را مانند داعش بلکه خطرناکتر از آن توصیف کرده بودند. اما با وجود همه این کینه‌های مذهبی، در مواقع ضروری که منافع مشترک آنها در یک مسیر قرار می‌گیرد، متحد شده و با یکدیگر همکاری می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۷

## سرنوشت FATF: برجام محصول مشترک خامنه‌ای و روحانی است؛ FATF هم بن بست مشترک نظام است!

وعده داده برای زمان صلح بوده است و نه جنگ!

به این ترتیب از اسفند ۱۳۹۸ که ایران ممکن است در فهرست سیاه قرار بگیرد تا پایان دولت دوم او که کمتر از دو سال خواهد بود، هر ضعف و بن‌بست سیاسی و اقتصادی را به گردن آنهایی خواهد انداخت که نگذاشتند ایران به FATF بپیوندد. از چه بسا تمایل دارند از زبان خامنه‌ای و در یک «حکم حکومتی» بشنوند که پیوستن به FATF منتفی است! در چنین شرایطی، بهانه‌ی روحانی و دولت طرفدارانش تأمین شده و خامنه‌ای در مقابل افکار عمومی قرار می‌گیرد.

بن‌بست جمهوری اسلامی اما مانند راه‌هایش، مشترک است! همانطور که برجام کل نظام را درگیر کرده، پیوستن یا نپیوستن به FATF نیز روحانی و خامنه‌ای نمی‌شناسد و بخش دیگری از سرنوشت کل نظام را رقم می‌زند.

### فهرست سیاه FATF کابوس مدبران و تجار و بنگاهداران

اینهمه در حالیست که اگرچه بخشی از نظام مخالف پیوستن به FATF است، اما خامنه‌ای می‌تواند با حکم حکومتی طبق معمول «فصل الخطاب» باشد و تعیین تکلیف کند. در گران کردن قیمت بنزین نیز رهبر جمهوری اسلامی برای آنکه جناح‌های نظام به جان هم نیفتند و در صف متحد در برابر مردم بایستند، از آن حمایت کرد و مسئولیت کشتار و قتل عام مردم برای فرونشاندن اعتراضات به گردن او نیز افتاد.

البته گرانی بنزین مستقیم به مردم عادی ربط داشت و نارضایتی و اعتراضات را به کف خیابان کشاند بطوری که نظام فقط با کشتار و سرکوب وحشیانه توانست بر اوضاع مسلط شود. اگر جمهوری اسلامی در فهرست سیاه FATF قرار بگیرد در مرحله نخست آن قشری از جامعه ضربه می‌خورد که در شرایط فعلی همچنان فرصت تبادلات تجاری و معامله دارند و نه نپیوستن به FATF فعالیت آنها مختل می‌شود.

اینها همان «کت و شلواوری‌ها» هستند که بسیاری از آنان در حکومت دارای رانت هستند و سال‌هاست صادرات و واردات کالا و خدمات را قبضه کرده‌اند. سود این گروه که الزاماً تعلقات سیاسی و جناحی نیز ندارند، در پیوستن ایران به FATF است. آنها با وجود تحریم‌ها هنوز «سریا» ماندند و فعالیت اقتصادی‌شان می‌چرخد و از همین شرایط هم که ایران در فهرست سیاه FATF نباشد راضی‌اند. در ضمن، بخش مهمی از این گروه همانهایی هستند که در شرایط تحریم، اجناس و کالا وارد کرده و به چندین برابر قیمت در بازار غیرمولد و اقتصاد ورشکسته‌ی کشور می‌فروشند.

اگر خامنه‌ای تصمیم بگیرد قید پیوستن به FATF را بزند در عمل مقابل این گروه می‌ایستد که با وجود رانت‌خواری و گرانفروشی و انواع سوء استفاده از جمله در ارز دولتی، در ادامه‌ی چرخه‌ی فاسد و ورشکستگی اقتصاد جمهوری اسلامی مؤثر هستند! این گروه را نمی‌شود مانند مردم عادی با گلوله و به راه انداختن حمام خون در کف خیابان ساکت کرد. نپیوستن به FATF یعنی چوب لای چرخ همین اقتصاد فاسد گذاشتن که جمهوری اسلامی را هنوز سر پا نگه داشته است! اما از سوی دیگر، پیوستن به FATF یعنی افزایش کنترل و نظارت بر اقتصاد ایران و فعالیت‌هایی که سیاه پاسداران انقلاب اسلامی بر آنها تسلط دارد! همچنین این اقدام به منزله‌ی انداختن نورافکن بر مسیرهایی است که سیاه پاسداران و باندهای دیگر نظام تحریم‌ها را دور می‌زنند و از آن طریق پول و تسلیحات به شبه‌نظامیان می‌رسانند.

علی خامنه‌ای در سه دهه دوران رهبری خود بر جمهوری اسلامی، هر بار که با بحران روبرو شد، گروهی را برای عبور از آن قربانی کرد. بن‌بست FATF اما بحرانی فراگروهی است و جمهوری اسلامی هر تصمیمی که بگیرد و هر گروهی را که قربانی کند، قدم به یک بحران عمیق‌تر خواهد گذاشت!



خوشحالی حامیان روحانی پس از امضاء برجام در خیابان‌های تهران

درد، مفاسدی هم دارد. روی ترازو باید گذاشت. به نظر من خطر امنیتی‌اش بسیار شدیدتر است.»  
آملی لاریجانی افزود: «البته به نظر بنده هم پالرمو و هم CFT خطر امنیتی بالایی دارد، البته خطر CFT برای امنیت بیشتر هم هست. اینکه FATF هر دفعه می‌گوید، این آخرین مهلت است، شما فکر می‌کنید به این تهدیدات و امثال آن گوش می‌کنم؟!»  
این اظهارات آملی لاریجانی بار دیگر آشکار می‌کند که جمهوری اسلامی از هرگونه اقدامی که منجر به اعمال هرگونه نظارت و کنترل به مسیرهای تأمین مالی شبه‌نظامیان شیعه و همچنین پولشویی در منطقه شود به شدت نگران است چون هم راه‌های دور زدن تحریم‌ها و هم منافذ کمک به شبه‌نظامیان بیش از پیش مسدود می‌شود.

### هشدار مسکو و پکن به جمهوری اسلامی

اوضاع چنان پیچیده است که دولت‌های ظاهر دوست جمهوری اسلامی اعم از روسیه، چین و حتی عراق و ترکیه به تهران هشدار داده‌اند در صورت نپیوستن به FATF همکاری‌های اقتصادی و داد و ستد با ایران بسیار مشکل‌تر خواهد شد با این حال در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در نظام از قرار معلوم به این جمع‌بندی رسیده‌اند که زیر بار تصویب CFT و پالرمو نروند اما این تصمیم را فعلاً علنی و رسمی اعلام نکنند تا شاید از شدت پیامدهای آن بکاهند.

علی احمدی رئیس کمیسیون مشترک مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید پیوستن به FATF مشروعیت بخشیدن به تحریم‌هاست.

### ریخت اما...

برجام در گام اول برای نظام یک فرصت بود تا از انزوا خارج شود و شاید به رژیمی عادی تبدیل شود اما این فرصت با ادامه‌ی سیاست‌های ماجراجویانه‌ی جمهوری اسلامی از بین رفت و کار به جایی رسید که توافق آملی نه تنها منافع رژیم را تأمین نکرد بلکه با خروج آمریکا از آن تأثیر معکوس نیز گذاشت. اکنون ولایتمداران هراس دارند که با پیوستن به FATF همین روند تکرار شود. اما برجام که یک «توافق» ناپایدار چندجانبه و بدون تضمین است با FATF که مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی است اساساً قابل مقایسه نیست. نظام راهی بجز پیوستن به FATF ندارد مگر آنکه پیامدهای ناشی از قرار گرفتن در لیست سیاه را ببیند. لیستی که «دوستان» جمهوری اسلامی نیز پیشاپیش نسبت به آن هشدار داده‌اند.

در ماه مه سال ۲۰۱۸ که پس از تصمیم ترامپ به خروج از توافق آملی و آغاز تحریم‌ها آوار برجام روی سر دولت روحانی فروریخت، نظام هنوز امید داشت که با همکاری اروپایی‌ها راهی از این بن‌بست پیدا کند. اما اکنون که ثابت شد توافقی که فقط با آمریکا می‌توانست شکل بگیرد، بسیار بعید است بدون آمریکا پابرجا بماند، دولت است بدون هم موافق پیوستن به FATF است و از راه‌های مختلف برای تصویب آن تلاش می‌کند. باید منتظر ماند و دید تصمیم نهایی نظام چه خواهد بود و پیامدهای نپیوستن به FATF قرار است بر سر چه کسانی آوار شود.

در این میان، حسن روحانی مستعد بهانه‌جویی و زیر پا گذاشتن تعهدات و وعده‌های انتخاباتی خود است چنانکه اخیراً در سخنانی عجیب گفت که آنچه تصمیم مذاکره آملی با ۵+۱ و توافق

درد، مفاسدی هم دارد. روی ترازو باید گذاشت. به نظر من خطر امنیتی‌اش بسیار شدیدتر است.»  
آملی لاریجانی افزود: «البته به نظر بنده هم پالرمو و هم CFT خطر امنیتی بالایی دارد، البته خطر CFT برای امنیت بیشتر هم هست. اینکه FATF هر دفعه می‌گوید، این آخرین مهلت است، شما فکر می‌کنید به این تهدیدات و امثال آن گوش می‌کنم؟!»  
این اظهارات آملی لاریجانی بار دیگر آشکار می‌کند که جمهوری اسلامی از هرگونه اقدامی که منجر به اعمال هرگونه نظارت و کنترل به مسیرهای تأمین مالی شبه‌نظامیان شیعه و همچنین پولشویی در منطقه شود به شدت نگران است چون هم راه‌های دور زدن تحریم‌ها و هم منافذ کمک به شبه‌نظامیان بیش از پیش مسدود می‌شود.

هنگامی که شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۱ مذهب ایران را بطور رسمی از اسلام سنی به اسلام شیعه تغییر داد، خصومت بین دو کشور علنی شد. این دشمنی زمانی بیشتر آشکار شد که صفویان مناطق غربی ایران، آذربایجان، ارمنستان و سایر قسمت‌ها را از قلمرو تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی خارج کردند. مناطقی که در واقع جزو قلمرو ایران بودند اما با تاسیس دولت عثمانی توسط عثمان اول در سال ۱۲۹۹ تحت حاکمیت دولت وی قرار گرفتند.

از زمان سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و پایان اشغال کشورهای عربی و اسلامی، دولت‌های ایران و ترکیه همیشه با هم اختلاف‌های داشتند اما این اختلاف‌ها چندان برجسته نبود و دلیل آن رویکرد دو کشور به مدرنیته کردن خود بود اما با روی کار آمدن حکومت اسلامگرایان در دو کشور کینه‌های مذهبی و تاریخی بار دیگر سر بر آورده و عمیق‌تر شده است.

از این روایت مختصر تاریخی می‌توان گفت که علی خامنه‌ای ولی فقیه خلاق اسلامی در ایران و رجب طیب اردوغان سلطان عثمانی جدید هر دو باز هم بر اساس همان اختلافات قومی- مذهبی و منافع از جمله نفوذ در منطقه با هم اختلافات زیادی دارند. عملکرد خامنه‌ای و رقیب‌اش رجب طیب اردوغان در منطقه نشان می‌دهد که این دو وارثان وفادار و حقیقی آن تاریخ خونریز هستند. این شخصیت‌های توسعه‌طلب برای بازگرداندن چرخه زمان به عقب و احیای امپراتوری اجدادشان هستند بنابراین هر یک از آنها می‌خواهد دیگری را به نحوی نابود و از صحنه موهوم مسلمانان جهان باشد. هر یک از آنها نیز به دنبال نفوذ و سیطره بر کشورهای عربی منطقه مانند سوریه، عراق، لبنان، مصر، لیبی، یمن و فلسطین است تا آنها را به امپراتوری خیالی خود ضمیمه کند.

اردوغان و خامنه‌ای نبردهای نیابتی خونینی در سوریه علیه همدیگر به راه انداختند. این جنگ نیابتی بر هزینه از طریق گروه‌های مسلح وابسته و مأموران و جاسوسان آنها به خشونت‌بارترین درگیری‌ها منطقه تبدیل شد. تا قبل از جریان همه‌پرسی استقلال کردستان عراق که تهران و آنکارا را با هم نزدیک کرد، اردوغان و وزیران او بارها «حشد الشعبی» و دیگر شبه‌نظامیان شیعه وابسته به جمهوری اسلامی ایران را مانند داعش بلکه خطرناکتر از آن توصیف کرده بودند. اما با وجود همه این کینه‌های مذهبی، در مواقع ضروری که منافع مشترک آنها در یک مسیر قرار می‌گیرد، متحد شده و با یکدیگر همکاری می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۷

● خامنه‌ای در مورد برجام هم «ژست ناراضی» گرفت تا کارگزاران نظام و پروپاگاندا داخلی و خارجی چنین قلمداد کنند که «نرمش قهرمانه»ی او تحت تأثیر خواست عمومی بوده و نه فشار تحریم‌ها!

● روحانی مستعد بهانه‌جویی و زیر پا گذاشتن تعهدات و وعده‌های انتخاباتی خود است و اگر ایران وارد لیست سیاه FATF شود، خامنه‌ای مسبب پیامدهای نپیوستن به FATF معرفی خواهد شد.

● بر خلاف آنچه اصولگرایان و ذوب‌شدگان در ولایت تبلیغ می‌کنند، برجام محصول مشترک علی خامنه‌ای و حسن روحانی است که «نرمش قهرمانانه»ی رهبر نظام را با «تدبیر و امید» دستگاه دولت در داخل و خارج فروخت. اما یک معامله‌گر کهنه‌کار می‌توانست زبان‌های آتی و بلندمدت این معامله یا «توافق بد» را تشخیص دهد!

● گروهی که از «نپیوستن» به FATF بیشترین آسیب را می‌بینند در مرحله اول مدبران و بنگاهداران و تجاری هستند که بخشی از آنها در بدنه حکومت و یا اصناف مختلف صاحب قدرت‌اند و نارضایتی آنها را نمی‌شود با گلوله خاموش کرد.

● نتیجه پیوستن احتمالی به FATF افزایش کنترل و نظارت بر اقتصاد ایران خواهد بود. این به منزله انداختن نورافکن بر مسیرهای دور زدن تحریم‌ها توسط سیاه پاسداران انقلاب اسلامی و باندهای دیگری از نظام است.

● حامد محمدی - آخرین مهلت جمهوری اسلامی برای پیوستن به گروه اقدام مالی FATF تا پایان فوریه سال ۲۰۲۰ (دهم اسفند) است و خطر قرار گرفتن در لیست سیاه این نهاد مالی آن را تهدید می‌کند. با نزدیک شدن به پایان این مهلت که تا کنون چند بار تمدید شده، حالا با توجه به شرایط داخلی و همچنین خرابکاری‌های جمهوری اسلامی در منطقه که تازه‌ترین آن تشویق و همکاری در حمله به سفارت آمریکا در بغداد است، شمارش معکوس بطور جدی آغاز شده و جدال بر سر پیوستن یا نپیوستن به FATF بین جناحین رژیم بالا گرفته است.

● رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس سابق قوه قضائیه، چهارشنبه ۱۱ دی‌ماه، گفت کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) به‌شدت برای امنیت ملی خطرناک هستند به‌ویژه CFT که بسیار خطرناک‌تر است.

● صادق آملی لاریجانی گفته «ما هر چه جلوتر رفتیم شک‌مان به آمریکایی‌ها و اذتاب‌شان و کشورهایی که اعضای FATF هستند بیشتر شد... واقعاً آدم‌های خطرناکی هستند. آدم‌های فاسدی هستند؛ البته از قبل آدم‌های فاسد و خطرناکی بودند. برجام‌شان نشان داد چقدر آدم‌های ناقابل‌اند و CFT بدتر از برجام است.» وی تأکید کرد، «بدانید من به وظیفه‌ام عمل می‌کنم. من فکر خودم این است که این مصوبات مجلس قطعی نباشد، معلوم نیست که مصلحت باشد همچنین چیزی، ولو فوایدی هم

## نیروی انتظامی «پذیرفتن مسئولیت کشتار» را رد کرد؛ عوامل نظام آشکارا مردم را تهدید به سرکوب می کنند

**● میرزایی**  
**اصلاح طلب مجلس شورای اسلامی در گفتگو با «اعتدال آنلاین» مدعی شد نیروی انتظامی مسئولیت بخشی از کشته شدگان حوادث آبان را بر عهده گرفته.**

**● وبسایت خبری ناجا**  
**اما این خبر را که «نیروی انتظامی مسئولیت بخشی از کشته شدگان را به عهده گرفته» تکذیب کرد.**

**● سردار جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل: «سوریه سازی ایران» مهمترین هدف «غائله آبان» بود.**

**● شبکه «ایران اینترنشنال» ویدیویی از شلیک نیروهای امنیتی به مردم را در شهریار در جریان اعتراضات آبان ماه منتشر کرد.**

جلال میرزایی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو «فراسیون امید» شبیه ۷ دی ماه، در مصاحبه با «اعتدال آنلاین» گفت که نیروی انتظامی مسئولیت بخشی از کشته شدگان حوادث آبان را بر عهده گرفته است. اما ناجا این ادعا را در وبسایت خبری خود تکذیب کرده است.

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

گرچه ساعاتی پس از انتشار این خبر کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

او توضیح داد، «مسئولیت تعدادی از کشته شدگان را نیروی انتظامی پذیرفته و نیاز داریم گزارشی شفاف از تعداد کشته ها و نحوه کشته شدن شان ارائه شود. اگر نیروی انتظامی کوتاهی کرده است صراحتاً بیان کند تا از تکرار این اتفاقات پیشگیری شود. قرار نیست هر تخصص و اعتراضی به خشونت کشیده شود.»

می دهند و کشتار را انکار می کنند. سردار حسین رحیمی رئیس پلیس تهران، ۲۷ آذر به خبرگزاری مهر گفت، «در تهران حتی یک مورد بی احترامی از سوی مأموران در اغتشاشات نداشتیم!»

سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل روز یکشنبه ۸ دی ماه در نشست «تبیین علل بروز ناآرامی های آبان ۹۸» ادعا کرد که مهمترین هدف دشمنان از به راه انداختن «غائله» آبان «سوریه سازی» ایران بوده است و شبکه های اجتماعی «خارج پایه» در مدیریت اغتشاشات و آشوبگری ها نقش ویژه ای داشتند و با توجه به کارکردهای جدید در حال تشکیل یک دولت در سایه هستند. حرف هایی که این سردار سپه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد «سوریه سازی» بیان کرده دو سال است که از سوی اصلاح طلبان از جمله محمدرضا تاجزاده معاون امنیتی وزارت کشور در دولت محمد خاتمی تکرار می شود. حجت الاسلام محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور نیز پیش از این اعتراضات آبان را «میدان جنگ» خوانده و گفته بود «دشمن کشته سازی کرد و به نظام تهمت می زند.»

پس از جلوگیری نیروهای امنیتی از برگزاری مراسم چهلم جانباختگان اعتراضات آبان از یکسوی شهرفاقی امنیتی دارند و گویی «حکومت نظامی» برقرار است و از سوی دیگر قاتلان مردم در شبکه های اجتماعی با انتشار ویدئوهای تهدیدآمیز مردم را با اقدامات خشونت آمیز و کشتار مجدد می ترسانند.

دلیل اینکه حامیان حکومت چنین بی پروا مردم را تهدید می کنند «چراغ سبز» خامنه ای است و در واقع اراذل و اوباش به دعوت او «لیک» گفته اند.

رهبان جمهوری اسلامی ۶ آذر در دیدار با بسیجیان به آنها توصیه کرد آماده دفاع در میدان سخت و نیمه سخت و نرم باشند و باید در همه محله های کشور، در مقابل حوادث گوناگون، راهبرد و تاکتیک های آماده داشته باشند و در هیچ قبیله ای غافلگیر نشوند. او تاکید کرد که «تجربگی کمیته ها در سال ۶۰ تجربه ای نیست، از آن تجربه استفاده بشود. کمیته های انقلاب اسلامی در سال ۶۰ در محلات مختلف، در جاهای مختلف، همه جا حضور داشتند؛ همیشه هم حضور داشتند؛ هر حادثه ای که در آن منطقه رخ می داد، اول چشم انسان می افتاد به برداران کمیته!»

### خبری از تشکیل کمیته حقیقت یاب نیست

در این میان هیچ خبری از کمیته حقیقت یاب نیست. در هفته های گذشته زمره هایی از تشکیل کمیته تحقیق و تفحص در مورد وقایع آبان به گوش رسید اما تا کنون سرانجامی نداشت. در اقدامی دیگر ۳۹ نماینده مجلس شورای اسلامی با امضای طرحی خواستار به جریان افتادن استیضاح عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور به دلیل عملکرد او در جریان اعتراضات آبان ماه شدند اما با فشار نهادهای امنیتی و رهبر جمهوری اسلامی عقب نشینی کردند.

علی مطهری پیش از این از به تعویق افتادن استیضاح وزیر کشور و موکول شدن آن به بعد از انتخابات اسفند خبر داد و گفت: «این استیضاح علی رغم فشارهای زیادی که از جاهای مختلف به نمایندگان استیضاح کننده برای پرس گرفتن امضایشان وارد شد اکنون ۲۰ امضا دارد در حالی که فقط ۱۰ امضا لازم است.

این ۲۰ نفر قابل تقدیر هستند.»

خبرگزاری ایلنا به نقل از این نماینده نوشت: «هیأت رئیسه می گوید مقام رهبری با این استیضاح مخالفند، لذا آن را اعلام وصول نمی کنیم... احتمالاً مخالفت ایشان به خاطر در پیش بودن انتخابات مجلس است.»

از سوی دیگر، محمود صادقی نماینده تهران در گفتگو با وبسایت «امتداد» جزئیاتی از نشست کمیسیون مجلس با وزیر کشور درباره اعتراضات آبان ماه را تشریح کرد. او نقل کرد پاسخ رحمانی فضلی به این پرسش که چرا به معز معترضان تیراندازی شد گفت که وی گفته: «به پام شلیک شده بود!»

بیشتر از یک ماه از وقایع خونین آبان می گذرد اما حکومت هنوز آمار تلفات و زندانی ها را اعلام نکرده است.

**● شری ایزدی همسر انوشه آشوری زندانی دو تابعیتی ایرانی- بریتانیایی که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و دریافت غیرقانونی پول به ۱۰ سال زندان محکوم شده است، در گفتگو با کیهان لندن از دولت بوریس جانسون خواسته است از یک رابط و مذاکره کننده مستقل برای پایان دادن به مسئله گروگانگیری استفاده کند.**

**● من در انگلیس بزرگ شدم. سال ۱۹۸۴ به ایران برگشتم. همسرم ۱۹۸۲ دو سال قبل از من به ایران برگشته بود. ما ۲۰ سال در ایران زندگی کردیم. بعد که بچه ها بزرگتر شدند تصمیم گرفتیم به انگلیس برگردیم. از سال ۲۰۰۵ اینجا هستیم. من مترجم هستم و همسرم مهندس بود که از چهار سال پیش خود را بازنشسته کرد و بیزنس را فروخت و به انگلیس آمد.**

**● در ایران من خودم مترجم صداوسیما بودم. استخدام نبودم و آزاد کار می کردم اما شاید ۱۵ سال برای صداوسیما ترجمه کردم. در این مدت هم به انگلیس رفت و آمد داشتیم. خودم سالی دو بار رفت و آمد داشتم اما شوهرم حداقل چهار بار به ایران رفت و آمد داشت چون هیچ مشکلی نداشتیم.**

**● ما شش وکیل معرفی کردیم و همه رد شدند و در نهایتا خودش وکیل خودش شد. ما درخواست تجدید نظر دادیم که رد شد. همسرم را به بند ۷ بخش ۱۲ زندان اوین منتقل کردند که زندانیان امنیتی نگه داشته می شوند. او در همان سلولی که ژبو وانگ استاد آمریکایی برای ۱۰ سال به اتهام جاسوسی برای آمریکا زندانی شده بود حبس شد.**

**نازنین انصاری - «دولت بریتانیا برای آزادی ایرانیان دو تابعیتی که در سفر به زادگاه خود بدون دلیل و خودسرانه دستگیر و حبس شده اند، تا کنون اقدامات مؤثر و چشمگیری انجام نداده است زیرا متوجه نیست بازداشت شدگان متهم نیستند بلکه به گروگان گرفته شده اند.»**

شری ایزدی همسر انوشه آشوری زندانی دو تابعیتی ایرانی- بریتانیایی که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و دریافت غیرقانونی پول به ۱۰ سال زندان محکوم شده است، در گفتگو با کیهان لندن از دولت بوریس جانسون خواسته است از یک رابط و مذاکره کننده مستقل برای پایان دادن به مسئله گروگانگیری استفاده کند.

انوشه آشوری ۶۵ ساله در اوت ۲۰۱۷ زمانی که برای دیدار مادرش به ایران رفته بود دستگیر شد و یک سال بعد در اوت ۲۰۱۸ سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که وی به ده سال زندان محکوم شده است. یک سال بعد نیز این حکم تأیید شد. به گفته خانم ایزدی، در حال حاضر چندین کمیته، سفیر و نماینده برای حل و فصل موضوعات مختلف میان دو کشور فعال هستند. چرا نباید نماینده ای تمام وقت نیز از سوی دولت انگلیس به عنوان میانجی برای گشودن

همسر انوشه آشوری زندانی ایرانی - بریتانیایی به دولت بریتانیا:

## بازداشت شدگان دو تابعیتی متهم نیستند بلکه به گروگان گرفته شده اند

- فکر می کنم حدود سه ماه بعد از بازداشت بود. که البته وکیل چون در ایران استاد دانشگاه بود، تعدادی از بازجوهای اوین شاگرد او بودند و از این طریق اجازه دادند با همسرم ملاقات کند. بعدها این شخص را رد کردند و گفتند جزو وکلای که ماقبول می کنیم نیست. وکیل بار اول یک ربع با او ملاقات کرد.

**● در این میان شما چه می کردید؟**  
- چندین ماه اول کار خاصی نکردیم. چون هیچ تجربه ای نداشتیم و نمی دانستیم باید چکار کنیم و فکر می کردیم هر کاری انجام دهیم ممکن است به ضرر او تمام شود. مدت ها خبری از او نداشتیم. اولین بار که توانستیم با او صحبت کنم بعد از ۴ ماه بود. بازجویی ها تمام شده بود و می خواستند محاکمه اش کنند. قاضی باید وکیل را قبول کند. او وکیل اول را رد کرد و تا وکلای دیگری معرفی کردیم و قاضی قبول کرد

نوشت: وزارت دفاع بریتانیا با درخواست وزارت خارجه برای ریختن این پول به حساب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران مخالفت کرده است. خانم ایزدی می گوید که چند بار با راب مک ایبر Rob Macaire سفیر بریتانیا در ایران در هر سفرش به لندن ملاقات کرده و دیدارهایی نیز با دیپلمات های وزارت خارجه بریتانیا داشته و هر دو هفته یکبار هم گزارشی در رابطه با تلاش هایی که برای آزادی همسرش صورت گرفته دریافت می کند.

**● واکنش شما پس از شنیدن اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» چه بود؟**  
- واقعاً خنده دار بود! حداقل اگر جاسوسی برای انگلیس می بود شاید بیشتر قابل باور می بود. چون در انگلیس زندگی می کردیم اما اتهام جاسوسی برای اسرائیل مضحک و مسخره است. چون نه ارتباطی با اسرائیل داشتیم نه دوست اسرائیلی داریم نه تا حالا حتی به اسرائیل رفته ایم! برای همین فکر می کنم این اتهاماتی که می زند نیاز به پایه و اساس ندارد.

**● شما چه زمانی برای درخواست کمک با وزارت خارجه بریتانیا تماس گرفتید؟**

- تقریباً ۱۰ ماه بعد از این ماجرا. ما هیچ تجربه ای نداشتیم. حتی نمی دانستیم که می توانیم با وزارت خارجه تماس بگیریم. ولی یکبار شوهرم گفت نگران باش که با وزارت خارجه صحبت کنید و بگویید پاسپورت دست خودش نیست و ممکن است از آن سوء استفاده شود. اصلاً دلیلی که با وزارت خارجه تماس گرفتیم همین بود. یکی دو ساعت بعد یک افسر کنسولی تماس گرفت و جریان را پرسید. گفتند یک روز بیاید اینجا و تازه رابطه ما شروع شد و رسماً آنها از ژوئن یا ژوئیه ۲۰۱۸ مطلع شدند که یک دو تابعیتی در ایران زندانی است.

**● هر چند وقت با همسران در تماس هستید و حال جسمی او چگونه است؟**  
- ما هر روز با یکدیگر صحبت می کنیم. او همچنین اجازه ملاقات ماهانه با مادرش و مادر مرا پیدا کرده. حال جسمی او نسبتاً خوب است. خودش می گوید مصمم هستیم از اینجا آوین! سالم بیرون بیایم و به زندگی برگردم. گفت نمی خواهم این مسئله زندگی مرا نابود کند. ورزش می کند. او الان ۶۵ ساله است. قرار بود وقتی به انگلیس برگردد یک عمل جراحی در ناحیه زانو داشته باشد. اما الان آنجا برای مراقبت تمرین می کند. از خودش خیلی جایی است که نباید نیاز به دکتر پیدا کرد و از نظر پزشکی خیلی بد است.

**● ناراحتی زانو که نیاز به عمل جراحی داشت چه شد؟**  
- ۱۸ کیلو وزن کم کرده و همین خیلی مؤثر بود. به خاطر زانودردی که داشت از طرف سفارت بریتانیا خیلی فشار آوردند که باید دسترسی به دکتر داشته باشد. در خود زندان برای او چند جلسه فیزیوتراپی گذاشتند و الان خیلی مصمم است و اتفاقاً آدم های مثل خودش در زندان زیاد هستند و چون روابط اجتماعی خوبی دارد با آنها دوست شده. هر کس هر تخصصی دارد برای دیگران کلاس می گذارد و اینطور وقتشان را پر می کنند.



انوشه آشوری و همسرش شهرزاد ایزدی

اینگونه گره ها وارد عمل شود؟ وی از جامعه ایرانی در بریتانیا خواسته است تا دادخواستی را که در همین زمینه تهیه کرده است امضا کنند. وی می گوید: «شوهر من وقتی در اوین است و می پرسد چند نفر پیشین مرا امضا کردند و می گویم امروز ۵۰ نفر دیگه امضا کردند برای او دلگرمی است و می گوید اینجا در زندان فراموش نشده ام.»

به گفته خانم ایزدی چندین دو تابعیتی ایرانی- بریتانیایی دیگر نیز در ایران در حبس بسر می برند «منتها این پرونده ها رسانه ای نمی شود چون خانواده ها از شرایط عزیزان شان در زندان ترس دارند و از طرفی فکر می کنند اگر سکوت کنند شاید پشت پرده موافقتی صورت گیرد! اشتباهی که من نیز کردم در حالی که اصلاً اینطوری نیست. هرچه بیشتر ساکت بمانند این مسئله بیشتر پنهان می شود.»

در ادامه ی گفتگو خانم ایزدی اظهار داشت، «اگر کسانی می توانند، می بایست به نماینده محل خود نامه بنویسند- به عنوان افرادی که در ایران خانواده دارند و رفت و آمد می کنند- و ابراز نگرانی کنند که شاید همین اتفاق برای آنها نیز تکرار شود. احتمال اینکه این اتفاق برای دیگران هم بیفتد زیاد است. بازخواست کنند و بپرسند اگر این اتفاق برای ما بیفتد شما چه حمایتی می توانید از ما بکنید؟ اینکه صرفاً گفته شود ایران قوانین بین المللی را قبول ندارد و بگویند ما فقط کمک محدود می توانیم بکنیم کمیته فایده ندارد. دولت انگلیس باید بتواند خارج از کشور از شهروندان خود حمایت کند.»

شری ایزدی در گفتگو با کیهان لندن افزود که همسرش انوشه آشوری با پاسپورت ایرانی که احتیاج به تمدید شدن داشت وارد تهران شد و «صبح ۱۳ اوت به من پیام داد که اتفاقاً پاسپورت رسید و خیالم راحت شد. او منزل مادرش بود. از خانه بیرون رفت که در تجریش خرید کند. مادر شوهرم به خانه برگشت و دید یک یادداشت در منزل گذاشته اند که «شب خانه دوستم مهمان هستم و فردا تماس می گیرم.» صبح مادر شوهرم تماس گرفت و گفت انوشه با من تماس گرفته و گفته نگران نباشید من اوین هستم! الان حالم خوب است. ولی تقریباً دو ماه دیگر هیچ خبری از او نداشتیم.»

در طول یک سال اول، انوشه آشوری سه بار در زندان دست به خودکشی زد. «در حین بازجویی او را تهدید کرده بودند که خانواده اش را بکشیم و او را اذیت و آزار می کنند یعنی ما را. او هم فکر می کرد که اگر با خودکشی از این معادله خارج شود دیگر دلیلی برای اذیت و آزار و آسیب ما وجود ندارد.»

به نظر خانم ایزدی، جمهوری اسلامی در ازای آزادی دو تابعیتی ها، درخواست چهارصد میلیون پوند را به عنوان طلب خود بابت پولی دارد که برای خرید تانک های جیفتن قبل از انقلاب پرداخت شده بود. البته به اضافه بهره ای این پول! لندن قبلاً قول داده بود این پول را به ایران مسترد کند اما این کار انجام نشد. به عقیده خانم شری ایزدی «این پولی است که برای دولت ها پول خیلی خاصی نیست و فکر می کنم مسئله قول دادن و حیثیت در میان است.»

در ماه مه ۲۰۱۹ روزنامه گاردین

نوشت: وزارت خارجه برای ریختن این پول به حساب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران مخالفت کرده است.

خانم ایزدی می گوید که چند بار با راب مک ایبر Rob Macaire سفیر بریتانیا در ایران در هر سفرش به لندن ملاقات کرده و دیدارهایی نیز با دیپلمات های وزارت خارجه بریتانیا داشته و هر دو هفته یکبار هم گزارشی در رابطه با تلاش هایی که برای آزادی همسرش صورت گرفته دریافت می کند.

**● واکنش شما پس از شنیدن اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» چه بود؟**  
- واقعاً خنده دار بود! حداقل اگر جاسوسی برای انگلیس می بود شاید بیشتر قابل باور می بود. چون در انگلیس زندگی می کردیم اما اتهام جاسوسی برای اسرائیل مضحک و مسخره است. چون نه ارتباطی با اسرائیل داشتیم نه دوست اسرائیلی داریم نه تا حالا حتی به اسرائیل رفته ایم! برای همین فکر می کنم این اتهاماتی که می زند نیاز به پایه و اساس ندارد.

**● شما چه زمانی برای درخواست کمک با وزارت خارجه بریتانیا تماس گرفتید؟**  
- تقریباً ۱۰ ماه بعد از این ماجرا. ما هیچ تجربه ای نداشتیم. حتی نمی دانستیم که می توانیم با وزارت خارجه تماس بگیریم. ولی یکبار شوهرم گفت نگران باش که با وزارت خارجه صحبت کنید و بگویید پاسپورت دست خودش نیست و ممکن است از آن سوء استفاده شود. اصلاً دلیلی که با وزارت خارجه تماس گرفتیم همین بود. یکی دو ساعت بعد یک افسر کنسولی تماس گرفت و جریان را پرسید. گفتند یک روز بیاید اینجا و تازه رابطه ما شروع شد و رسماً آنها از ژوئن یا ژوئیه ۲۰۱۸ مطلع شدند که یک دو تابعیتی در ایران زندانی است.

**● هر چند وقت با همسران در تماس هستید و حال جسمی او چگونه است؟**  
- ما هر روز با یکدیگر صحبت می کنیم. او همچنین اجازه ملاقات ماهانه با مادرش و مادر مرا پیدا کرده. حال جسمی او نسبتاً خوب است. خودش می گوید مصمم هستیم از اینجا آوین! سالم بیرون بیایم و به زندگی برگردم. گفت نمی خواهم این مسئله زندگی مرا نابود کند. ورزش می کند. او الان ۶۵ ساله است. قرار بود وقتی به انگلیس برگردد یک عمل جراحی در ناحیه زانو داشته باشد. اما الان آنجا برای مراقبت تمرین می کند. از خودش خیلی جایی است که نباید نیاز به دکتر پیدا کرد و از نظر پزشکی خیلی بد است.

**● ناراحتی زانو که نیاز به عمل جراحی داشت چه شد؟**  
- ۱۸ کیلو وزن کم کرده و همین خیلی مؤثر بود. به خاطر زانودردی که داشت از طرف سفارت بریتانیا خیلی فشار آوردند که باید دسترسی به دکتر داشته باشد. در خود زندان برای او چند جلسه فیزیوتراپی گذاشتند و الان خیلی مصمم است و اتفاقاً آدم های مثل خودش در زندان زیاد هستند و چون روابط اجتماعی خوبی دارد با آنها دوست شده. هر کس هر تخصصی دارد برای دیگران کلاس می گذارد و اینطور وقتشان را پر می کنند.



## موضع گیری وزارت خارجه جمهوری اسلامی علیه فرانسه: فریبا عادلخواه «مر تکب جاسوسی» شده!



فریبا عادلخواه شهروند ایرانی فرانسوی در خرداد ماه ۹۸ توسط سازمان اطلاعات سپاه در تهران بازداشت شد. برخی رسانه‌ها رولان مارشال را همکار او معرفی کرده‌اند

فریبا عادلخواه شهروند ایرانی فرانسوی در خرداد ماه ۹۸ توسط سازمان اطلاعات سپاه در تهران بازداشت شد. برخی رسانه‌ها رولان مارشال را همکار او معرفی کرده‌اند

زیرا فرد مورد نظر [عادلخواه] تبعه ایران است و به اتهام «ارتکاب اعمال جاسوسی» بازداشت شده و وکیل ایشان از جزئیات پرونده اطلاع داشته و پرونده وی توسط قوه قضائیه در دست بررسی است. وی همچنین در مورد رولان مارشال دیگر تبعه فرانسوی که به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» بازداشت شده است، افزود: «وی تا کنون چند بار دسترسی کنسولی داشته است و وکیل او از اتهاماتش مطلع بوده و با مقامات قوه قضائیه در ارتباط است.»

مقام‌های وزارت خارجه فرانسه، روز جمعه ۲۷ دسامبر (۶ دی ماه)، بهرام قاسمی سفیر جمهوری اسلامی در پاریس را احضار و به او اعلام کردند

● سخنگو وزارت خارجه جمهوری اسلامی درخواست فرانسه بر آزادی دو شهروند تبعه این کشور را «اقدامی مداخله جویانه» و «فاقد مبنای حقوقی» دانسته است.

● سیدعباس موسوی مدعی شده که اتهام عادلخواه «ارتکاب اعمال جاسوسی» است و مارشال به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» بازداشت شده است.

● وزارت خارجه فرانسه با احضار سفیر جمهوری اسلامی نگرانی شدید خود از وضعیت فریبا عادلخواه که دست به اعتصاب غذا زده اعلام کرده و خواستار آزادی هر دو زندانی شده است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از احضار سفیر ایران در پاریس به وزارت خارجه فرانسه انتقاد کرد و بیانیه این کشور درباره ادامه بازداشت فریبا عادلخواه و رولان مارشال و درخواست آزادی آنها را «اقدامی مداخله جویانه» دانست.

عباس موسوی سخنگو وزارت خارجه جمهوری اسلامی، روز یکشنبه ۸ دی ماه، بدون نام بردن از فریبا عادلخواه گفت بیانیه وزارت خارجه فرانسه در مورد یک تبعه ایرانی اقدامی مداخله جویانه است و درخواست فرانسه را فاقد مبنای حقوقی می‌دانیم،

## بازداشت ۱۴ نفر تحت عنوان پروژه «قنوس» به اتهام سلطنت طلبی در قم!



فرمانده انتظامی استان قم گفته، دو «شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان» در قم شناسایی و ۱۴ تن از اعضای آن بازداشت شده‌اند که تحت عنوان پروژه «قنوس» برای ایجاد «ناآرامی و اغتشاش در سراسر کشور» تلاش می‌کردند.

انگونه که خبرگزاری‌های داخلی به نقل از وبسایت پلیس نوشته‌اند، عبدالرضا آقاخانی فرمانده نیروی انتظامی استان قم از شناسایی «دو شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان» و بازداشت «۱۴ نفر از رابطان» آن خبر داده که به ادعای وی تحت پروژه «قنوس» در تلاش برای «ایجاد ناآرامی و اغتشاش در سراسر کشور بودند».

این خبر را خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تیتیر «پایان پروژه قنوس» منتشر کرده است.

فرمانده نیروی انتظامی قم بازداشت این افراد را حاصل «اقدامات اطلاعاتی پلیس امنیت عمومی استان قم» دانسته و گفته که این «دو شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان»، به صورت گسترده نسبت به «آموزش مقابله با نظام»، «هدایت تجمعات»، «آشوب‌ها»، «دعوت به اعتصابات» و «نافرمانی مدنی» فعالیت داشتند.

به گفته‌ی وی، «این گروه شامل

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، فرمانده انتظامی استان قم گفته، دو «شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان» در قم شناسایی و ۱۴ تن از اعضای آن بازداشت شده‌اند که تحت عنوان پروژه «قنوس» برای ایجاد «ناآرامی و اغتشاش در سراسر کشور» تلاش می‌کردند.

انگونه که خبرگزاری‌های داخلی به نقل از وبسایت پلیس نوشته‌اند، عبدالرضا آقاخانی فرمانده نیروی انتظامی استان قم از شناسایی «دو شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان» و بازداشت «۱۴ نفر از رابطان» آن خبر داده که به ادعای وی تحت پروژه «قنوس» در تلاش برای «ایجاد ناآرامی و اغتشاش در سراسر کشور بودند».

این خبر را خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تیتیر «پایان پروژه قنوس» منتشر کرده است.

فرمانده نیروی انتظامی قم بازداشت این افراد را حاصل «اقدامات اطلاعاتی پلیس امنیت عمومی استان قم» دانسته و گفته که این «دو شبکه تبلیغی وابسته به سلطنت طلبان»، به صورت گسترده نسبت به «آموزش مقابله با نظام»، «هدایت تجمعات»، «آشوب‌ها»، «دعوت به اعتصابات» و «نافرمانی مدنی» فعالیت داشتند.

به گفته‌ی وی، «این گروه شامل

● فرمانده انتظامی استان قم «مشی آشکار و پنهان» این گروه را «براندازی جمهوری اسلامی ایران» خوانده که «با دریافت بودجه به صورت مستقیم از گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور، عناد خود با مردم ایران را بیش از پیش نمایان» کرده‌اند.

● این مقام ارشد نیروی انتظامی قم ادعا کرده که این افراد «با طراحی پروژه «قنوس» تحت حمایت مستقیم دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای ایجاد ناآرامی و اغتشاش در سراسر کشور بودند».

● به گفته‌ی وی، «این گروه شامل زیر مجموعه‌هایی از جمله گروه‌های عضو یابی، معاون، هیئت مدیره و پنج زیرگروه فعال هر کدام با ۳۰ عضو» بوده که «۱۴ نفر از اعضای اصلی این سران سلطنت طلب در خارج از کشور در ارتباط بودند، شناسایی و دستگیر شدند».

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار

### انحصار واردات و ناکارآمدی....

شناسایی شده و حداقل برای ۲۲۰ قلم از آنها فراخوان داده شده تا بتوانیم مجوز آسان کردن تولید یا واردات را به گروه‌ها و شرکت‌هایی که علاوه بر واردکننده و تامین کننده فعلی درخواست واردات داشتند، ارائه دهیم تا برخی از این داروها از حالت انحصاری خارج شوند و اگر مشکلی برای یک واردکننده یا تامین کننده ایجاد شد، تامین کننده‌های جایگزین بتوانند نیاز بازار را به صورت موازی برطرف کنند».

بر این همه بازار دارو در ایران چه در زمین واردات و چه در زمینه توزیع و فروش، همواره بازار پرسودی به شمار



ماه و یک هفته) در مورد این رویداد که برخی از آنها بیشتر گزارش خبری بودند تا یادداشت تحلیلی، به این رویداد پرداخت. در این مورد نیز این وبسایت رویه‌ی تبلیغاتی چپ را در ضد تبلیغاتی معرفی کرد این اعتراضات در پیش گرفت تا از وبسایت رادیو زمانه که در این رویداد به دنبال تبلیغات مارکسیستی و از آن خود ساختن خیزش عمومی بود عقب نماند.

در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا همان رویه‌ی انفعالی تلویزیون و رادیو آنها مشاهده می‌شود: نشستند بودند که سازمان یا نهاد یا گروهی ابراز نظر کند و آنها این اظهار نظر را منعکس کنند. اگر عفو بین‌الملل در مورد کشته‌ها اظهار نظری نمی‌کرد برای بی‌بی‌سی فارسی این اتفاق رخ نداده بود. کار رسانه، عمل به عنوان روابط عمومی سازمان عفو بین‌الملل یا مقامات سازمان ملل یا جمعی از وکلا یا سیاسیون نیست. با توجه به اینکه اخبار این نهادها یا جمع‌ها در وبسایت‌های دیگر منتشر می‌شود، بود و نبود رادیو فردا، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اینگونه رویدادها تقریباً یکی است. آنها کاری را که باید انجام دهند نمی‌دهند.

از قبل تا بعد از شروع اعتراضات آبان ۹۸ میزان مخاطبان وبسایت‌های ایندیندنت فارسی حدود ۳۴۰ درصد، رادیو زمانه حدود ۲۸ درصد، ایران اینترنشنال حدود ۷۵ درصد، رادیو فردا حدود ۷ درصد، بی‌بی‌سی فارسی حدود ۵۵ درصد (با توجه به افول ۲۵ درصدی از ماه ژوئن تا نوامبر ۲۰۱۹)، ایران وایر حدود ۵۵ درصد، و کیمهان لندن حدود ۴۰ درصد افزایش یافت. مدیران این وبسایت‌ها اگر با اطلاعات وبسایت «سیمیلار وب» در مورد ترافیک وبسایت‌ها مشکل دارند. آمارهای فوق نشان می‌دهند که ایندیندنت فارسی و ایران اینترنشنال وبسایت‌های موفق تری در خبررسانی و در این مورد خاص بوده‌اند. بی‌بی‌سی احتمالاً کسانی را جذب کرده که در یک دوره مخاطب آن بوده و آن را ترک کرده بودند و احتمالاً آن را دوباره ترک خواهند کرد.

#### سقوط اعتماد

در مجموع با توجه به عظمت خیزش آبان ۹۸ در ایران، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور با بودجه‌های میلیونی دچار کم‌کاری بوده‌اند. از همین جهت وضعیت اعتماد ایرانیان به آنها که بودجه و کارکنان بیشتری دارند یعنی رادیو فردا، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی در حال افول بوده است. به نظر سنجی‌های داخلی و ادعاهای مبتنی بر مخاطب آنها نازل اعتمادی نیست چون سفارشی است برای تداوم بودجه‌های آنان. در دنیای امروز میزان دیدار از حساب فیس‌بوک و توئیتر هم خریدنی است.

فساد (خوشاوندسالاری، رفیق‌سالاری، تبلیغات سیاسی) دامان رسانه‌های دولتی و مدیران را فرا گرفته است درست مثل شرایطی که امروز رسانه‌های آمریکا را در برابر ترامپ فرا گرفته و هر روز دارند بیشتر به چاه بی‌اعتمادی سقوط می‌کنند. البته تفاوت سی‌ان‌ان و نیویورک تایمز در سقوط در چاه تبلیغات سیاسی است. بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا و نیویورک تایمز همگانی فارسی‌زبان خارج کشور آن است که بودجه‌ی دسته‌ی اول را مالیات‌دهندگان تأمین نمی‌کنند اما بودجه‌ی بخش فارسی صدای آمریکا و رادیو فردا و بی‌بی‌سی فارسی از جیب مالیات‌دهندگان تأمین می‌شود و همین امر کار این رسانه‌ها را شرم‌آورتر می‌کند. پوشش خبری رویدادهای آبان ۹۸ در خوبی نشان می‌دهد که مدیریت دولتی رسانه‌ها در هر جای دنیا حتی در جوامع دموکراتیک و آزاد تجربه‌ی شکست خورده و فاسد است.



## عملکرد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و وبسایت‌های

## فارسی‌زبان خارج کشور در جریان اعتراضات آبان ۹۸

تا زمانی که اینترنت قطع نشده بود بیشترین فیلم‌های ارسال شده را پوشش می‌داد. بی‌بی‌سی فارسی در جریان انقلاب ۵۷ مشکلی در گزارش تفصیلی خشونت‌ها نداشت اما در دوران جمهوری اسلامی بسیار نازک‌دل شده و خشونت نیفتاده است. مهمانان دائمی «پرگار» که اغلب از اقوام و آشنایان اصلاح‌طلبان و «روشنفکران دینی» (پسر سروش) و نیروهای چپ مارکسیست انتخاب می‌شوند (گویی در عالم واقع دیدگاه تحلیلی انتقادی مدافع بازار آزاد و دولت کوچک وجود ندارد) در این مورد نظر و تحلیلی نداشته‌اند یا خیزش پابهنگان برای براندازی اصل نظام را چندان جدی نمی‌دیده‌اند تا «پرگار» برای تبیین حرکت آنها برنامه‌ای ترتیب بدهد. بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر می‌بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت.

برای تعیین موضوع و دعوت را فراهم می‌کرده است) اصولاً به این اعتراضات نپرداخت و بعد از آن (۱۴ دسامبر) به سراغ ناسیونالیسم و «ایرانیت» و هفته‌ی بعد به سراغ هنرهای تجسمی رفت. گویی خیزش عظیم در ایران اتفاق نیفتاده است. مهمانان دائمی «پرگار» که اغلب از اقوام و آشنایان اصلاح‌طلبان و «روشنفکران دینی» (پسر سروش) و نیروهای چپ مارکسیست انتخاب می‌شوند (گویی در عالم واقع دیدگاه تحلیلی انتقادی مدافع بازار آزاد و دولت کوچک وجود ندارد) در این مورد نظر و تحلیلی نداشته‌اند یا خیزش پابهنگان برای براندازی اصل نظام را چندان جدی نمی‌دیده‌اند تا «پرگار» برای تبیین حرکت آنها برنامه‌ای ترتیب بدهد. بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر می‌بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت.

برای تعیین موضوع و دعوت را فراهم می‌کرده است) اصولاً به این اعتراضات نپرداخت و بعد از آن (۱۴ دسامبر) به سراغ ناسیونالیسم و «ایرانیت» و هفته‌ی بعد به سراغ هنرهای تجسمی رفت. گویی خیزش عظیم در ایران اتفاق نیفتاده است. مهمانان دائمی «پرگار» که اغلب از اقوام و آشنایان اصلاح‌طلبان و «روشنفکران دینی» (پسر سروش) و نیروهای چپ مارکسیست انتخاب می‌شوند (گویی در عالم واقع دیدگاه تحلیلی انتقادی مدافع بازار آزاد و دولت کوچک وجود ندارد) در این مورد نظر و تحلیلی نداشته‌اند یا خیزش پابهنگان برای براندازی اصل نظام را چندان جدی نمی‌دیده‌اند تا «پرگار» برای تبیین حرکت آنها برنامه‌ای ترتیب بدهد. بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر می‌بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت.

برای تعیین موضوع و دعوت را فراهم می‌کرده است) اصولاً به این اعتراضات نپرداخت و بعد از آن (۱۴ دسامبر) به سراغ ناسیونالیسم و «ایرانیت» و هفته‌ی بعد به سراغ هنرهای تجسمی رفت. گویی خیزش عظیم در ایران اتفاق نیفتاده است. مهمانان دائمی «پرگار» که اغلب از اقوام و آشنایان اصلاح‌طلبان و «روشنفکران دینی» (پسر سروش) و نیروهای چپ مارکسیست انتخاب می‌شوند (گویی در عالم واقع دیدگاه تحلیلی انتقادی مدافع بازار آزاد و دولت کوچک وجود ندارد) در این مورد نظر و تحلیلی نداشته‌اند یا خیزش پابهنگان برای براندازی اصل نظام را چندان جدی نمی‌دیده‌اند تا «پرگار» برای تبیین حرکت آنها برنامه‌ای ترتیب بدهد. بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر می‌بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت.

برای تعیین موضوع و دعوت را فراهم می‌کرده است) اصولاً به این اعتراضات نپرداخت و بعد از آن (۱۴ دسامبر) به سراغ ناسیونالیسم و «ایرانیت» و هفته‌ی بعد به سراغ هنرهای تجسمی رفت. گویی خیزش عظیم در ایران اتفاق نیفتاده است. مهمانان دائمی «پرگار» که اغلب از اقوام و آشنایان اصلاح‌طلبان و «روشنفکران دینی» (پسر سروش) و نیروهای چپ مارکسیست انتخاب می‌شوند (گویی در عالم واقع دیدگاه تحلیلی انتقادی مدافع بازار آزاد و دولت کوچک وجود ندارد) در این مورد نظر و تحلیلی نداشته‌اند یا خیزش پابهنگان برای براندازی اصل نظام را چندان جدی نمی‌دیده‌اند تا «پرگار» برای تبیین حرکت آنها برنامه‌ای ترتیب بدهد. بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر می‌بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت.

که این رویداد را محور برنامه‌های خبری خود قرار بدهد یا نه. از این جهت بی‌بی‌سی فارسی در عین تمرکز بر ایران مانند ان‌بی‌سی و ای‌بی‌سی و سی‌ان‌ان عمل کرد که موضوع ایران برایش اصولاً در اولویت خبری نیست. رسانه‌های غربی اصولاً نمی‌خواهند به مشکلات ایران بپردازند چون این مشکلات بدین معناست که تحریم‌ها دارند کار می‌کنند و سیاست ترامپ موفق بوده و آنها این را دوست ندارند. چپ‌ها نمی‌خواهند گردی بر دامان خامنه‌ای و روحانی و ظریف بنشینند. بی‌بی‌سی فارسی در چارچوب همین سیاست عمل می‌کند.

در سه روز اول بی‌بی‌سی فارسی و مدیران منفعل آن یا نمی‌دانستند در ایران چه می‌گذرد (مثل بقیه‌ی سال که نمی‌دانند) و تازه خودشان مشغول سبک و سنگین کردن شرایط بودند (که این یعنی رفوزگی) و یا می‌دانستند و گزارش نمی‌دادند که این یعنی رفوزگی حرفه‌ای به توان دو البته بی‌بی‌سی از ابتدا به گونه‌ای شکل گرفته که صدای اصلاح‌طلبان و چپ‌های طبقه‌ی متوسط و دانشگاهی باشد و نه تهیدستان بی‌صدایی که یکباره با اصل نظام مخالف هستند. اگر بلائی که حکومت بر سر هزاران جوان تهیدست ایرانی آورده بر سر ده‌ها اصلاح‌طلب آورده بود تا هفته‌ها مورد توجه این بوق تبلیغاتی قرار می‌گرفت. پس از آنکه اخبار کشته‌ها بدانتها رسید متوجه شدند که از نظر رسانه‌ای چقدر در این مدت باخته‌اند و تلاش کردند خود را به قافله برسانند. برای مدیران و کارکنان بی‌بی‌سی فارسی خبررسانی در اولویت اول نیست: در اولویت اول حفظ مغازه (تداوم کسب بودجه از بی‌بی‌سی) و بعد حفظ کارکنان غیرحرفه‌ای و متمایل به جریان اصلاح‌طلبی/چپ در ایران قرار دارد. قهرمان کارکنان بی‌بی‌سی فارسی جنایتکاری مثل چه گواراست و نه جوانان پابهنه‌ی ماهشهر.

به عنوان نمونه به آرشو برنامه‌های «پرگار» نگاه کنید. برنامه‌های «پرگار» چند هفته بعد از اعتراضات (که فرصتی

صفحه‌ی ویژه این رویداد در وبسایت آن نگاه کنید: چند یادداشت و مصاحبه که با بودجه‌ی چند ده‌هزار دلاری هم ممکن بوده است. رادیو فردا حتی یک کارشناس درباره جنبش‌های سیاسی ایران ندارد تا با وی مصاحبه کند. حیف از بودجه‌ی بیش از ۱۴ میلیون دلاری که صرف این نوع رسانه‌ی کم‌خاصیت یا اغلب بی‌خاصیت می‌شود. به دلیل همین بی‌خاصیتی است که گنگره بودجه‌ی رادیو فردا در سال ۲۰۲۰ را به یک سوم یعنی حدود ۵ میلیون دلار کاهش داده است. بودجه خاور مردمی آن (بخش فارسی صدای آمریکا) نیز از ۱۷۰۷ به ۱۱۰۷ میلیون دلار کاهش خواهد یافت تا کمتر مایه‌ی ائتلاف مالیات‌شهروندان آمریکایی شود.

#### صدای آمریکا

در اوج اعتراضات در ایران، تلویزیون صدای آمریکا مشغول پیش برنامه‌های مستند مثل برنامه‌ی در مورد خاندان پادشاهی در یکی از کشورهای اروپایی و برنامه‌های آشپزی بود؛ گویی این تلویزیون برای ایرانیان مقیم کشورهای اروپایی یا کشوری عادی در دنیا برنامه می‌سازد یا بخش می‌کند. بخش فارسی صدای آمریکا در دنیای خبری فارسی‌زبان پدیده‌ی است که سال‌هاست مردم و کسی هم نمی‌تواند آن را احیا کند چون مدیران آن برای حفظ موقعیت شغلی خود در دوران ترامپ تصمیم گرفته‌اند کاری نکنند تا این دوره تمام شود. آنها حزب باد هستند و هر رییس جمهوری باید پرچم آن را بالا می‌برند مگر کسی مثل بن رودز در دوران اوباما بالای سر آنها باشد. آنها البته برای راضی کردن دولت ترامپ چند مصاحبه با مقامات این دولت ترتیب دادند و همین مصاحبه‌کننده نیز بجای یک خبرنگار، رییس این بخش بود. این رسانه در دوران اوباما به بوق تبلیغاتی دولت اوباما و جمهوری اسلامی تبدیل شد و حیثیت رسانه‌ی خود را از دست داد.

#### بی‌بی‌سی فارسی

بی‌بی‌سی فارسی در سه چهار روز اول در تردید و سردرگمی بسر می‌برد

● بی‌بی‌سی فارسی در جریان انقلاب ۵۷ مشکلی در گزارش تفصیلی خشونت‌ها نداشت اما در دوران جمهوری اسلامی بسیار نازک‌دل شده و خشونت جمهوری اسلامی را به نمایش نمی‌گذارد.

● در اوج اعتراضات در ایران تلویزیون صدای آمریکا مشغول پخش برنامه‌های مستند مثل برنامه‌های در مورد خاندان پادشاهی فنلاند بود. پوشش خبری رویدادهای آبان ۹۸ به خوبی نشان می‌دهد که مدیریت دولتی رسانه‌ها در هر جای دنیا حتی در جوامع دموکراتیک و آزاد تجربه‌ی شکست خورده و فاسد است.

● بی‌بی‌سی فارسی در یکی از برنامه‌های «صفحه دو» به کم‌کاری روزنامه‌نگاران در ایران در پوشش اعتراضات آبان ۹۸ می‌پردازد اما بهتر بود در آینه به خود نیز نگاهی می‌انداخت!

مجید محمدی - خیزش آبان ۹۸ اتفاقی کم‌نظیر در تاریخ خیزش‌های سیاسی در ایران معاصر است. تعداد کشته‌ها (میان ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بنا به گزارش‌های مختلف)، تعداد بازداشتی‌ها (۸ تا ۱۱ هزار نفر) و تعداد شهرها (بیش از صد) و مناطقی (۵۰۰) که اعتراضات در آنها رخ داده این واقعه را به بمب خبری برای حداقل یک ماه جهت رسانه‌های خبری تبدیل می‌کند اگر مانند بوق‌های داخلی نخواهند آن را نادیده بگیرند و به زیر قالی پوسیده‌ی نظام بفرستند. در این نوشته عملکرد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و وبسایت‌های فارسی‌زبان خارج کشور را در پوشش رویدادهای ۲۳ تا ۲۸ آبان ۱۳۹۸ و پس‌لرزه‌های آنان بررسی می‌کنم.

#### رادیو فردا

از رادیو فردا، به عنوان فرستنده رادیویی، در شرایط قطع اینترنت و تشدید پارازیت بر روی سیگنال‌های تلویزیونی و انتظار می‌رفت که بیشترین همت را در انتشار اخبار و تحلیل در روزهای اوج این رویداد و بعد از آن «گزارش داستان‌های خانواده‌های کشته‌شدگان و بازداشتی‌ها» را عرضه کند اما این رسانه نیز به تدریج دارد به خوار مردمی خود یعنی بخش فارسی صدای آمریکا نزدیک می‌شود. برای کسانی که به دنبال اخبار مربوط به این رویداد بودند گوش کردن و گوش نکردن به این رادیو تفاوت زیادی نداشت و همان خبرها را از هر وبسایتی (حتی وبسایت‌های داخلی) می‌شد پیدا کرد. رادیو فردا به «کپی پیست» مطالب خبرگزاری فارس و تسنیم ادامه می‌دهد.

مدیران بالای این رادیو که دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکایی را به جوی آب می‌ریزند مانند مدیران بخش فارسی صدای آمریکا به جریان رسانه‌ای غالب در ایالات متحده تعلق دارند اما نمی‌توانند شبانه‌روز همانند سی‌ان‌ان یا ام‌اس‌ان بی‌بی‌سی یا قاتلان به براندازی جمهوری اسلامی حمله کنند یا قدرت جمهوری اسلامی را در منطقه ستایش کنند و به همین دلیل حرکت با چراغ پایین را پیشه کرده‌اند. از همین جهت نیز مدیری را از ایالتی بی‌بی‌سی آوردند که در مکتب بی‌خاصیتی حرفه‌ای پرورش یافته باشد و با بخش اخبار موز در آمریکای جنوبی یا کنسرتی در پراگ ساعت‌ها را پر کنند. برای ارزیابی کار رادیو فردا به